

خواهد بود
رئیس - مخالفی نیست؟
جمعی از نمایندگان شیر
رئیس - ماده سی و یکم،
(باین نهج خوانده شد)
ماده سی و یکم؛ طرز جریان معاکه
مطابق نظامنامه است که بصویب هیئت
رئیس خواهد بود
رئیس - مخالفی ندارد؟
بعضی از نمایندگان شیر
رئیس - ماده سی و دوم قرائت می-
شود

(اینطور قرائت شد)

ماده سی و دوم - از مقرری مستخدمین
مجلس در هر برج صدی پنج کسر و برای
اعانت مستخدمین و پیمانگان آنان که
واجد شرایط این قانون باشند بصندوق
مخصوص موسوم بصندوق تقاعد وظیفه
تحويل می گردد.
رئیس - کسی مخالفی نیست؟
(نظاری نشد)
ماده سی و سوم؛
(باین کیفیت خوانده شد)
ماده سی و سوم - مبلغ مذکور در ماده
فوق فقط از مقرری های که از یکصد و
پنجاه تومان در سال تجاوز کند کسر خواهد
شد.
رئیس - آقای حائری زاده
(اجازه)
حائری زاده - در اینجا تعیین مبلغ کردن
را بنده مناسب نمی دانم.
زیرا ممکنست بودجه روزی تغییر پیدا
کند و ترقی و تنزل بکنند آن وقت مجبور
شواهد شد که قانون را هم بر حسب تغییر
بودجه کم و کسر کنند و تغییر بدهند.
در رتبه بندهائی که مقرر شده ۶ رتبه
منظور شده و رتبه ششم راهم در این قانون
طبقه قرار داده اند و از رتبه پنجم بیلا
حقوق تقاعد کسر میکنند و حالا هر چه
نظر کمیسیون باشد و بخواهند تطبیق با
مبلغی که در نظر گرفته اند بکنند کاری با
آن ندارم ولی مقصود بنده اینست که مبلغ
را ماخذ قرار دهند و رتبه را ماخذ قرار
دهند.
شیروانی - غیره - مخصوصاً کمیسیون
در آن ایراد آقای حائری زاده نظر کموس
داشت زیرا از رتبه کسور تقاعد نمی گیرند
و کمیسیون همچو در نظر داشت که از صد
و پنجاه تومان بیلا راحت دارند کسور
تقاعد بگیرند و کمتر راحت ندارند.
حالا این مبلغ بهر عضویکه تطبیق
شود از او حقوق تقاعد خواهد گرفت رتبه
هر چه می خواهد باشد.
غرض اینست که کمیسیون کسر کردن
حقوق تقاعد را از رتبه حائری نامی دانست و
میزان را از صد و پنجاه تومان بیلا در نظر
گرفته.

رئیس - آقای دستغیب
(اجازه)
دستغیب - موافقم
رئیس - آقای سرکشیک زاده
(اجازه)
سرکشیک زاده - بنده هم موافقم
رئیس - آقای آقاسید بقوب
(اجازه)
آقاسید بقوب - بنده تعجب دارم از آقای
شیروانی که خیلی در این خصوص اصرار
دارند و علت اینکه این همه بودجه زیاد
شده برای این بوده است که در مابیه
اعضاء يك حقوقی داشته اند و آن وقت
خواسته اند میزان رتبه را از روی حقوق
معین کنند و حقوق را منشاء رتبه قرار دادند.
اندر حال آنکه باید باقیات را میزان رتبه
قرار داد و بقیه بنده مجلس مسلماً در قانون
استخدام کشوری و این ترتیبی که برای
حقوق معین نشده باید بایک شاه متوجه
کنند و ترتیب بهتری بدهند.
امیدواریم مابیه مملکت زیاد بشود
تا ما هم بتوانیم از روی حقوق رتبه معین
کنیم
ولی مادام که وضعیت مالی مملکت
اینطور است البته باید مراعات کسر بودجه
و نقصان مابیه مملکت راهم نمود و چون
این میزان صد و پنجاه تومانی که معین کرده
اند زیاد و کم می شود
از این جهت باید رتبه را میزان حقوق
تقاعد قرار دهند نسبت بیک پولی که
قابل برای زیاد و نقصانست.
مخیرت مطابق معمول امروز اگر
اشل سه وزارتخانه هارا ملاحظه فرمائید
می بینید که کمتر از سی تومان دیگر
نمی شود میزان را قرارداد
یعنی از بیست تومان تا سی تومان -
در هر حال اشل در همه جا
درین حدود است
پس وقتی که صد و پنجاه تومان را
بر دو از دست تقسیم بفرمائید
می بینید ماهی دو از صد تومان و نیم می
شود و این میزان کمترین حقوقیست که
معین شده و در ادارات این مبلغ را بفرشاه
و سر ایدارها می دهند.
دیگر انصاف نیست که از آن راهم
حقوق تقاعد کسر شود
منتهی مایه ای احتیاجات رتبه پنجا نوشتیم
که اگر روزی در مملکت از رتبه شش و اشل
بنوازد تومان و نیم رسید از مبلغ دو از صد
تومان و نیم بیلا حقوق تقاعد کسر شود
رئیس ماده سی و چهارم قرائت
می شود؛
(باین مضمون خوانده شد)
ماده سی و چهارم - وجود ذیل نیز بصندوق
تقاعد وظیفه عاید می گردد.
يك - چنانچه شخصی مدتی بلا تصدی
باشد مقررری آن شغل تا حد يك برج

دوب در موقعی که مستخدمین ترمیم رتبه
یا اضافه مقررری داده میشود تفاوت مقررری
يك برج
سه و جوهی که از بابت مجازات برداشت
می شود.
رئیس - آقای حائری زاده - در فقره
سوم این ماده می نویسد
و جوهی که از بابت مجازات برداشت
می شود.
در اینجا تصریح نشده
و جوهی که از بابت مستخدمین برداشت
می شود.
مخیر - لازمست این فرمایش اخیر
بوکلا و نمایندگانست از صندوق جرائم
مستخدمین مجزا نیست و اگر تصریح شود
که راجع بمستخدمین است ضرر ندارد
رئیس آقای دستغیب
(اجازه)
دستغیب - محتاج باین توضیح نیست
چریه و کلاه غیر از چریه و کلاه اجزاء
اداری مجلس است مطلب معلوم است
يك صندوق راجع بوکلاه است و
يكی هم راجع بمستخدمین مجلس.
چریه و کویل با چریه مستخدمین يکی
نیست و داخل هم نمی شود.
درین جا قانون برای مستخدمین
مجلس می نویسیم نه برای وکلاه
بنابراین محتاج باین توضیح و تذکار
نیست
حائری زاده - الان صندوق جرائم
يكیست
دستغیب - الان هم صندوق جرائم
دو تا است
خودتان عضو اداره مباشرت هستید و
میدانید دو تا است در اینصورت چه احتیاجی
باین مطلب هست
رئیس - آقای طهرانی
(اجازه)
آقاشیخ - چه دهدهای طهرانی - بنده فرقی
بین مستخدمین مجلس و مستخدمین ادارات
نمی بینم فرقیست بین مستخدمین مجلس و
وکلاهی مجلس
و کلاهی مجلس يك صندوق جرائم
مخصوصی دارند
ولی مستخدمین يکی از شعب مستخدمین
چوات معسوبند
برای اینکه اعزام اینک مجلس باشد
یا نباشد آنها حقوق خودشان را از دولت
مگیرند
ولی حقوق گرفتن و کلاه محدود
است.
وجوه ذیل که درین ماده نوشته
که بصندوق تقاعد عاید می گردد
اگر مقصود از صندوق تقاعد دولت
باشد که بنده حرفی ندارم
ولی اگر غرض صندوق تقاعد مجلس
باشد این تا اندازه برخلاف ترتیب است

زیرا اجراء مجلس هم حکم اجزاء
سایر دوائر دولتی را دارند و هیچ فرقی
بین آنها متصور نیست
از این جهت لزومی ندارد که يك
صندوق تقاعد مخصوص داشته باشد و
حقوق تقاعدشان باید در صندوق وکلا حفظ
شود
لذا خوبست توضیح بدهند که مقصود
از صندوق تقاعد صندوق دولتیست یا صندوق
ملی چه در مجلس
مخیر - لازمست این فرمایش اخیر
برای طهرانی را بنده توضیح بدهم و عرض
کنم که يك بام و دو هوا نباشد و ما وقتی
که قانون استخدام مجلس را می نویسیم
نویسید و در رتبه بندی يك نك حقوق
به آنها کمتر می دهید و آنها را بمستخدمین
کشوری فرق می گذارید
از این جهت انصاف نیست که حقوق
تقاعدشان را در يك صندوق بریزید که بعد
معلوم نشود چه خواهد شد و کی گرفته
خواهد شد.
رئیس - چند دقیقه تنفس داده می شود
(درین موقع جلسه برای تنفس تعطیل
و پس از يك ساعت مجدداً تشکیل گردید)
رئیس - ماده سی و پنجم قرائت می شود
(شرح آتی خوانده شد)
ماده سی و پنجم - مستخدمین مجلس در سن
هفتاد سالگی بالاچار از خدمت معاف
خواهند بود
رئیس - مخالفی ندارد؟
(گفتند خیر)
ماده سی و ششم
(باین عبارت قرائت شد)
ماده سی و ششم - مستخدمین مجلس با
داشتن يکی از شرایط ذیل حق معافیت از
خدمت واخذ حقوق تقاعدی دارند
يك - مستخدمینی که پس از بیست و پنج
سال خدمت بن سن شصت سالگی رسیده
باشند
دو - مستخدمینی که هلیل و با بواسطه
حادثه ناقص شده و از کار کردن
بازمانند
سه - مستخدمینی که در نتیجه ایفای
وظیفه اداری یا برای نجات شخصی از
تسلطه علیل یا ناقص شده قادر بکار کردن
نباشند
رئیس آقای یاسائی
(اجازه)
یاسائی - در قانون استخدام کشوری
هم يك همچو ماده هست که دولت را
بزرگمت انعامت است
و حالا ما میخواهیم بیشتر پسه مجلس
باشد این تا اندازه برخلاف ترتیب است

راهم دوچار کنیم
در این ماده نوشته
(مستخدمینی که پس از ۲۵ سال سن
شصت سالگی رسیده اند حق دارند تقاعد
شوند)
و این ترتیب بقیه بنده نسبت به بعضی
اشخاص ظالم است اگر ما زمان را مدخلیت
داده و میزان حقوقشان را از روی بیست و
پنج سال خدمت قرار بدهیم بهتر است ملاحظه
بفرمائید.
کسی که بیست و پنج سال خدمت
کرده و شصت سال هم دارد میتواند تقاعد
بشود.
و حقوق تقاعد بگیرد ولی اگر کسی
شصت و یک سال داشته باشد بیست و چهار
سال خدمت کرده باشد نمیتواند حقوق تقاعد
بگیرد.
بنده عقیده دارم که ماده سی و هفتم
را هم باید تغییر داد همان اصلی که در
قانون استخدام کشوری اتخاذ شده است
باید در نظر گرفت و باید نوشته شود نصف
حد متوسط مقرری ۳ سال آخر خدمت ضرب
در سنوات خدمت و برای مستخدمین مذکور
در فقره دوم يك نك خواهد بود.
در قانون استخدام کشوری يك اصل
بهتری منظور شده و آن این است که
يك شصتم آخر این حقوق را
مگیرند و ضرب می کنند در مدت خدمت
و این اصل متناسب تر است برای اینکه
مستخدم هر چه بیشتر خدمت کرده بیشتر
حقوق بگیرد.
و هر چه کمتر خدمت کرده کمتر
مگیرد و این ترتیبی که در اینجا مقرر شده
است شامل اشخاصی که بیست و چهار سال
خدمت کرده اند نمیشود و ظلمی نسبت به
آنها خواهد بود.
ما در آتیه مجبور خواهیم بود که
برای این اشخاص که بیست و چهار سال خدمت
کرده و مثلاً شصت و دو سال دارند شریه
تصویب کنیم و بموجب ماده سی و پنج مستخدم
در سن ۷۰ سالگی حتماً باید از خدمت
معاف شود آنوقت کسی که هفتاد سال
دارد و بیست سال هم خدمت کرده باشد شخص
حق گرفتن حقوق تقاعد ندارد و این در
حقیقت يك ظلمی است نسبت باین اشخاص
از این جهت بنده با این ماده و ماده بعد
با هر دو مخالفم.
رئیس - آقایانیکه به کمیسیونهای رای
نداده اند ممکن است تشریف ببرند و رای
بدهند.
مخیر - نظریات آقای یاسائی تمامش
اعتراض بود ولی بالاخره بکار حل اساسی
که بشود مسئله را درست کرد در نظر نگرفته
اند - يك طرف قضیه را فرمودند ولی طرف
دیگرش را حل نکردند و فکر نفرمودند
که يك مستخدمی ممکن است دو سال خدمت
کند و آنوقت اگر بخواهد از خدمت خارج

که ما باید مثل يك نفر تاجری باشیم که
بهر اندازه عایدی داریم همان قدر هم خرج
کنیم در قانون برای اجزاء ادارات يك
درجات عالی ایجاد می کنند و يك بودجه
سنگینی تهیه می کنند
بعد کسر میاورند آنوقت چهار می شوند
که وضع مالیات کنند ماهنوز هوای مملکتی
شود ما را در دست نمی دانیم و از این جهت
بواسطه ضیف بودجه که داریم باید همیشه
حدائق مخارج را در نظر بگیریم و در اینجا
می نویسد
نصف حد متوسط مقرری را سه سال
آخر خدمت و برای مستخدمین مذکور در
فقره دوم يك نك خواهد بود.
خوب اگر صندوق تقاعد کسر آورد
می شود؟ آیا باید از صندوق یا خزانه
دولت تأریه شود اگر اینطور معتقد باشیم
که نمی شود.
برای اینکه بودجه مجلس ربطی
ببودجه مملکتی ندارد و علبهه است و در
تحت نظر وزارت مالیه نیست که بودجه اش
راتهیه و تقسیم مجلس کند بلکه مطابق
نظامنامه که ما داریم و معمول هم هست
بودجه مجلس را اداره مباشرت تهیه و تقسیم
مجلس مینماید
پس ربطی بمابیه ندارد باین حال اگر
از صندوق تقاعد کسر آمد این کسر از کجا
چیران می شود؟
آنوقت باید هر روز بتوان شریه یا
مخارج انتظامی یا این الفاظی که تازه پیدا
شده است وزیر مالیه لایحه تقدیم کند و ما
تصویب کنیم
این است که درست بنده توضیح این
ماده را نمیدانم که اگر کسر پیدا شود چه
باید بشود
ماهنوز معین نکرده ایم که حقوق
تقاعدی را که کسر می کنند تا چه اندازه
میشود که در اینجا می آیم نصف و نك
معین کنیم
این نصف و نك معین کردن بعد از
اطلاع است
بعد از آنکه ما مستخدمین صندوق
تقاعد ما چه اندازه وانی پاداء حقوق است
آنوقت ما میتوانیم نصف یا نك حقوق
بدهیم
اما ما هنوز اطلاع نداریم که وجود
صندوق تقاعد ما چقدر است
برای این که هنوز صندوق تقاعد نداریم
پس فردهم مستخدم فشار می آورد بآداره
مباشرت که مطابق با قانون استخدام همان
طوری که در سایر ادارات معمول است بیاید
نك یا نصف حقوق مرا بدهید و این قانون
هم مقدس ترین قوانین خواهد شد و این
فشار راهم وارد میشود
پس اول ببینید هواید صندوق تقاعد
چقدر میشود آنوقت مطابق آن معین کنید
نك میشود ثلث ربع میشود نصف نه اینکه از

ابتداء بیاید اینطور بنویسید که آنوقت
در آخر سال يك لایحه برای تحویل بر
ملت بیارند بمجلس تصویب کنیم این است
نظریات بنده
رئیس - آقای دستغیب
(اجازه)
دستغیب - مقدمات فرمایش آقای
آقاسید بقوب بسیار متین بود
ولی بقیه بنده مربوط بقانون استخدام
مستخدمین مجلس و این ماده نبود بودجه
مملکتی هم شامل عموم میشود
مجلس هم داخلش هست اما اینکه
فرمودند توضیح بدهید عرض می کنم
آقا حقوق تقاعدی را مقیده دارین یا
ندارین؟
اگر عقیده داریم مواد بند راهم ملاحظه
بفرمائید در مواد بعد توضیح داده شده
است
حقوق تقاعدی معنایش این است که
اگر کسی باختیار یا باچار
در سن شصت سالگی باختیار و در سن
هفتاد سالگی باچار خواست تقاعد شود
يك چیزی می نویسد بآداره مباشرت و
اسمش را اداره مباشرت ثبت می کنند
که این شخص به سن هفتاد سالگی
رسیده و باید تقاعد بشود
آنوقت صندوق تقاعد را ملاحظه
می کنند اگر کسر دارد وقتی که بودجه
مجلس نوشته می شود و بتصویب مجلس میرسد
جزیه بودجه منظور میشود که این قدر از
از حقوق دو نفر تقاعد کسر آمده و می آورند
جزیه بودجه
در مجلس تصویب می شود و اگر کسر
نیارده از صندوق تقاعد می دهند
و اینکه آقای آقاسید بقوب فرمودند
که بازمه وزارت مالیه گفته شود
چطور شود هیچ این چیزها لزوم
ندارد
زیرا وقتی که اداره مباشرت بودجه
را پیشنهاد میکند حقوق تقاعدی را هم جزء
آن ترتیب میدهد
و بلاوه این اندازه راهم نباید جوش
زد و چیزی هم اضافه نمیشود
برای اینکه در نظر هست که تقاعد
زیاد نداریم و تا وقتی که متقاعد پیدا کنیم
ممکن است بهمان اندازه پول هم در صندوق
تقاعد جمع کرد
و فرقی نمی کند و آقای آقاسید بقوب
هم اشکال نکردند در این که زیادیا کم
است
اگر اشکال می کردند که نصف زیاد
یا کم است آن يك چیزی بود
ولی در اصل حقوق تقاعد داشتن
مستخدمین که عقیده داشتند آبراهم که
می آورند بمجلس و بتصویب مجلس
میرسانند
مسلماً اگر کسر آمده باشد بازر

ضمن بودجه تصویب خواهد شد
تدریجاً بودجه‌های دیگر وزارت مالیه
می‌آورد بلکه در ضمن بودجه مجلس این
کار مشور و اشکالی هم ندارد
(جمعی از نمایندگان گفته اند مذاکرات
کافی است)

رئیس - آقای آقا قاسید یعقوب
(اجازه)
آقای آقا قاسید یعقوب - اگر مذاکرات کافی
است عرضی ندارم
رئیس - ماده ۳۸
(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳۸ - چنانچه مأموری بموجب
مدلول فقره اول از ماده ۳۶ مستحق اخذ
حقوق تقاعدی گردد و معذرت در خدمت
باقی بماند و در ضمن دوره جدید خدمت
در نتیجه ایفای وظیفه اداری و یا برای
نجات شخصی از تهلکه یا ناقص شود
میزان حقوق تقاعدی او بعد از این
حادثه عوض دولت حد متوسط مقرری
سه سال آخر خدمت خواهد بود

رئیس - آقای آقا قاسید یعقوب
(اجازه)

آقای آقا قاسید یعقوب - گویا آقای دست
غیب بنایشان بر صحبت سکر در آن است نه
با وایل صحبت کردن - بواسطه خاطر
اینکه می‌فرمایند فرقی نمی‌کند
آقا من وکیل شما هستم باید از روی دلیل
و منطق صحبت کنیم این که می‌فرمایند فرقی
نمی‌کند

من و شما وکیل و یک شاهی را هم
بدون دلیل نباید بدهیم میگویند فرضاً
هزار تومان فرقی داشته باشد اهدیتی ندارد
البته اهدیتی ندارد مگر از جیب خودمان
نمی‌دهیم

من اینطور عقیده دارم بلکه همه
عقیده دارند که وکیل پناه وکیل باید
در نظر داشته باشد که پول را نباید بدون
دلیل بدهد

چون فرمودند که عقیده شما در این
مسئله با من موافق است خواستم عرض کنم
که چطور میشود مادر مصرف عالی اینقدر
بی‌اعتدالی کنیم

در مسئله مالی بنده باید فوق‌العاده
اهمیت بدهم این یک مسئله
مسئله دوم این است که خواستم از
آقای مخبر یا از اعضای محترم کمیسیون
تحقیق کنم که تعیین کردن نصف یا دولت
همینطور تصدیق است یا اینکه فلسفه و برهانی
هم دارد

اگر تصدیق است که هیچ و اگر دلیل
و برهانی هم دارد و بیان فرمایند که بنده
ملفت شوم
مخبر - آقای آقا قاسید یعقوب میدانند
که همه آقایان هم مثل خودشان موافقت
که نباید بدون تصویب مجلس یکشاهی
مصرف شود و انشاء الله نمی‌شود و قانونی

هم که مینویسد برای این است که بدون
اجازه قانون و مجلس پول خرج نشود و
اما نسبت باین ماده اولاً نصف پانک نوشته
اند فلسفه دارد و اگر حساب بفرمایند از
از امروز که این قانون تمام میشود از درجه
اش که تقریباً مساوی است با اشلی که در
مملکت هست تدریجاً شش و آن سه رتبه
را که در درجه شش قائل شده اند وقتیکه
صدی پنج از حقوق اینها را که حساب
کنند و بیست و پنج سال کسر کنند آنوقت
آن شخص معنی میشود
این اندازه حقوق تقاعد بگیرد شاید
با اختلاف جزئی ولی آن اختلاف هم مدار
نقطه نظر این است که اختلاف در سال
باشد

اگر تمام یکسال و در یک رتبه داخل
شوند تا آخر رتبه‌ها را مرتب می‌کنند
هیبتاً خواهد شد
ولی اینطوریکه ما حساب کرده‌ایم
برای اینکه بعضی از اعضاء بترتیب
بالا نمی‌روند اختلاف جزئی پیدا میکند و
چیز را هم که آقا میخواهند محال است که ما
بتوانیم یک ترتیب مساوی در آخر مدت
بهمه حقوق تقاعد بدهیم

اما فلسفه اینکه در اینجا دولت
قائل شده اند این است که اعضاء مجلس
نسبت با اعضاء سایر ادارات بیشتر کار می
کنند و به علاوه ممکن است مورد یک حملاتی
واقع شوند که سایر اعضاء ادارات ممکن
نیست مورد آن حملات واقع شوند و وقتی
هم که یک صدمت و زحمتی را در طول خدمت
تعامل میکنند
خود چنانچه هم باید این قدر
موافقت بفرمایند که یک چیزی بیشتر بآنها
داده شود

(جمعی از نمایندگان گفته اند مذاکرات
کافی است)

دست غیب - بنده مخالفم کافی
نیست

رئیس - آقای دست غیب
(اجازه)

دست غیب - بنده در کمیسیون هم با
این ماده مخالفم برای خاطر اینکه اینجا
می‌گویند

چنانچه مأموری بموجب مدلول فقره
اول از ماده ۳۵ و شش مستحق اخذ حقوق
تقاعدی گردد و معذرت در خدمت باقی بماند
در ضمن دوره جدید خدمت در نتیجه ایفای
وظیفه اداری و یا برای نجات شخصی از
تهلکه علیرویا ناقص شود
میزان حقوق تقاعدی او عوض نصف
دولت خواهد بود

فرض بفرمایید یک نفر مأمور مستحق
است تقاعد بشود دو مرتبه می‌آید و خدمت
میکند
آنوقت در سن هفتاد سالگی مجبوراً
باید تقاعد شود

در این ده‌سالی که مانده است در سر
خدمت و ایفای وظیفه کرد
یعنی کاملاً بوظایف مأموریت خود
عمل نموده این یک شق
شق دیگر اینکه یک نفر وکیل یا یک نفر
اهل اداره از یک تهلکه نجات داده خودش
افتاده دستش شکسته است آنوقت کاری
دیگر از دستش بر نیاید

اینجاست که بنده عرض می‌کنم بی‌انصافی
است دولت حقوق باو بدهند بلکه باید به
عقیده بنده تمام حقوقش را باو بدهند برای
این که اینجا مجبوراً تقاعد گردیده برای
نجات دادن یک نفر جان خودش را در معرض
خطر انداخته و این حق برای او کم است
رئیس - آقای اشکر
(اجازه)

اشکر - بنده هم مخالفم
رئیس - آقای کازرونی
(اجازه)

کازرونی - بنده هم مخالفم
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی
است

رئیس - مذاکرات کافی است ؟
بعضی از نمایندگان - بلی کافی است
رئیس - ماده سی و نهم
(بعضیون ذیل قرائت گردید)

ماده ۳۹ - مستخدمینی که حقوق تقاعدی
تقاضا میکنند باید تقاضای نامه خود را با اداره
مربوطه تسلیم نمایند

تا بوسیله مباشرین تقاضای نامه مزبور
با اسناد و مدارک لازم تسلیم کمیسیون
محاسبات شود

مباشرین تقاضاهای حقوق تقاعدی
رسیدگی کرده نتیجه تحقیقات را بضمیمه
اسناد و مدارک بکمیسیون محاسبات راپرت
داده و صورتی از حقوق تقاعدی مصوبه سال
جاری و حقوق که باید تصویب شود نیز به
کمیسیون می‌دهند

رئیس - مخالفی دارد ؟
(گفتند خیر)
رئیس - ماده چهل
(بعضیون ذیل خوانده شد)

ماده ۴۰ - ترک تبعیت ایران و محکومیت
بقیام و اقدام بر علیه حکومت ملی موجب
سلب حق از حقوق تقاعدی و وظیفه است
رئیس - آقای دست غیب
(اجازه)

ناچار بوره اش هم وظیفه داده نخواهد
شد
بنده از این نقطه نظر مخالفم اگر چه
ممکن است از نقطه نظر اصول ارث اگر
این حق را یک حقی بگیریم چون در حین
حیات از او سلب میشود
دیگر وارث نمی‌تواند این حق را
ادعا کند ولی استدلال بنده استدلال دیگری
است و آن این است که در نظر مملکت و
قانون این است که پس از فوت نسبت بوارث
کسک شود

دلیلش هم این است که در هر ماده
از قوانین محدود میکند مثلاً دختر را تا
زمانیکه شوهر اختیار نکرده و صغیر است
پس را تا سن بیست و یکسالگی از این نقطه
نظر معلوم است که نظر در ساهمت با
آنها است

و الا مقصود حق بود که این حق
منتقل شود بوارث دیگر قبضش با این ترتیب
ارومی نداشت

بنا بر این بنده تصور میکنم در اینجا
باید قید شود اگر بواسطه قیام بر ضد حکومت
ملی و ترک تبعیت این حق از او سلب شد در
صورتیکه وراث او محتاج باشند آنها
استفاده از این حق خواهند نمود

مخبر - اساساً باید فهمید که حقوق
تقاعدی در مقابل چه چیز داده میشود ؟
بعد از اینکه یک نفر معنی شده حقوق
تقاعدی را بگوید

این مال او است که قابل ارث خواهد
بود و وقتی که مرد ورثه او از مال او استفاده
میکند

ولی وقتیکه کسی بواسطه ارتکاب
یک جناحی این مال در زمان حیات از او
سلب شد

ورثه او چطور میتواند از مالی که
وجود ندارد استفاده کنند برای اینکه
در صورتی ورثه می‌توانند استفاده بکنند
که آن شخص بتواند این حق را از دولت
استفاده بکنند که آن شخص بتواند این حق
خودش این حق سلب شد دیگر ارثی باقی
نمی‌ماند کورته اش استفاده کنند

رئیس - آقای اشکر
(اجازه)
اشکر - بنده با ماده موافقم
(بعضی گفته اند مذاکرات کافی است)
رئیس - ماده چهل و یک
(بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۱ - وظیفه حقوقی است که در
پارو وراثت مستخدمین دولتی که در ذیل تشخیص
داده شده برقرار شود
۱ - مادرو حیال و خواهر و دختر
مادام که شوهر اختیار نکرده‌اند
۲ - برادر و اولاد ذکور تا سن ۲۷
سالگی
نہصرت - نسبت بمادرو برادر و خواهر

وقتی وظیفه داده میشود که در تکفل متونی
بوده باشند
رئیس - آقای آقا قاسید یعقوب
(اجازه)

آقا قاسید یعقوب - بنده خواستم از آقایان
اعضاء کمیسیون سؤال کنم که تشخیص
دادن وراثت باین ترتیب مطابق کدام قانون
است ؟
در قانون ما مسلمانها که ارث تقسیم
میکنیم وارث ۳ طبقه است
اصول و حواشی و حواشی حواشی
اصول عبارت است از پدر و مادر و
اولاد در مرتبه حواشی به برادر و خواهر
میرسد در مرتبه حواشی حواشی اصحاب و
اخوان میشوند در اینجا مخلوط کرده است
طبقه اول و دوم را مادر و عیال و اولاد
در صورتیکه دختر طبقه اول است و خواهر
طبقه دوم است

اگر نظر کمیسیون نظر مرا لطف باشد
که چون زن ضعیف است بنده هم از جهت
مطوفت موافقم که خواهر باشد ولی برادر
را بوجه مناسبت مینویسند ؟
خواهر با اعتبار اینسکه چون حقیقتاً
زن است و قابل ترحم میباشد

مأمیتوانیم او را در درجه اول قبول
کنیم ولی برادر در درجه اول از ارث
نیست و اگر بنا باشد او را هم در درجه
اول قرار دهیم برادر زاده هم هست

مخبر - اساساً باید فهمید که حقوق
تقاعدی در مقابل چه چیز داده میشود ؟
بعد از اینکه یک نفر معنی شده حقوق
تقاعدی را بگوید

این مال او است که قابل ارث خواهد
بود و وقتی که مرد ورثه او از مال او استفاده
میکند

ولی وقتیکه کسی بواسطه ارتکاب
یک جناحی این مال در زمان حیات از او
سلب شد

ورثه او چطور میتواند از مالی که
وجود ندارد استفاده کنند برای اینکه
در صورتی ورثه می‌توانند استفاده بکنند
که آن شخص بتواند این حق را از دولت
استفاده بکنند که آن شخص بتواند این حق
خودش این حق سلب شد دیگر ارثی باقی
نمی‌ماند کورته اش استفاده کنند

رئیس - ماده چهل و دو
(بعضیون ذیل قرائت شد)
ماده ۴۲ - مستخدمین که با داشتن شرایط
اخذ حقوق تقاعدی فوت نمایند وظیفه وراثت
آنان نصف آن مقدار است که در صورت
حیات بتوانان تقاعد بمتوفی تعلق میگرفت
رئیس - مخالفی نیست
(اظهاری نشد)

ماده ۴۳ - مستخدمینی که در حین
فوت واجد شرایط حقوق تقاعدی نیستند
در صورتی که مدت خدمت رسمی آنها کمتر
از ده سال نباشد وظیفه ورثه آنها سدس
حد متوسط مقرری ۳ سال آخر خدمت
متوفی خواهد بود
رئیس - آقای اشکر

اخگر - بنده معتقد نیستم مدت ده سال
منظور شود برای اینکه این یک بی‌اعتدالی
است که یک کسی که مدت خدمتش فرضاً
نه سال و یازده ماه است با آن کسیکه
ده سال تمام خدمت کرده است نسبت ببقیون
تقاعد خیلی فرق داشته باشد بنده عقیده
دارم مانند سده است باید حقوق داده
شود بطوریکه در قانون استخدام کشوری
نوشته بنویسند یک شصت حقوق حد متوسط
۳ سال اخیر ضرب در سنوات خدمت
مخبر - این مسئله در مواد بعد می‌آید و
ملاحظه خواهد فرمود آنگاه می‌بیند که کمتر از
ده سال خدمت کرده اند بلکه شش و هفت آنگاه
که بیشتر خدمت کرده اند بیشتر منظور
در باره آنها شده است

رئیس - آقای کازرونی
(اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی
است
(بعضی کافی نمیدانستند)

رئیس - همه برای رأی کافی نیست
آقای آقا قاسید یعقوب
(اجازه)

آقا قاسید یعقوب - بنده خواستم به
آقایانی که اینقدر توجه دارند و عواطف
بخرج میدهند
خاطر آنها را توجه بدهم باین مسئله
که ما قانون را باید از روی برهان و فلسفه
و دلیل بگذرانیم
عواطف در جای خودش مقدس است
وضع قانون هم در جای خودش مقدس است
و باید از روی مدارکی باشد شما اولاً حقوق
تقاعد را وضع میکنید و یک اصلی را در ادارات
اعم از اینکه ادارات مجلس یا ادارات دولتی
باشد

عنوان میکنید که یعنی هر کسی دارای
شرایط تقاعد شد و شرط تقاعد درش پیدا
شد یک حقوقی باو بدهند
یعنی همانطور که مستخدم دولت است
و حقوق باو میدهند
اگر بعد تقاعد هم رسید به اوقتی
بدهند

ولی مادامیکه تقاعد نیامده است و
عنوان تقاعد در بین نیامده است (بمراضم
توجه بفرمایند بعد بفرمایند غلط است)
حق مال عنوان است بنده مادامیکه
وکیل هستم حق اخذ کردن حق دارم وقتی
که این عنوان را نداشتم دیگر این حق را
ندارم

مستخدم مادامیکه وصف استخدام بر او
صدق کرد این حق را دارد و تقاعد وقتی
که وصف تقاعد بر او صدق کرد و بعد تقاعد
رسید
باید حقوق بهش بدهیم والا در ادارات
هر کسی به مجرد اینکه وارد شد و امش در

پرستل گذشت باینکه تمام مراتب حقوق را
بیش بدهند
یعنی مادامیکه مشتعل است حقوق
مشتعل و مادامیکه متقاعد است حقوق متقاعد
و همچنین تمام مراحل را با حقوق بدهند
معنی ندارد
عنوان تقاعد را وقتی شما مدرک قرار دادید
آنوقت مادام آن وصف بر او صدق نکند این
برای او وارد نمی‌آید
اینستله است علمی رجوع کنید به
ببیند حالا نمی‌خواهد برای بدهند بنده ولی
بنده هم راضی راضی و در صورت مفصل مجلس
هم می‌ماند آنوقت بدهی ببنده که من عنوان
حقیقت را کرده‌ام یا نه ؟
پس نکونید تقاعد - بنده هم موافقم ولی
مادامی که تقاعد را عنوان میکنید آنوقت تا
تقاعد نباشد این حق نیست

جمعی از نمایندگان - مذاکرات
کافی است
رئیس - ماده چهل و چهار
(شرح ذیل خوانده شد)

ماده (۴۴) - مستخدمینی که در نتیجه
ایفاء وظیفه اداری یا برای نجات شخصی
از تهلکه تلف شوند و واجد شرایط حقوق
تقاعدی نباشند
وظیفه وراثت آنها بدون مراعات مدت
خدمت متوفی خمس حد متوسط مقرری سه
سال آخر خدمت او خواهد بود

رئیس - آقای اشکر
(بعضی گفته اند مذاکرات کافی است)

اشکر - این قدر شناسی که در این
ماده نسبت با شاخصیکه در حین خدمت برای
ایفاء وظیفه اداری فداکاری میکنند خیلی نا
قابل است
در صورتیکه در ماده قبل نوشته شده
است :
اگر شرایط اخذ حقوق نداشته باشد
و فوت بکنند یک سدس وظیفه اش را بهش
میدهند
ولی فرض کنید یک کسی بیست و چهار
سال و شش ماه خدمت کرده در شش ماه مانده
است باینکه دارای حقوق تقاعد شود و در
نتیجه نجات دادن شخص از تهلکه فوت
کند
آنوقت باید جریبه شود باینکه فقط
یک پنجم حقوق و مراتب را باو بدهند و حال
آنکه اگر شش ماه دیگر زنده بود و این فدا
کار برهم نیکتر نصف حقوقش را بهش
میدادند و این ترتیب مخالف عدالت است و
باید برای اشخاصی هم که در موقع ایفاء وظایف
خدمت متوفی میشوند همان اندازه معین
شود

رئیس - آقای کازرونی
(اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - ایفاء وظیفه
یعنی بیاید این جا مشغول خدمت شود
این معنی ایفاء وظیفه است و وظیفه
هم در ادارات معین است که صبح باید
سر کارش و در ساعات معین انجام وظیفه
نماید

حالا اگر خدای نخواسته در وقتی
که مستخدم مشغول خدمت است بواسطه
حوادث فوت شد این اتمام مقصد است ؟
کسی که تصدیق کرده و خدمتی هم
انجام داده و ورزش رسیده مرده آنوقت این

رئیس - آقای کازرونی
(اجازه)

کازرونی - بنده مخالفم
رئیس - آقای دست غیب
(اجازه)

و تبع آقای سهام السلطان
(اجازه)

سهام السلطان موافقم
در این قسمتی آقای اشکر اظهار
فرمودند که گمان می‌کنم در حسابش اشتباهی
کردند
بجهت اینکه در صورتی که مستخدم
مستحق حقوق تقاعد شود
بعد بورتاش تعلق بگیرد نصف
حقوق تقاعد را بوارث میدهند و در واقع
وقتی حساب کنید ربع داده می‌شود
چون خود مستخدم نصف حقوق می
گیرد و بعد هم که پورته اش تعلق می‌گیرد
ربع می‌شود

ولی اینجا بدون این که رعایت این
قسمت را کرده باشد یک خمس می‌دهند
و اگر مدت خدمتش زیاد تر هم باشد
باز یک خمس می‌دهند
و اگر شما بخواهید تمام این جزئیات
را در قانون متوجه شوید نمی‌شود
قانون را باید بطور کلی نوشت
در این جا می‌گوید :
اگر کسی بواسطه نجات دادن شخصی
از تهلکه خودش دچار فوت شود آن
وقت پورته اش خواهد پنج سال خواه بیست
سال خدمت کرده باشد یک خمس
می‌دهند

یک نفر از نمایندگان - خودش را
بکشتن داده است

سهام السلطان - خودش را بکشتن
نداده است اتفاقات او را کشته و اگر بخواهیم
این جزئیات را در قانون مقرر کنیم
آنوقت همانطوری که اظهار کردند
یک قانونی می‌شود که عملی نیست
پس باید همیشه در وضع قانون حدی
را قائل شد که بتوان آن را عملی کرد
والا یکسال دو سال کاز این قانون
گذشت می‌بیند از عهده بر نمی‌آید طبقاً
مجبور می‌شوند که همه قانون را از بین
ببرند

این است که در موقع قانون باید
ملاحظه بعد را هم نمود که دولت یا صندوق
تقاعد از عهده پرداخت آن بر آید
رئیس آقای کازرونی
(اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - ایفاء وظیفه
یعنی بیاید این جا مشغول خدمت شود
این معنی ایفاء وظیفه است و وظیفه
هم در ادارات معین است که صبح باید
سر کارش و در ساعات معین انجام وظیفه
نماید

حالا اگر خدای نخواسته در وقتی
که مستخدم مشغول خدمت است بواسطه
حوادث فوت شد این اتمام مقصد است ؟
کسی که تصدیق کرده و خدمتی هم
انجام داده و ورزش رسیده مرده آنوقت این

رئیس - آقای کازرونی
(اجازه)

کازرونی - بنده مخالفم
رئیس - آقای دست غیب
(اجازه)

جا از برایش قائل می شوند که بایستی بعد از فوتش پورانش حقوقی داده شود.

ندارم باینکه برای آقایان توضیح بدهم که این لایحه هر چه زودتر تکلیفش معلوم شود بهتر است و از آنطرف هم لایحه نمیتواند در مجلس شورای ملی مطرح شود.

حاضر هستند و میل دارند لوازمشان بکنند آری برای سؤال و کلام هم حاضر هستند جواب بدهند یا نه . . .

دستور شود بعضی از نمایندگان اقبال الملک رئیس - بلی اقبال الملک - مخالفی ندارد .

این چیز غریبی است آقایان بولهار از کجای آورده؟ از کمی می گیرید؟

ولیکن از قرائت که اطلاع پیدا کرده ام کمیسیون قوانین مالیه چندین مرتبه تشکیل نشده و نمیدانم کی تشکیل خواهد شد و با احتیاط اینکه میباید تا چند روز دیگر تشکیل کمیسیون قوانین مالیه تاخیر شود میخواستم از مجلس شورای ملی از طرف هیئت دولت تمنی کنم که اجازه بفرمایند بهمان کمیسیون قوانین مالیه سابق مراجعه شود که راپورتش زودتر بیاید

آقای سید یعقوب - بسیار خوب این مطلب هیچ . بنده لایحه دولت را دیدم و نه خبر کمیسیون را

رئیس - نسبت برایت کمیسیون بودجه راجع با استفاده مستخدمین امریکائی مخالفی نیست جزء دستور شود؟

آنهائی که کم می دانند حس را نشان حرکت کرده آنکسانی هم که زیاد می دانند برای ملت فریاد می زنند.

این یک تمنی است، تمنی دیگر این است که دو فقره لایحه دیگر بیک پیشنهاد کرده بودم راجع به مستخدمین امریکائی و بلژیکی اجازه بفرمایند آنها هم در دستور جلسه آتی واقع شود

رئیس - آقای عماد السلطنه چون کمیسیون بودجه در آن مصالعات خودش را کرده و در آن باب راپورت هم داده است و تا روز سه شنبه هم راپورت حاضر خواهد بود .

رئیس - آقای عماد السلطنه - مطابق نظامنامه لایحه دولت که حاضر است و راپورت اینک در مجلس مطرح شود و تطبیق و توزیع بشود و بنده مطابق تحقیق که کرده ام این لایحه برای امروز عصر حاضر است (مهمه بین نمایندگان)

زیرا وراثت کسانی که متوفی می شوند نصف حقوق تقاعد را می گیرند ولی در اینجا وراثت خمس عین حقوق را می گیرند

چون کمیسیون بودجه در آن مصالعات خودش را کرده و در آن باب راپورت هم داده است و تا روز سه شنبه هم راپورت حاضر خواهد بود .

رئیس - آقای تدمین (اجازه)

رئیس - آقای عماد السلطنه حمله نکنید . بنده حرف نرفته ام نیزم . لایحه دولت که حاضر است و راپورت کمیسیون هم امروز عصر حاضر میشود و عصر از تحت تطبیق بیرون می آید و برای پس فردا بیشتر از بیست و چهار ساعت هم وقت خواهد بود

اینجا تفاوت از زمین تا آسمان است اما این که آقای کازرونی میفرمایند که این ترتیب یک تشویش است از این که تمام دنیا بیایند مستخدم دولت شوند . بنده عرض میکنم اینطور نیست برای اینکه بموجب همین قانون و قانون استخدام کشوری که نوشته اند شماره استخدام را سدی کنید

رئیس - آقای تدمین (اجازه)

رئیس - آقای عماد السلطنه حمله نکنید . بنده حرف نرفته ام نیزم . لایحه دولت که حاضر است و راپورت کمیسیون هم امروز عصر حاضر میشود و عصر از تحت تطبیق بیرون می آید و برای پس فردا بیشتر از بیست و چهار ساعت هم وقت خواهد بود

رئیس - آقای عماد السلطنه حمله نکنید . بنده حرف نرفته ام نیزم . لایحه دولت که حاضر است و راپورت کمیسیون هم امروز عصر حاضر میشود و عصر از تحت تطبیق بیرون می آید و برای پس فردا بیشتر از بیست و چهار ساعت هم وقت خواهد بود

بلکه اشخاصی که دارای شرایط مخصوصی هستند می توانند داخل خدمت شوند آن هم در صورتی که دولت محل داشته باشد شما ادارات را بطوری کنید که اجزای زیادی وارد نشود و بدون احتیاج عضو نیاروند آنوقت آن نظار به شما تأمین میشود

رئیس - آقای تدمین (اجازه)

رئیس - آقای عماد السلطنه حمله نکنید . بنده حرف نرفته ام نیزم . لایحه دولت که حاضر است و راپورت کمیسیون هم امروز عصر حاضر میشود و عصر از تحت تطبیق بیرون می آید و برای پس فردا بیشتر از بیست و چهار ساعت هم وقت خواهد بود

رئیس - آقای عماد السلطنه حمله نکنید . بنده حرف نرفته ام نیزم . لایحه دولت که حاضر است و راپورت کمیسیون هم امروز عصر حاضر میشود و عصر از تحت تطبیق بیرون می آید و برای پس فردا بیشتر از بیست و چهار ساعت هم وقت خواهد بود

حالا هم در ادارات دولتی مثل سابق یا نیست که هر کس بتواند بیاید عضو دولت شود و حقوق بگیرد

رئیس - آقای تدمین (اجازه)

رئیس - آقای عماد السلطنه حمله نکنید . بنده حرف نرفته ام نیزم . لایحه دولت که حاضر است و راپورت کمیسیون هم امروز عصر حاضر میشود و عصر از تحت تطبیق بیرون می آید و برای پس فردا بیشتر از بیست و چهار ساعت هم وقت خواهد بود

رئیس - آقای عماد السلطنه حمله نکنید . بنده حرف نرفته ام نیزم . لایحه دولت که حاضر است و راپورت کمیسیون هم امروز عصر حاضر میشود و عصر از تحت تطبیق بیرون می آید و برای پس فردا بیشتر از بیست و چهار ساعت هم وقت خواهد بود

رئیس - پیشنهاد شده است جلسه ختم شود .

رئیس - آقای عماد السلطنه حمله نکنید . بنده حرف نرفته ام نیزم . لایحه دولت که حاضر است و راپورت کمیسیون هم امروز عصر حاضر میشود و عصر از تحت تطبیق بیرون می آید و برای پس فردا بیشتر از بیست و چهار ساعت هم وقت خواهد بود

رئیس - آقای عماد السلطنه حمله نکنید . بنده حرف نرفته ام نیزم . لایحه دولت که حاضر است و راپورت کمیسیون هم امروز عصر حاضر میشود و عصر از تحت تطبیق بیرون می آید و برای پس فردا بیشتر از بیست و چهار ساعت هم وقت خواهد بود

رئیس - آقای عماد السلطنه حمله نکنید . بنده حرف نرفته ام نیزم . لایحه دولت که حاضر است و راپورت کمیسیون هم امروز عصر حاضر میشود و عصر از تحت تطبیق بیرون می آید و برای پس فردا بیشتر از بیست و چهار ساعت هم وقت خواهد بود

رئیس - پیشنهاد شده است جلسه ختم شود .

رئیس - آقای عماد السلطنه حمله نکنید . بنده حرف نرفته ام نیزم . لایحه دولت که حاضر است و راپورت کمیسیون هم امروز عصر حاضر میشود و عصر از تحت تطبیق بیرون می آید و برای پس فردا بیشتر از بیست و چهار ساعت هم وقت خواهد بود

رئیس - آقای عماد السلطنه حمله نکنید . بنده حرف نرفته ام نیزم . لایحه دولت که حاضر است و راپورت کمیسیون هم امروز عصر حاضر میشود و عصر از تحت تطبیق بیرون می آید و برای پس فردا بیشتر از بیست و چهار ساعت هم وقت خواهد بود

رئیس - آقای عماد السلطنه حمله نکنید . بنده حرف نرفته ام نیزم . لایحه دولت که حاضر است و راپورت کمیسیون هم امروز عصر حاضر میشود و عصر از تحت تطبیق بیرون می آید و برای پس فردا بیشتر از بیست و چهار ساعت هم وقت خواهد بود

دارم .

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - بنده هم در دستور عرض دارم .

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - در صورت جلسه راجع به توضیحات بنده در خصوص اشخاصی که بواسطه قیام و اتمام بر شد حکومت ملی شده است که بنده عقیده داشتم بعد از فوت پورته آنها داده شود و حال آن که بنده بعد از فوت عرض نکردم .

بنده عرض کردم در صورتی که بعد از فوت پورته آنها داده نمی شود مخالفم و بنده در این حق محروم باشم .

رئیس - بسیار خوب اصلاح می شود . صورت مجلس دیگر معارضی ندارد (گفته شد - خیر)

رئیس - انتهاباتی که پریروز نسبت به کمیسیونها شده از قراریست که عرض می کنم .

آقای ملک الشعراء به ضویت کمیسیون خارج با ۲۴ رأی

آقای امیر اشرف برای کمیسیون داخله با ۵ رأی

آقای مبداء الملک با ۴ رأی به ضویت کمیسیون قوانین مالیه

آقای آقا شیخ جلال با ۴ رأی به ضویت کمیسیون عدلیه

آقای آقا شیخ جلال با ۴ رأی به ضویت کمیسیون عدلیه

آقای آقا شیخ جلال با ۴ رأی به ضویت کمیسیون عدلیه

فداکاری و رشادت آنها است اشخاص از سلك نظام غیر حق دارا باشند .

ماده واحد مجلس شورای ملی القاب و مناصب مخصوص نظام را شرح ذیل مینویس

سیه لاری - سپه داری - سرداری - سپه بدی مطلق و مضایف امیر تومانی - امیر یونانی - امیر پنجی و سایر القابی که مضایف و یا مضایف الیه سیاه لشکر - جنک - سالار و نظام هستند .

رئیس - مراجع شود بکمیسیون نظام ؟

آقای آقا سید یعقوب - بنده عقیده ام این است بکمیسیون نظام مراجعه شود ؟

رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - بنده تقاضای فوریت می کنم و عقیده دارم فی الفور در مجلس مطرح شود .

رئیس - آقای روحی تقاضای فوریت کرده اند مخالفی دارد ؟

آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده نمی دانم این هم یکی از مسائل حیاتی است .

بگردد و برود بکمیسیون نسبت به مضایف و مضایف الیه و نسبت بکلیه مفرد و مرکبش نگار کنند و از هم تفکیک کنند و بعد به مجلس بیاورد و بفرمایش آقای آقا میرزا علی این چندمان فوریت ندارد و معلوم است که بعد همین سالار لشکر شاهزاده عباس میرزا است اما عرض من این است که نکونند مجلس مضایف و مضایف الیه را فرق نگذاشته رأی داد .

رئیس - هنوز تقاضائی نشده که رأی بگیریم .

آقایان شیروانی و روحی و تدمین تقاضای فوریت نمودند

رئیس - باید رأی گرفت فوریت تمام دوم آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند .

رئیس - تصویب شد .

رئیس - تصویب شد .

رئیس - تصویب شد .

رئیس - تصویب شد .

رئیس - تصویب شد .

رئیس - تصویب شد .

خواهد شد منتهی از روی استحقاق و لیاقت نه از روی خواهش و التماس و تقاضا .

بنابر این همه فست الفاظی که آقای تقی زاده فرمودند از بین می رود چون نسبت بیک تقاضای که می رود ترقی کند و درجاتش از روی استحقاق داده شود این الفاظ باید لغو شود و این الفاظ باید بکسی داده شود که آن درجه را دارا باشد .

بنابر این بنده مانعی نمی بینم و اینکه آقای تقی زاده تصور فرمودند ممکن است از نقطه نظر درجات نظامی سوء تفاهمی ایجاد شود .

خیر از نقطه نظر نظام هیچ سوء تفاهمی ایجاد نخواهد کرد فعلا این القابی که ملک با رعادت کرده عیالاً از وزارت جنگ می رود تا ببینیم مجلس شورای ملی نسبت به بقیه در این جلسه چه خواهد کرد .

رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که کافی می دانند قیام فرمایند .

رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که کافی می دانند قیام فرمایند .

رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که کافی می دانند قیام فرمایند .

رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که کافی می دانند قیام فرمایند .

رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که کافی می دانند قیام فرمایند .

رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که کافی می دانند قیام فرمایند .

اخگر - مرضی ندارم
رئیس - مخالفی ندارم؟
عدل الملك بنده معالقم
رئیس - بفرمائید

عدل الملك - بنده تصور میکنم این مسئله پیش بینی شده زیرا امیر یونان و امیر توماس کب است و در نظر پیشنهاد کننده مضاف و مضاف الیه هر دو محفوظ بوده و امیر که یکی از طرفین است ممکن است منظور شود.

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند.
(اقلب نماینده کان قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای تقی زاده

(شرح آتی قرائت شد)
پیشنهاد می کنم که استعمال اصطلاحات سردار و سالار و سپهسالار و سپهبد بطور لقبچه در نظام و چهره غیر نظام منسوخ شده و این اصطلاحات بجای درجات و مناصب نظامی گذاشته شود.

رئیس - این را بطور ماده الحاقیه پیش نهاد کنید یا بطور اصلاح.
تقی زاده بطور تجزیه
رئیس - بفرمائید

تقی زاده - این ماده مر کب است از سردار و امیر توماس بنده هینطور که در ماده پیش نهاد شده قبول دارم.

ولی در مسئله سردار و سپهسالار و سالار و سپهبد چون دومی رتبه که خوانده شده بنده هیچ ملتفت شدم که مقصود این است که هم در نظام و هم در خارج نظام منسوخ شود و بقیه بنده این است که در نظام حفظ شود.

مثلاً بجای سرتیب اول بگویند سالار و عوض سرتیب دوم بگویند سردار. چون این اسامی مناصب قدیمی است و بنیاد از بین برود و چیزی نیست که تازه اختراع شده باشد.

رئیس - ماده الحاقیه خواهد شد
تقی زاده - بلی
رئیس - بعد باید برای گرفته شود ماده قرائت می شود بانضمام لفظ امیر
(شرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی القاب و مناصب مخصوص نظام را بشرح ذیل ملغی میدارد:

سپهسالاری - سپهمداری - سرداری - سپهبدی - امیری مطلق و مضاف - امیریونانی - امیر تومانی - امیرینچی و سایر القابی که مرکب از مضاف یا مضاف الیه - سپاه - لشکر - جنگ - سالار و نظام هستند

رئیس - رأی می گیریم باین ماده آقایان موافقین قیام فرمایند.
(اقلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد. باید رای گرفت

پیشنهاد آقای تقی زاده قرائت می شود بعد آقایان موافقین اظهاراتی دارند می فرمایند.

(شرح سابق قرائت شد)
رئیس - آقای تندن
(اجازه)

تندن - بنده تصور میکنم که مقصود آقای تقی زاده تأمین شده است و عجاج نیست پیشنهاد شود برای اینکه همانطور که در ماده قرائت شد در مقدمه لا یمهم بهر مشران رسید مقصود این است این القابی که مخصوص نظامی ها است غیر نظامی استعمال نکند.

بنابراین باید لغو شود و دیگران حق ندارند زیر القاب نظامی باید معنی است و مثل رتبه آنها باشد اشخاصی که آن است یا شغل را ندارند نمی توانند آنرا دارا باشند و در خود ماده است که القاب مخصوص نظام الفاه می شود.

یعنی دیگران حق ندارند در این موضوع سپهسالار و سپهبدی و سردار در تشکیلات نظام است نهایت هنوز تشکیلات نظام از حیث عده توسعه پیدا نکرده است که از امیر لشکری سپهبدی و بالاتر از آنها برسد ولی آنها در نظام محفوظ است و الفاه نخواهد شد بنابراین تصور می کنم این ماده عیبی ندارد
رئیس - آقای تقی زاده
(اجازه)

تقی زاده - اگر مقصود از ماده که دولت پیشنهاد کرده هین باشد که آقای تندن فرمودند بنده مخالفتی ندارم ولی دو مرتبه قرائت شد همه اینطور فهمیدیم که در نظام غیر نظام منسوخ می شود ولی بنده عقیده دارم که در غیر نظام اگر منسوخ می شود در نظام بماند و باز عقیده دارم که امیر لشکری و امیر تومانی و امیر یونانی حتی در نظام منسوخ شود و بجایش اصطلاحات فارسی گذارده شود

تقی زاده - که از تاریخ اطلاع دارند می دانند از زمان مخامشی ها و ساسانی ها امیر لشکرهای ایران راسپهبد می گفتند و منکلت ایران چهار سپهبد داشت در چهار ایالت بزرگ و حالاً در تشکیلات جدید نظام برداشته اند امیر لشکر کرده اند و حال آنکه سپهبد خیلی ترجیح دارد بر امیر لشکر.

لهذا بنده عقیده دارم امیر لشکر و امیر تومانی و امیر یونانی چه در نظام و چه در غیر نظام منسوخ شود و سپهسالار و سپهبد و سردار و سالار جای این مناصب را بگیرد و اگر مقصود هین باشد بنده مخالفتی ندارم

وزیر مالیه - همانطور که آقای تندن توضیح دادند مقصود آقای تقی زاده تأمین شده و بنده آقایان را توجه می دهم باینکه این القاب که اساساً نظامی است نهاد در خارج

نظام بی مورد استعمال نشده بلکه در خود نظام هم بی مورد استعمال شده
مثلاً يك آدمی که معلوم نیست رتبه نظامی او چیست يك لقبی داشته که مضاف و مضاف الیه او.

مثلاً سردار بوده این است که در لایحه دولت بطور کلی نوشته شده که این القاب ملغی باشد و انشاء شدن آنها از حیث لقب است.

یعنی دولت خواسته است لقب در نظام منسوخ کند حالا درجات نظامی بطور باشد این را بهتر این است بخود دولت وزارت جنگ واگذار کنند پس چون مقصود آقای تقی زاده تأمین شده تصور می کنم حاجت به پیشنهاد نباشد

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند
(عده قلبی قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد جمعی از آقایان

(شرح ذیل قرائت شد)
پیشنهاد می کنم فرمانفرمایی هم که قانوناً جزو مراتب نظامی است انشاء شود

شیروانی و سرتفر از نماینده کان
رئیس - آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی - مخصوصاً این يك لقب در قانون اساسی هم اسم برده شده است و تصور می کنم قابل اعطاء نباشد سابقاً در قانون اساسی نیوده ممکن بوده است اینطور لقبها داده شود ولی فعلاً گمان می کنم نتوانند این نوع القاب را دارا باشند مگر اینکه قانون تصویب بکنند بنابراین پیشنهاد شد لغو شود

رئیس - مخالفی ندارم
سالار لشکر - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید
سالار لشکر - تصور می کنم نگاه نظر آقای شیروانی خیلی خصوصی و متوجه بیک افرادی بوده نه باوضاع مملکت زیرا القابی که نظامی بوده خود دولت پیشنهاد کرده لغو شود

البته دولتی که القاب را پیشنهاد کرده خودش ابراز آقای شیروانی بوده مسئله فرمانفرمایی جزء القاب نظامی نیست بلکه يك لقب کشوری است و قریب سه سال است این لقب در خانواده ما بوده و لقب نظامی هم نبوده و ممکن است آقایان به اشخاص صرف کشوری مراجعه کنند

ناصر الملك مرحوم که والی خراسان بود فرمانفرما بود بنده هم قریباً قریباً نصرت الدوله و بعد ناصر الدوله و لقب حالیه و نظر باینکه این نه موضوع مملکتی است نه موضوع ترقی و تعالی نظام وظیفه و فقط حمله بشخص بوده بنده مجبور بدفاع شدم و باز اگر آقایان تصور می کنند ترقی

مملکت ایران وحل مشکلات در این تصور است بنده هم خودم رای می دهم
رئیس - آقای شیروانی
شیروانی - اولاً قسمت اول فرمانفرما حضرت والا را مجبورم تردید کنم چون بنده هیچ نظر خصوصی نداشتم مخصوصاً بنده شاید با صاحب این لقب بیشتر از خود حضرت والا آشنائی داشته باشم (خنده نماینده کان)

بنابراین در اینجا نظر خصوصی در کار نبوده و مخصوصاً این لقب در قانون اساسی اسم برده شده و آن وقتی که فرمانفرمایی در قایل ایشان بوده قبل از این بوده که این لقب در قانون اساسی اسم برده شود.

يك اسم فامیلی دیگر ممکن است ایشان بعد اتخاذ کنند چون بعد از این هر کس می تواند هر اسمی را می خواهد برای نام فامیلی خود اتخاذ کند و این لقب هم لقب کشوری نیست و در قانون اساسی هم تصریح شده و اگر لقب کشوری بوده بنده هم با ایشان موافق بودم.

اتفاقاً در زمان استبداد هم این القاب باشخاص کشوری داده نمی شد و ابوی ایشان همیشه افتخار می کنند که سرباز بوده اند و در میدان مشق کرده اند و از آنجایی آمده اند تا فرمانفرمایی و این را افتخار خودشان قرار میدهند.

در این صورت ایشان يك نفر آدم کشوری نبوده اند حالا بعد اگر شغلای کشوری را قبول کرده اند ولی بلا نظامی بوده اند و این لقب بهمان مناسبت به ایشان داده شده است و در اینجا هیچ نظر خصوصی هم در کار نبوده

رئیس - رأی می گیریم باین پیشنهاد که ماده دوم می شود آقایانی که موافقند قیام فرمایند.

(عده قلبی برخاستند)
رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای آقامیرزا شهاب
(شرح ذیل قرائت شد)

میرزا شهاب ماده ذیل را بعنوان ماده دوم پیشنهاد می نماید

ماده دوم - اعطاء القاب و مناصب مزبوره در ماده اولی بکلی ممنوع است مگر به اشخاصی که در مراتب و درجات نظامی دارای یکی از درجات مزبوره بشوند.

آقامیرزا شهاب - ماده واحده که در اینجا رأی داده شده بنده خواندم دیدم يك نقصانی در اصل ماده هست و پس از رای دادن هم نمی شود ماده را تغییر داد در آنجا نوشته شده است که این القاب و مناصب مخصوص نظام ملغی هستند و هیچ قید نشده که در غیر نظام ملغی است نوشته این القاب مخصوص بنظام ملغی است یعنی اگر در غیر نظام باشد ملغی است در نظام هم اگر باشد ملغی است.

بنده دیدم بعد از رای دادن نمی شود ماده را اصلاح کرد
این بود که بنده در نظر گرفته بعنوان ماده دوم آنرا اصلاح کنم که فهمیده شود این القاب را به نظامی که دارای یکی از آن مقامات بشود میشود داد

یعنی منصب سپهبدی منصب امیری یا سرداری را بنظامی که دارای آن رتبه بشود می توان داد والا اگر آن اصل آن ماده باشد چون قانون فقط همان ماده است و مقدمه قانون هیچوقت در کتاب قانون ثبت نمی شود.

این ماده را اگر بنحسب ده سال دیگر خدمت آقایان بیاورند خواهند دید فقط نوشته است مناصب و القاب مخصوص نظام از این تاریخ ملغی هستند یعنی سپهسالاری که مخصوص نظام است ملغی است و این لفظ بنیستی هیچ کس به طریق منصب و نه بطریق لقب اعطاء شود.

این بود که بنده برای اصلاح آن ماده این ماده را پیشنهاد کرده ام اعطای القاب و مناصب مزبوره در ماده اولی بکلی ممنوع است مگر باشخاصی که در مراتب و درجات نظامی دارای یکی از مقامات مزبوره بشوند یعنی هر گاه شخصی در نظام خدمتانی کرده که بمقام سرداری رسید می توان باو سردار گفت گذشته از این در اینجا اشکالی هم هست.

زیرا اینها که هست الفاه شده بعد با این القاب را می دهند برای بعد که ملغی نشده دوباره شروع بدادن می شود و ماده نیست که بعد از این بکسی ندهند عیناً هر چه هست ملغی می شود ولی دومی رتبه ممکن است بکنند لقب سپهسالاری بگیرد و بگویند شما سابقاً ما را ملغی کردید

رئیس - آقای سهام السلطان
(اجازه)
سهام السلطان - چنانچه آقای وزیر مالیه هم توضیح دادند درجات و رتبه های نظامی را البته در تحت يك تشکیلات و ترتیب مرتبی معین کرده اند و معلوم است از ابتداء هر کس درجه رتبه باید خدمت کند و تاچه رتبه می تواند برسد و در هر رتبه که رسید آن کسی را که دارای آن رتبه است بچه القابی مینامند.

اینها ترتیبی در نظام معین است و حالا خواسته اند القاب اشخاصی که در خارج از نظام دارای این القاب بوده اند لغی شود و البته بهماز این هم هر کس در نظام بود و يك رتبه نظامی داشت از آن رتبه که بالا رفت و به رتبه مافوق رسید باو می گویند امیر لشکر یا سپهبد یا رئیس قسمت مطابق اسامی که معین شده این يك چیزی نیست که بفرمان یا القاب داده شود بموجب خدمت داده می شود.

این است که بنده معتقدم این ماده لازم نباشد و همان ماده اول کافی است و من بدهم هر کس در نظام باین رتبه ها رسید آن درجات را دارا خواهد بود.
رئیس - رأی می گیریم باین ماده دوم آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس
(بترتیب ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم وزارت جنگ هر يك از القاب ماده اول را می تواند در حساب مخصوصه مناصب نظام قرار دهند
رئیس - این همان است که پیشنهاد شد
عده هاشم میرزا شیخ الرئیس - خیر فرق دارد اصل موضوع این است و آقای آقامیرزا شهاب تصور کرده بودند در اینجا که نوشته شده القاب مخصوصه بنظام ملغی است در نظام ملغی است ولی آقای وزیر مالیه توضیح دادند که مقصود این است این اصطلاحات بعنوان لقب باشد
یعنی ممکن است الان يك سرداری در نظام باشد که از حیث رتبه یا اور باشد همین مناسبت آقای تقی زاده نظر داشتند که این الفاه محفوظ باشد
از آنطرف هم قانونی تا کنون نوشته نشده بود که بشود درجات نظامی را باین الفاظ تطبیق کرد لذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که این الفاظ در نظام بحال خودش باقی بماند و می توان آنها را درجات و مناصب نظامی قرار داد نه القاب
یعنی می توان سپهسالاری و سرداری و امیر لشکر و غیره و مقصود دولت هم با توضیح آقای وزیر مالیه هین بود که بنده پیشنهاد این القاب را باو در مناصب نظامی قرار دهم نه لقب و مقصود از این پیشنهاد بنده این است

من بدهم هر کس در نظام باین رتبه ها رسید آن درجات را دارا خواهد بود.
رئیس - رأی می گیریم باین ماده دوم آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس
(بترتیب ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم وزارت جنگ هر يك از القاب ماده اول را می تواند در حساب مخصوصه مناصب نظام قرار دهند
رئیس - این همان است که پیشنهاد شد
عده هاشم میرزا شیخ الرئیس - خیر فرق دارد اصل موضوع این است و آقای آقامیرزا شهاب تصور کرده بودند در اینجا که نوشته شده القاب مخصوصه بنظام ملغی است در نظام ملغی است ولی آقای وزیر مالیه توضیح دادند که مقصود این است این اصطلاحات بعنوان لقب باشد
یعنی ممکن است الان يك سرداری در نظام باشد که از حیث رتبه یا اور باشد همین مناسبت آقای تقی زاده نظر داشتند که این الفاه محفوظ باشد
از آنطرف هم قانونی تا کنون نوشته نشده بود که بشود درجات نظامی را باین الفاظ تطبیق کرد لذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که این الفاظ در نظام بحال خودش باقی بماند و می توان آنها را درجات و مناصب نظامی قرار داد نه القاب
یعنی می توان سپهسالاری و سرداری و امیر لشکر و غیره و مقصود دولت هم با توضیح آقای وزیر مالیه هین بود که بنده پیشنهاد این القاب را باو در مناصب نظامی قرار دهم نه لقب و مقصود از این پیشنهاد بنده این است

بنده پیشنهاد می کنم وزارت جنگ هر يك از القاب ماده اول را می تواند در حساب مخصوصه مناصب نظام قرار دهند
رئیس - این همان است که پیشنهاد شد
عده هاشم میرزا شیخ الرئیس - خیر فرق دارد اصل موضوع این است و آقای آقامیرزا شهاب تصور کرده بودند در اینجا که نوشته شده القاب مخصوصه بنظام ملغی است در نظام ملغی است ولی آقای وزیر مالیه توضیح دادند که مقصود این است این اصطلاحات بعنوان لقب باشد
یعنی ممکن است الان يك سرداری در نظام باشد که از حیث رتبه یا اور باشد همین مناسبت آقای تقی زاده نظر داشتند که این الفاه محفوظ باشد
از آنطرف هم قانونی تا کنون نوشته نشده بود که بشود درجات نظامی را باین الفاظ تطبیق کرد لذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که این الفاظ در نظام بحال خودش باقی بماند و می توان آنها را درجات و مناصب نظامی قرار داد نه القاب
یعنی می توان سپهسالاری و سرداری و امیر لشکر و غیره و مقصود دولت هم با توضیح آقای وزیر مالیه هین بود که بنده پیشنهاد این القاب را باو در مناصب نظامی قرار دهم نه لقب و مقصود از این پیشنهاد بنده این است

بنده پیشنهاد می کنم وزارت جنگ هر يك از القاب ماده اول را می تواند در حساب مخصوصه مناصب نظام قرار دهند
رئیس - این همان است که پیشنهاد شد
عده هاشم میرزا شیخ الرئیس - خیر فرق دارد اصل موضوع این است و آقای آقامیرزا شهاب تصور کرده بودند در اینجا که نوشته شده القاب مخصوصه بنظام ملغی است در نظام ملغی است ولی آقای وزیر مالیه توضیح دادند که مقصود این است این اصطلاحات بعنوان لقب باشد
یعنی ممکن است الان يك سرداری در نظام باشد که از حیث رتبه یا اور باشد همین مناسبت آقای تقی زاده نظر داشتند که این الفاه محفوظ باشد
از آنطرف هم قانونی تا کنون نوشته نشده بود که بشود درجات نظامی را باین الفاظ تطبیق کرد لذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که این الفاظ در نظام بحال خودش باقی بماند و می توان آنها را درجات و مناصب نظامی قرار داد نه القاب
یعنی می توان سپهسالاری و سرداری و امیر لشکر و غیره و مقصود دولت هم با توضیح آقای وزیر مالیه هین بود که بنده پیشنهاد این القاب را باو در مناصب نظامی قرار دهم نه لقب و مقصود از این پیشنهاد بنده این است

بنده پیشنهاد می کنم وزارت جنگ هر يك از القاب ماده اول را می تواند در حساب مخصوصه مناصب نظام قرار دهند
رئیس - این همان است که پیشنهاد شد
عده هاشم میرزا شیخ الرئیس - خیر فرق دارد اصل موضوع این است و آقای آقامیرزا شهاب تصور کرده بودند در اینجا که نوشته شده القاب مخصوصه بنظام ملغی است در نظام ملغی است ولی آقای وزیر مالیه توضیح دادند که مقصود این است این اصطلاحات بعنوان لقب باشد
یعنی ممکن است الان يك سرداری در نظام باشد که از حیث رتبه یا اور باشد همین مناسبت آقای تقی زاده نظر داشتند که این الفاه محفوظ باشد
از آنطرف هم قانونی تا کنون نوشته نشده بود که بشود درجات نظامی را باین الفاظ تطبیق کرد لذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که این الفاظ در نظام بحال خودش باقی بماند و می توان آنها را درجات و مناصب نظامی قرار داد نه القاب
یعنی می توان سپهسالاری و سرداری و امیر لشکر و غیره و مقصود دولت هم با توضیح آقای وزیر مالیه هین بود که بنده پیشنهاد این القاب را باو در مناصب نظامی قرار دهم نه لقب و مقصود از این پیشنهاد بنده این است

بنده پیشنهاد می کنم وزارت جنگ هر يك از القاب ماده اول را می تواند در حساب مخصوصه مناصب نظام قرار دهند
رئیس - این همان است که پیشنهاد شد
عده هاشم میرزا شیخ الرئیس - خیر فرق دارد اصل موضوع این است و آقای آقامیرزا شهاب تصور کرده بودند در اینجا که نوشته شده القاب مخصوصه بنظام ملغی است در نظام ملغی است ولی آقای وزیر مالیه توضیح دادند که مقصود این است این اصطلاحات بعنوان لقب باشد
یعنی ممکن است الان يك سرداری در نظام باشد که از حیث رتبه یا اور باشد همین مناسبت آقای تقی زاده نظر داشتند که این الفاه محفوظ باشد
از آنطرف هم قانونی تا کنون نوشته نشده بود که بشود درجات نظامی را باین الفاظ تطبیق کرد لذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که این الفاظ در نظام بحال خودش باقی بماند و می توان آنها را درجات و مناصب نظامی قرار داد نه القاب
یعنی می توان سپهسالاری و سرداری و امیر لشکر و غیره و مقصود دولت هم با توضیح آقای وزیر مالیه هین بود که بنده پیشنهاد این القاب را باو در مناصب نظامی قرار دهم نه لقب و مقصود از این پیشنهاد بنده این است

بنده پیشنهاد می کنم وزارت جنگ هر يك از القاب ماده اول را می تواند در حساب مخصوصه مناصب نظام قرار دهند
رئیس - این همان است که پیشنهاد شد
عده هاشم میرزا شیخ الرئیس - خیر فرق دارد اصل موضوع این است و آقای آقامیرزا شهاب تصور کرده بودند در اینجا که نوشته شده القاب مخصوصه بنظام ملغی است در نظام ملغی است ولی آقای وزیر مالیه توضیح دادند که مقصود این است این اصطلاحات بعنوان لقب باشد
یعنی ممکن است الان يك سرداری در نظام باشد که از حیث رتبه یا اور باشد همین مناسبت آقای تقی زاده نظر داشتند که این الفاه محفوظ باشد
از آنطرف هم قانونی تا کنون نوشته نشده بود که بشود درجات نظامی را باین الفاظ تطبیق کرد لذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که این الفاظ در نظام بحال خودش باقی بماند و می توان آنها را درجات و مناصب نظامی قرار داد نه القاب
یعنی می توان سپهسالاری و سرداری و امیر لشکر و غیره و مقصود دولت هم با توضیح آقای وزیر مالیه هین بود که بنده پیشنهاد این القاب را باو در مناصب نظامی قرار دهم نه لقب و مقصود از این پیشنهاد بنده این است

بنده پیشنهاد می کنم وزارت جنگ هر يك از القاب ماده اول را می تواند در حساب مخصوصه مناصب نظام قرار دهند
رئیس - این همان است که پیشنهاد شد
عده هاشم میرزا شیخ الرئیس - خیر فرق دارد اصل موضوع این است و آقای آقامیرزا شهاب تصور کرده بودند در اینجا که نوشته شده القاب مخصوصه بنظام ملغی است در نظام ملغی است ولی آقای وزیر مالیه توضیح دادند که مقصود این است این اصطلاحات بعنوان لقب باشد
یعنی ممکن است الان يك سرداری در نظام باشد که از حیث رتبه یا اور باشد همین مناسبت آقای تقی زاده نظر داشتند که این الفاه محفوظ باشد
از آنطرف هم قانونی تا کنون نوشته نشده بود که بشود درجات نظامی را باین الفاظ تطبیق کرد لذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که این الفاظ در نظام بحال خودش باقی بماند و می توان آنها را درجات و مناصب نظامی قرار داد نه القاب
یعنی می توان سپهسالاری و سرداری و امیر لشکر و غیره و مقصود دولت هم با توضیح آقای وزیر مالیه هین بود که بنده پیشنهاد این القاب را باو در مناصب نظامی قرار دهم نه لقب و مقصود از این پیشنهاد بنده این است

سپهبد هم در نظام نیست دولشکر یا سه لشکر را هر کسی که فرمانده شد او را سپهبد می گویند و ملغی نشده است ولی نظام ما امروز کنجایش اینک سپهسالار و سپهبد داشته باشد ندارد بجهت اینکه چندین کردارمه باید در دست داشته باشد تا رتبه سپهسالاری داشته باشد

علیهذا اصلاً این پیشنهاد که می شود ناشی از اشتباهی است که حاصل شده است تا این القاب رتبه ها قاعلاً موضوع القاب القاب است نه رتبه ها و البته در نظام هر رتبه که برای آن يك اسمی وضع شده هر شخصی دارای آن رتبه بشود بهمان اسم نامیده می شود

رئیس - آقایانی که ماده الحاقیه پیش نهادی شاهزاده شیخ الرئیس را تصویب میکنند قیام فرمایند
(عده کمی برخاستند)
رئیس - تصویب نشد.

پیشنهاد آقای تهرانی
(بشرح آتی خوانده شد)
ماده دوم - اعطاء مناصب فوق بطور لقب ممنوع است.

ماده فوق را پیشنهاد میکنم. شیروانی
شیروانی - آقای تهرانی این را بطور مطلق پیشنهاد کرده بودند و شاید تصور شود که اساساً نیشود این اسامی را به یکس داد همانطوری که فرمودند منصب و رتبه نظامی را میان قبی بطور لقب به اشخاص برده اند.

این را وزارت جنگ پیشنهاد کرده لغو شود.
مقصود این است که القاب نظامی که مختص نظام است باشخاص غیر نظامی داده نشود ولی اگر ممنوع نشد و از فرمان لاروس می متصل لقب ریخت بیرون و سردار و سالار بیرون آمد چکار باید کرد؟
در این مملکت که شاید بکنده باشند که خودشان خودشان را ملقب میکنند چه چیز جلو آنها را بگیرد؟
امروز که مملکت قوه دارد باید قانون هم با آن قوه اجراء شود که اگر کسی خواست لقب نظامی بدون اینکه آن رتبه را طی کرده باشد بگیرد بموجب يك ماده قانون او را منع کرده باشند.

ولی وقتی که منع نشد بچه عنوانی باید جاو او را بگیرند؟
لاروس هم که می لقب را میدهد بنده عقیده ام این است که اگر این ماده اضافه نشود هر کسی می رود با خودش را بیک لقبی ملقب میکند.
رئیس - آقای رهنما
(اجازه)
رهنما موافقم.
رئیس - آقایانی که این ماده الحاقیه را تصویب میکنند قیام فرمایند
عده کمی برخاستند
رئیس - تصویب نشد.
پیشنهاد آقای داور
بشرح ذیل خوانده شد
بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.

محمده علی طهرانی
رئیس - مقصود آقای شیروانی هین بود؟
شیروانی - خیر مقصود بنده این نبود.
رئیس - آقای تهرانی
(اجازه)
آقای شیخ محمد علی تهرانی - آقای اخگر يك توضیحاتی دادند حقیقه هم همین طور است.
وزیر مالیه لقب نیست رتبه است هینطور است وزیر عدلیه.
لقب عبارت از يك لفظ میان قبی است یعنی حقیقاً معنی ندارد.
ولی رتبه این است که فلان شخص این مرتبه را دارد یعنی سرتیب یا فرس بفرمائید نایب یا سلطان یا امیر لشکر.

اینها مبین رتبه يك شخص نظامی است نه اینکه از برای يك شخص نظامی است اینجا آقای آقامیرزا شهاب پیشنهاد کردند لکن مجموعاً رأی گرفته شد و بنده در آنجا می خواستم تقاضای تجزیه بکنم.
حالا هم تقریباً همان است.
یعنی نصف پیشنهاد ایشان بنده پیش نهاد کردم که القاب نظامی من بعد داده نشود.
الآن ما يك ماده گذراندم بعد از این ممکن است از يك مقاماتی يك القاب نظامی بیک اشخاصی بدهند.
این هم باید ممنوع باشد در مجلس سلم باشد و الا يك ماده وضع کردیم ممکن است يك جماعت دیگری ملقب بشوند به

بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.
رئیس - تصویب نشد.
پیشنهاد آقای داور
بشرح ذیل خوانده شد
بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.

بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.
رئیس - تصویب نشد.
پیشنهاد آقای داور
بشرح ذیل خوانده شد
بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.

القابی که منسوخ شده است فرق است بین القاب و رتبه امیر لشکری - سپهبدی - سرتیبی باقی میماند برای اینکه مبین رتبه است اما القاب دیگر نظامی که از برای اشخاص غیر نظامی است البته اینها باید منسوخ بشود و بعد از اینهم داده نشود.
رئیس - رأی می گیریم.
داور - دوسه پیشنهاد دیگر هم هست اجازه می فرمودید همه قرائت می شد بهتر بود
رئیس - پیشنهادها بی دربی میرسد و دو تایش را بخوانیم سه تا دیگر می رسد.
آقایانی که این ماده الحاقیه را تصویب میکنند قیام فرمایند
(چند نفر برخاستند)
رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای شیروانی
(بشرح آتی خوانده شد)
ماده دوم - اعطاء مناصب فوق بطور لقب ممنوع است.

ماده فوق را پیشنهاد میکنم. شیروانی
شیروانی - آقای تهرانی این را بطور مطلق پیشنهاد کرده بودند و شاید تصور شود که اساساً نیشود این اسامی را به یکس داد همانطوری که فرمودند منصب و رتبه نظامی را میان قبی بطور لقب به اشخاص برده اند.

این را وزارت جنگ پیشنهاد کرده لغو شود.
مقصود این است که القاب نظامی که مختص نظام است باشخاص غیر نظامی داده نشود ولی اگر ممنوع نشد و از فرمان لاروس می متصل لقب ریخت بیرون و سردار و سالار بیرون آمد چکار باید کرد؟
در این مملکت که شاید بکنده باشند که خودشان خودشان را ملقب میکنند چه چیز جلو آنها را بگیرد؟
امروز که مملکت قوه دارد باید قانون هم با آن قوه اجراء شود که اگر کسی خواست لقب نظامی بدون اینکه آن رتبه را طی کرده باشد بگیرد بموجب يك ماده قانون او را منع کرده باشند.

ولی وقتی که منع نشد بچه عنوانی باید جاو او را بگیرند؟
لاروس هم که می لقب را میدهد بنده عقیده ام این است که اگر این ماده اضافه نشود هر کسی می رود با خودش را بیک لقبی ملقب میکند.
رئیس - آقای رهنما
(اجازه)
رهنما موافقم.
رئیس - آقایانی که این ماده الحاقیه را تصویب میکنند قیام فرمایند
عده کمی برخاستند
رئیس - تصویب نشد.
پیشنهاد آقای داور
بشرح ذیل خوانده شد
بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.

محمده علی طهرانی
رئیس - مقصود آقای شیروانی هین بود؟
شیروانی - خیر مقصود بنده این نبود.
رئیس - آقای تهرانی
(اجازه)
آقای شیخ محمد علی تهرانی - آقای اخگر يك توضیحاتی دادند حقیقه هم همین طور است.
وزیر مالیه لقب نیست رتبه است هینطور است وزیر عدلیه.
لقب عبارت از يك لفظ میان قبی است یعنی حقیقاً معنی ندارد.
ولی رتبه این است که فلان شخص این مرتبه را دارد یعنی سرتیب یا فرس بفرمائید نایب یا سلطان یا امیر لشکر.

اینها مبین رتبه يك شخص نظامی است نه اینکه از برای يك شخص نظامی است اینجا آقای آقامیرزا شهاب پیشنهاد کردند لکن مجموعاً رأی گرفته شد و بنده در آنجا می خواستم تقاضای تجزیه بکنم.
حالا هم تقریباً همان است.
یعنی نصف پیشنهاد ایشان بنده پیش نهاد کردم که القاب نظامی من بعد داده نشود.
الآن ما يك ماده گذراندم بعد از این ممکن است از يك مقاماتی يك القاب نظامی بیک اشخاصی بدهند.
این هم باید ممنوع باشد در مجلس سلم باشد و الا يك ماده وضع کردیم ممکن است يك جماعت دیگری ملقب بشوند به

بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.
رئیس - تصویب نشد.
پیشنهاد آقای داور
بشرح ذیل خوانده شد
بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.

بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.
رئیس - تصویب نشد.
پیشنهاد آقای داور
بشرح ذیل خوانده شد
بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.

بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.
رئیس - تصویب نشد.
پیشنهاد آقای داور
بشرح ذیل خوانده شد
بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.

بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.
رئیس - تصویب نشد.
پیشنهاد آقای داور
بشرح ذیل خوانده شد
بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.

بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.
رئیس - تصویب نشد.
پیشنهاد آقای داور
بشرح ذیل خوانده شد
بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل اضافه شود.

اصطای القاب مد کوره در ماده يك از این تاریخ متنوع است

داور - اینجا نومسئله است یکی مسئله الفاء

مثل الفاء يك مالیات یا رد کردن يك شهریه و یکی دیگر پیشنهاد کردن يك چیزی است

اگر اساسی را میفرماید اینطور بگیرد که القاب نظامی مخصوص بنظامی است و نباید بکسی داده شود و باید بطور منصف داده شود در این صورت بایستی جلوگیری از اصطای لقب بشود والا امروز از یک دسته يك القابی را میگیرند (گرچه نظر بنده بگذشته نظر بخصوصی نیست) و فردا يك دسته دیگری میدهند و این برخلاف مقصود است

حالا اگر آقایان باین مسئله اهمیت نمیدهند باشد

یک نفر از نمایندگان - مجدداً قرائت شود (شرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را به عنوان ماده دوم تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد

پیشنهاد آقای سر کشیک زاده (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه ذیل ضمیمه شود

از تاریخ تصویب این قانون بیده هیچ کس لقبی اهم از اشکری یا کشوری داده نخواهد شد

سر کشیک زاده

سر کشیکزاده - مقصود بنده از تقدیم این پیشنهاد ...

رئیس - آقا تأمل فرمایند و پیشنهاد دیگر در این زمینه هست قرائت شود بعد فرمایند

(دو نفره پیشنهاد دیگر از طرف آقایان دامغانی و مدبر الملک شرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه - کلیه اشخاص غیر نظامی از هر طبقه که باشند القاب آنها ملتی است و صادره از مقامی بنده پیشنهاد میکنم که کلیه القاب کشوری اموشود

مدبر الملک

رئیس - آقای سر کشیکزاده (اجاره)

سر کشیکزاده - پیشنهاد بنده دو جهت دارد

اولاً تکمیل قانونی است که از طرف دولت پیشنهاد شده زیرا در آن ماده که از طرف دولت پیشنهاد شده اشاره شده است که القاب ملتی است

دیگر اینکه مقصود بنده این بود که از مجلس شورای ملی تقاضا کنیم که از این موقع استفاده بشود و این القابیکه متصل مثل اینکه از ما همین بیرون میآید بعد از این بکسی ندهند و این پیشنهاد مربوط باشعاصی که قلمرو دارند نیست بنده پیشنهاد کردم از این بین بکسی لقب داده نشود که شاید تا پنجاه سال دیگر ما از این بلا خلاص شویم

رئیس - آقای همدان السلطنه (اجاره)

همدان السلطنه - بنده اولاً این پیشنهاد را مخالف قانون اساسی میدانم بعد هم به اینطور که آقای سر کشیکزاده معتقدند که کلیه القاب انتزاعی که هست بکسی از این بیرون مخالفم برای اینکه شاید در آتی لازم بشود و شاید در بگوئی برای مملکت لازم باشد که يك القابی بیک اشخاصی داده شود

بعلاوه این يك چیزی است مخالف با دوسه ماده از قانون اساسی نکتته دیگر را که باید عرض کنم این است که اگر این قسمت درام دولت لازم می دانست پیشنهاد میکرد پس بهتر این است که ما بماند که دولت پیشنهاد کرد قناعت کنیم

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را بعنوان ماده الحاقیه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد - آقای دامغانی (اجاره)

دامغانی - اساساً فرق بین اسم و لقب این است که اسم چند مان مناسب و اختصاصی و تخصص لازم ندارد ولی لقب و کنیه از سابقه نگاه میکنیم می بینیم که اگر حضرت موسی کلیم الله می گویند از نقطه نظر و کلمه الله موسی تکلیف است و یا اگر حضرت عیسی را روح الله می گویند از نقطه نظر و لغتاً فیها من روحا است و بدون مناسبت هیچوقت وضع نمیشود و همیشه لقب بجنبه اختصاص دارد و باید يك معنایی در نظر باشد تا اینکه لقب وضع شود مگر این که کلیتاً لقب در هر مملکت و ملتی کردو با تعصبات و صف گذاشته اند بتدریج چون از معنی خالی می شود جزء القاطر اچ می شود در اواخر دوره خلافت بنی عباس بود که ایران تقریباً صورت ملوک الطوائقی و هرج و مرج پیدا کرد

القاب بین مردم رایج شد که تا اکنون بیاد کار مانده اخیراً هم از دربار قدیم برای حفظ اصول استبداد يك لقب های زیادی می دادند برای این که دورنمای داشته باشد و بعقیده بنده این القاب که کلیتاً یکی از شؤون دوره استبداد است بایست ملتی شود که مردم دنبالا مسخره نکنند و بالقاب بی معنای ما

اینقدر متوجه نباشند

بعلاوه حال مردم القاب را خودشان بخودشان می دهند و می روند يك هری را می کنند و يك لقبی را درست می کنند و هويت اشخاص محترم هم تقریباً دارد نتکین می شود

بعقیده بنده بایستی همه القاب ملتی شود و بعلاوه لقب هیچ مقامی را هم نمی فهماند بجهت این که اشخاص هر مقامی را که دارا هستند آثار علمی و عملیشان باید معرف آنها باشد

الفاظ یعنی هر کسی دارای يك مقام و هويت علمی و اخلاقی هست بایستی خودش را با آثار آنها معرفی کند نه این که لقبی برای خود وضع کند

بعلاوه افتادن کلیه القاب کمکی است باجرای سجل احوال زیرا مردم مجبور می شوند بروند و سجل احوال بگیرند و گذشته از این وقتی که القاب منتسبه بنظام القاء شد دیگر باید عمومی باشد و تبعیض جایز نیست البته از جهت طابقت

رئیس - آقای رهنما (اجاره)

رهنما - بعد از يك مخالفت عرض می کنم

رئیس - آقای دستغیب (اجاره)

دستغیب - در نظام يك ملاحظاتی کرده است و وزارت جنگ برای اینکه القاب نظامی را که بدون درجه و رتبه باشعاص داده شده ملتی شود و اگر برای شؤونات دولت این مسئله هم لازم بود اولاً خود دولت در ضمن آن پیشنهاد پیشنهاد القاء القاب را هم می کرد

پس معلوم می شود این را لازم ندانسته است که در جزء شؤونات دولتی این کار را القاء کند

در نظام لازم ناست و همه آقایان هم تصدیق کردند برای خاطر اینکه سرتیب خارج از فوج پیدا نشود و این بسیار خوبست ولی دولت لازم ندانسته مسئله القاء القاب در شئون دولتی مدخلیت داشته باشد يك جهت دیگر این است که اساساً برای هر دولتی يك القابی است و يك اختیاراتی دارد که بتواند نسبت باشعاصی که خدمت کرده اند لقب بدهد و دولتی که نماینده ملت است این اختیار را دارد

آقای شریعت مدار فرمودند اینها از شؤون دوره استبداد است دوره معلوم است بدو

ولی در همین حال نمی شود متکرر شد که در همان دوره اشخاصی بوده اند که بمملکت خدمت کرده اند مطابق رسم زمان استبداد نهایت دماغها باندازه امروز پانزده شده بود که بگویند اصل استبداد غلط است و ماغ ها که باز شد خدمت هم فرق کرد

اولاً در اساس استقرار مملکت در

زمان استبداد هم يك عده بودند که برای استقرار مملکت خدمت می کردند و این القابی هم که داده می شود درست است که عده قلیلی هستند که از روی بی لیاقتی لقب گرفته اند و البته يك عده هم از راه خدمت لقب گرفته اند گانه وقتی شما بخواهید القاء تمام القاب را بکنید نفی می کنید

اشخاص بزرگ خودتان را حالا آقایان می فرمایند در آن وقت اشخاص خدمت نکرده اند بسیار خوب نکرده اند ایران خدمت کننده اش منحصر بحالاست

هم السلطان - آقای ماده ۶۴ نظامنامه را در نظر داشته باشید

دستغیب - آقای سهام السلطان می فرمایند ماده ۶۴ اما اینجا چه مربوط است

رئیس - بفرمایند

دستغیب - بنده عرض میکنم در مجلس شورای ملی ایران نباید گفته شود که در زمان استبداد خادم نداشته ایم

سید یعقوب - نداشته ایم

دستغیب - این را در مجلس شورای ملی نباید گفت آنوقت يك عده بودند بطور دیگر امروز يك عده هستند بطور دیگر در مجلس نمی شود از يك ملت ایران چندین هزار ساله خادم رانفی کرد

بنده عقیده باستبداد ندارم بنده خودم علمدار مشروطه بودم و زحمتهای کشیده ام خودم در کمالات بودم خدمات و زحماتی که در فارس با اساس مشروطیت کرده ام اگر از خدمات سایرین بیشتر نباشد کمتر نیست

آقایان همه مطمئنند

بنده طالب استبداد نیستم ولی عرض می کنم در زمان استبداد هم البته يك ملتی مثل ایران خادم داشته حالاهم دارد و این القابی که داده می شده از روی این بوده که خدمت کرده اند

بنده نمی خواهم داخل اشخاص بشوم و از این جهت اسم اشخاص را نمی برم ولی بودند اشخاصی که از نقطه نظر خدمت کردن بایران واستقلال ایران لقب گرفته اند و بقول آقای کلزونی تمام حیات ایران بسته بآن نیست که القاب ملتی شود

آقای شریعت مدار این کلمه را که فرمودند لقب يك تخصصی می خواهد جوابشان را بنده یاد آمدید بیشتر هار در این باره بیست سال قبل که سیوطی می خواندم

وقتی کون علماء بالقبه یعنی بالاخره لقب این اندازه که آقا فرمودید تخصص لازم ندارد علی حال تقدیر بنده عقیده ام این است برای خاطر اینکه آقای سید یعقوب خیلی جوش زنند و حرص زنند و مدعا کرات را کافی نمانند بنده مختصر عرض می کنم چون اکثر اشخاصی که لقب دار اند نداد نقطه نظر ایات لقب بآنها داده شده و این يك شائی

است نسبت بخدمت دولت این است که عرض می کنم القاء القاب اهمیتی ندارد و همینطور باشد بهتر است

آقای سید یعقوب - آقا علماء بالقبه لقب ندادند

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای دامغانی را بعنوان ماده سوم تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای یاسانی (شرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد می کنم

کسانیکه خود را بالقاب ملتی شده می نامند یا امضاء کنند یا اشخاص دیگری آنان را بالقاب مزبوره در ماده اول بنامند و بنویسند برای هر مرتبه از پنج تومان الی پنجاه تومان جریمه خواهند شد

جمعی از نمایندگان - تنفس داده شود

رئیس - تنفس داده شود

عده از نمایندگان - بلی

رئیس - (خطاب به یاسانی) آقای توضیح - تان را بپرداز تنفس بفرمایند

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از تسامحات مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای یاسانی پیشنهاد اولشان را پس گرفته و پیشنهاد دیگری کرده اند قرائت میشود

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد می کنم

ماده الحاقیه - کسانی که خود را به القاب ملتی شده بنامند یا امضاء کنند از يك تومان الی ده تومان جریمه خواهند شد

یاسانی - قوانینی که در مجلس شورای ملی وضع می شود باید در آن قانون پیش بینی مجازات متعلقش را کرد یا در قانون مجازات عمومی و چون ما اغلب بنام نداریم که قانون مجازات عمومی باین زودی از مجلس بگذرد

لذا نمی شود تأمل کرد که يك مجازاتی برای متخلف از این قانون در قانون جزای عمومی پیش بینی شود

در قانون جزای عمومی سابق هم اگر آقایان ملاحظه فرموده بودند يك چنین مجازاتی برای کسانی که القاب جعلی برای خودشان انتخاب می کنند پیش بینی شده بود

خالارای دادیم که القاب سرداری - سالاری - سه سالاری - و سپه داری ملتی است

الآن کسیکه معروفیت بیکی از این القاب دارد اگر امضاء کرده چه چیز مجازاتش می کنند

شما می گوئید ملتی است اومی گوید

من که ملتی نمی دانم چه کارش میکنند و بموجب این ماده واحد که حق نمرض باوندانند مجازاتی هم برای اوقائل نشده است

بعضی از آقایان در خارج اینطور اظهار کردند که پیشنهاد اولی بنده زیاد است این بود که بنده اصلاح کردم و جریمه را از يك الی ده تومان باختلاف دارائی اشخاص قراردادم به رجعت اگر يك همچو ماده نگذرد

گمان نمی کنم آن ماده واحد عملی شود و عملی شدنش این است که متخلفش آن مجازاتی داشته باشد که اگر از آن ماده تخلف کرد مجازاتش شود آن ماده مجری شود و برای این که شاید این قانون باین زودی بعضی اشخاص ابلاغ نشود پیشنهاد می کنم که بآن پیشنهاد اضافه شود که از تاریخ تصویب این قانون تا سه ماه

رئیس - آقای دستغیب (اجاره)

دستغیب - عرضی ندارم

رئیس - آقای تدین

تدین - موافقم

رئیس - آقای نظام التوایه

نظام التوایه - موافقم

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را بعنوان ماده الحاقیه تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده برخاستند)

رئیس - تصویب نشد

دو نفره پیشنهاد دیگر رسیده است که تماماً قرائت می شود

شرح آتی خوانده شد

پیشنهاد رهنما و جمعی از نمایندگان - کلیه برای تنظیم نام قلمبلی اشخاصی که دارای لقب میباشند و لقب کلیه القاب این جانب پیش نهاد ذیل را تقدیم می نمایم

ماده واحد - کلیه القاب کشوری پس از سه ماه از تاریخ تصویب این ماده القاء خواهد بود

رئیس - آقای رهنما

(اجاره)

رهنما - راجع باین مسئله دو موقع تنفس وقتی که با آقایان نمایندگان مذاکره می شد غالب آقایان با این فکر موافق بودند که لقب در این مملکت يك چیز مبتذل و اسباب زحمت شده است

حقیقت هم همینطور است ما که نباید خودمان را گول بزنیم

در این مملکت لقب دادن تشخص خدمت نیست و اگر مشخص خدمت بود اینهمه القاب که شاید عدش از هزارها مجازات است نبود و مطبوعات و جراید و کتب اروپا هم این مسئله را بطور مسخره دارند تلقی می کنند و اخیراً يك کتابی باسم شاه قزوستان انتشار پیدا کرده و تازه از بازار رس فرستاده اند اینجا آن را ملاحظه کنید و ببینید که

راجع بالقاب ایران چه نوشته است

می نویسد که مشته لقب در ایران اساساً نه تنها دلیل خدمت نیست بلکه کم کم القاطلی دارد معمول میشود که ما این الفاظ را ترجمه

می کنم - آن وقت شروع کرده است شرحه کردن

مثلاً می نویسد ضیغم الملك ضیغم را او بزبان خودش ترجمه کرده است حالا ما هم بزبان خودمان ترجمه می کنیم یعنی شری ملک

شری ملک که دلیل خدمت نیست ! ! و همچنین شهاب الملك یا شهاب العوله یعنی تیر دولت آقایان تیر دولت دلیل خدمت است ! ! وزارت جنگ در این مسئله يك مقدمی برداشته است و آمده است در معطوله خودش این مسئله را بکلی القاء کرده است بعضی از معترضین می فرمایند چرا در همه جا اقدام کرده است

اماد دولت يك قدم پیش رفته است و این مسئله خوب باید ما باید آن را تشخص بدهیم

دوله و سلطنته و ملک دلیلش چیست که اینهمه زیاد شده ؟ و هر ده پانزده روز این جراثیم بد بخت دچار ده بیست تقاضا میشوند که آقا فلان لقب بنده را بپوشید یا پس در اینجا ملاحظه کنید اگر ما بخواهیم حقیقتاً از این مسئله جلوگیری کنیم و بخواهیم که مطبوعات اروپا ما را مسخره نکنند لازم است که برای این ترتیب يك فکری نکنیم ماچشهای خودمان را بسته ایم و در يك معطوله که اسمش ایران است بسته ایم و اظهار می کنیم که خبر لقب دلیل خدمت است

ولی تمام جزئیات این قضیه را که لقب چه شکل می آید و چه شکل می رود و چه سیرمونی دارد و بالاخره چه شکل گرفته شده است ملاحظه نمیکنیم و اگر در پانزده تا صد تا ... با نصد قالب معین می شد و دایره اش محدود می شد و در مقابل خدمت باشعاص می دادند عیبی نداشت بعضی از رفقا می گفتند اگر القاب از بین برود ما مجبور خواهیم شده پس همین کنیم

برای جلوگیری کردن از این هیس و برای اینکه اشخاص بتوانند يك نام قلمبلی برای خود معین کنند يك مدتی هم قید شده و حالا هم موقع بدست مجلس رسیده که آنرا مرتب کنند

مثلاً آقای مشهور الدوله را باید تصدیق کرد وقتی ما بایشان احترام می کنیم از نقطه نظر لقب نیست و ممکن است این لقب را به کسی دیگر بدهید و این احترام را از او نکند پس برای جبران این قضیه برای اینکه يك خط وصلی بین این افکار مختلف بشود که همه آقایان هم معتقدند خوب است این مسئله را خانم بهیغم

رئیس - آقای محمدولی میرزا

(اجاره)

محمدولی میرزا - بنده خیلی متعبر و متأسفم که امروز يك پیشنهاد خیلی صحیح و بقاعده از طرف دولت شده بوده است و تمام مجلس با اتفاق به آن رای دادند و هیچکس هم بآن ایرادی نداشت و مخالفی هم پیدا نکرد

ولی بنده مسئله يك شکلی توسعه پیدا کرد که تقریباً سه ساعت وقت مجلس را صرف کرده است

بعضی از آقایان حالاً نمی خواهم عرض کنم که نظرشان خود نمائی بوده است لیکن اینترام نمی توانم تصدیق کنم که از نقطه نظر سیاستی که امروز در مملکت هست با اشکالاتی که متوجه اقتصادیات هست یا حوائجی که مملکت دارد و باید رفع کرد و يك قدمی در این جاده گذاشت هیچ این قضایا با اجاب نکرده است که در اطراف القاب اینهمه صحبت شود

شما بکار دارید بگذارید هر کس هر لقب داشته است داشته باشد و بگذارید این لفظ را بخودشان بگویند برنده

امروز این اظهاراتی که می شود مبنی بر چیست آیا برای اینست که بگویند فلان آقا از لقب تصدیق است و آن کسی که مثل بنده هیچ معتقد بقب نیست و برمی خیزم مخالفت می کنم بگویند از تیب مندرس است بسیار خوب باین موضوع هم کسی وقتی نمیکند

چه اهمیت دارد ایشان هم بگویند بنده هم می گویم دیگر اینکه میگویند بیچاره (روزنامه نویس ها)

آقا از این حیث که بروزنامه نویسها ضرری وارد نمیشود

برای اینکه اگر يك کسی يك اعلامی بنویسد و وزیر اش امضاء کند صرفاً السلطنه آنوقت دوسه قران که شش قران باشد با آقا منفعت میرساند بهر و گاو آقا ضرری نمیرساند

پس دیگر چرا اظهار می کنید بد بخت روزنامه نویس

رهنما - شاحق ندارید توهین کنید سر کشیک زاده - محمدولی میرزا - پس فرمایند

محمدولی میرزا - حالا خوب باید القاب يك چیزی است که از قدیم مرسوم بوده است اینجا یکی از آقایان اظهار کردند که از زمان خلفا بوده است و از هزار و صد سال قبل يك لقب هائی در مملکت ماداده شده است

و این ترتیب در جاهای دیگر هم معمول است

نقط چیزى که در واقع اسباب اختلاف در بین نظامی بود راجع بمشاهه القاب نظامی بود که دولت آنرا پیشنهاد کرد در مجلس هم با اتفاق رای داد و از پی رفت و این يك

مسئله اساسی و اصولی بود
سایر مسائل که گفته می شود بعهده من
چندان اصولی نیست و بعهده من ملت نباشد
ساقط نشود و مملکت چندان انتظار ندارد
که ببیند کمی مجلس باین مسئله رای
خواهد داد.
شیروانی - بنده اخطار نظامنامه
دارم.
رئیس - بفرمائید
شیروانی - شغل در تمام دنیا آزاد است
و کسی حق ندارد بشغل اشخاص حمله کند
قرارداد که بسته اند
روزنامه نویسی قرارداد نمی بندد بلکه
قران می گیرد و یک چیزی را اعلام می کنند
بمملکت که شایسته نمی کند.
رئیس - اینکه اخطار نظام نامه
نیود
اخطار نظامنامه نان را بفرمائید
شیروانی - توهین کردند با شخص
رئیس - رأی می گیریم پیش نهاد
داور - بنده هم یکی از پیش نهاد
کنندگان هستم اجازه بفرمائید صحبت
کنم.
مدیر الملک - بنده کفایت مذاکرات
را پیشنهاد می کنم
رئیس - رأی می گیریم بکفایت
مذاکرات
آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند
قیام فرمائید
(عده برخاستند)
رئیس - معلوم می شود کافی نیست.
آقای داور
(اجازه)
داور - شاهزاده محمدولی میرزا فرمودند
که ملت هنوز آنقدرها نبض ساقط نشده
است که منتظر باشد و ببیند این مسئله در
مجلس لغو خواهد شد یا خیر
درست است برای اینکه این بیچاره
ملت را سالها و مدت ها امثال ایشان در تحت
یک افکار و عقاید و اصولی نگاه داشته اند که
تشخیص نمی دهند چه باید بکنند و چه لازم است
و چه لازم نیست که بخش ساقط شود
و اگر مادر دست بزند گمانی خودمان
نگاه کنیم و ببینیم و ضعیف است آفتوت
ملکت می شویم که چطور یک مشت الفاظ و
یک کس حرف زنده گانی این ملت را بهمان
حال کلمات نگاه داشته است
شیروانی - حافظ آن هستید
و هر وقت بگویند که از آنها بفرمانند
حمله کنند بکفر نمانند همان فکر مدرس
بر می خورد و دیگران حمله میکنند و میخواهد
اشتباه کاری کند
بنده می خواهم ببینم آن چیزی که
در این مملکت اندازه لقب می شود گفت
مبتدل است چیست؟
غالب اشخاصی که که لقب دارند از این
طرز لقب اظهار تاجاری میکنند.
یک روزی در این مملکت مرسوم

این بوده است
باشخاصی که یک خدمانی می کردند
لقب داده میشد
ولی مدت ها است که این ترتیب نیست
و هر کس بفرودش یک لقبی داده و تمام این
مملکت یک مملکت ملقب و اسباب مضحکه
و مسخره شده است
بعضی از آقایان می گویند اهمیت
ندارد
بلی بنده هم تصدیق می کنم که این
مسئله آنقدر مهم نیست که دو ساعت در
آن مباحثه شود
ولی اگر اهمیت ندارد و باز نمیخواهند
خودشان را بعنوان داشتن لقب بر دیگران
حاکم بدانند
خوبست بگذارند این القاب مدرس
ازین برود و جان بنده ایشان و همه مردم
راحت شود
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی
است.
بعضی از نمایندگان - کافی نیست
رئیس - رأی می گیریم.
آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند
قیام فرمائید
(اغلب برخاستند)
رئیس - معلوم می شود کافی است
رأی گرفته میشود پیش نهاد آقای رحمان
و چند نفر از آقایان بعنوان ماده سوم
آقایانی که تصویب می کنند قیام
فرمائید
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد.
پیش نهاد آقای دامغانی دیگر موردی
ندارد.
پیش نهاد آقای سلطان العلماء
سلطان العلماء - بنده پس می گیرم
رئیس مذاکرات راجع بکلیات است
در کلیات مخالفی نیست؟
آقای حائری زاده
(اجازه)
حائری زاده - بنده خیلی متأسفم که
مجلس پنجم کارهای اساسی را فدای یک
کارهایی که هیچ اثر خارجی ندارد میکند
مثل تغییر القاب بنده نه خودم لقب
داشته ام نه پدرم و نه فامیلم و نه طرفدار این
فکر هستم
شیروانی - حافظ آن هستید
حائری زاده - در مجلس شورای ملی
هیچوقت لقب برای کسی تصویب نشده که
امروز بخواهند آن را لغو کنند
مجلس شورای ملی کارهای مهمتر راجع
باقتصادیات و بودجه و غیره دارد که نباید یک
روزش را صرف این حرف ها کند
یک کابینه سلطنتی هست که القاب
از آنجا بیرون می آید
خوبست دولت با آن کابینه داخل در
مذکره شود و نفرش را باند که دیگر اینهمه

لقب بیرون نیاید
یا از دربار خواهش کند که اینقدر
لقب داد نشود دیگر قانون نمی خواهد.
بعلاوه باید دید که ما قانون را برای
چه می گذاریم برای تمدن یا اجراء و
عمل
مردم این مملکت به نیات خودشان
بیشتر معتقدند تا به رأی که امی دهیم
و از صد نفرمان پنجاه و یک نفر بنده
میشود رأی می دهد.
احکام دیانتی ما آنهایی که در مقابلش
مجازاتی نیست عمل نمیشود.
ما اینجاری می دهیم که فلان ترتیب لغو
شود.
خیلی خوب من می خواهم لغو می کنم
نمی خواهم لغو نمی کنم کار تقنینی یک چیزی
است که از وظیفه مجلس شورای ملی خارج
ست و اینطور هم کار کردن که لقب فلان
الملک باید زیر کل برود یا نباید این لقب
حذف شود
این ها یک چیزی است که جز تزیین
وقت فایده دیگری ندارد و بقیه من
چیز خوبی نیست
مثلا یک وقتی مجلس پنجم می خواست
راجع باسامی ماهها یک تصمیمی بگیرد که
حمل نکوند و فروروزین بگویند باز یک چیزی
میشد اسم آنرا گذاشت که یک منجم
موظف است این کار را بکنند
حالا مجلس خوسته است وظیفه
منجم را هم تاکید کند
مجلس شورای ملی نباید قانون
ارشادی بنویسد و قانونی که در مقابلش هم
مجازات نباشد آنهم برای یک چیز موهوم
و یک چیز خیالی.
این چیز خوبی نیست و جز اتلاف
وقت مجلس فایده ندارد و بنده می بینم
امروز وقتان صرف این چیزی که سر
تا پایش هیچ نبودند و سابقه می شود که
هر روز یک و کبلی یک چیزی که نظارش
برسد در نزد جامعه از مسائل مستحسی است
یک طرح قانونی باورد و وقت مجلس را
صرف تغییر الفاظ و اصلاحات کند خوب
آقای سردار معظم را سردار معظم
نگویند و عبدالعسین خان بگویند این یک
چیزی است که ما بیایم از مجلس تصویب
بگیریم
فردا من خواستم بگویم سردار معظم
و ایشان هم خواسته قبول میکنند مجازاتش
چیست؟
بنابراین اینها یک چیزهایی است
که جز تزیین وقت مجلس برای مملکت
هیچ فایده ندارد و مجلس ما که باید کارهای
اساسی لازمتی بکنند داریم باین حرف
هارفتش را تلف می کنیم
وزیر مالیه بنده اگر تاکنون درین
خصوص عرضی نکردم با احترام لایحه دولت بود
برای خاطر اینکه دولت اینطور لایحه

نه هزار و پنجاه دورته آراء خود آقای
سردار سید رئیس الوزراء دارای سه هزار
و نهصد و چهل و سه رأی
آقای آقا سید محمد علی شوشتری دارای
سه هزار و پانصد و شصت و نه رأی بوده اند
و چون آقای سردار سید قلیانیندگی محل
دیگر را قبول کرده بودند
لذا اعتبارنامه با ام آقای آقا سید
محمد علی شوشتری نوشته و ارسال شده است
شعبه اول صحت امهات آن اعتبارنامه را تصدیق
و شکایات واصله را که ضبط دوسه است
مورد توجه ندانسته نمایند که آقای شوشتری
با اکثریت آراء اعضای شنبه تصدیق و خبر
آن به مجلس مقدس تقدیم می گردد.
رئیس - آقای سر کشیک زاده
(اجازه)
سر کشیک زاده - بنده موقفم.
رئیس - آقای نظام التولیه
نظام التولیه - موافقم.
رئیس - آقای دولت آبادی -
دولت آبادی - مخالفم
می ماند برای جلسه دیگر خبر
کمیسیون بودجه راجع با استخدام امریکائی
ها مطرح است
آقای حائری زاده.
اجازه
حائری زاده این فیصله لایحه حساب الممول
باید بکمیسیون بودجه و خارج هر دو مراجعه
شود و گویا کمیسیون خارج تشکیل نشده
بود که بآنجا هم مراجعه شود
برای این که فقط چهار نفر از شش
نفر اعضاء کمیسیون خارج انتخاب شده اند
بنا بر این اگر بکمیسیون خارج ارجاع
شود که از معمول مجلس خارج نشود باقیم
بهر است.
رئیس - این کار هم شده است و یک
چیزی از کمیسیون خارج نوشته شده فرائت
می شود.
حائری زاده - طبع و توزیع نشده
است.
(زایرت کمیسیون خارج به شرح ذیل
فرائت شد)
لایحه دولت ۱۹۱۱ مبنی بر استخدام
مستخدمین آمریکائی در کمیسیون خارج
مطرح گردیده و اگر چه هنوز همه اعضای
کمیسیون تشکیل نشده
چون خبر کمیسیون بودجه جز دستور
شده ما اعضاء گفته گان که اکثریت اعضاء
کمیسیون را تشکیل می دهیم موافقت خود
را نسبت بهیات مستخدمین مزبور به مرض
مجلس شورای ملی میرسانیم.
رئیس - مذاکرات راجع بکلیات است.
آقای تدین
(اجازه)
تدین - بنده موافقم.
رئیس - آقای ارباب کبخسرو -
ارباب کبخسرو - بنده هم موافقم.

رئیس - آقای نصرت الدوله -
نصرت الدوله - بنده هم در اسباب
مطلب موافقم.
رئیس - آقای دست غیب -
دست غیب عرضی ندارم.
رئیس آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده شاید در یک
فست از کلیات موافق باشم لکن می خواهم
بمرض مجلس برسانم که دوره پنجم تمام
امور آنرا در تحت انتظام بیاورد.
الآن ملاحظه بفرمائید آیا تا کنون
هنوز رایزنی از کمیسیون بیرون آمده
بود که بنویسند ما که اکثریت اعضاء کمیسیون
هستیم اعضاء می کنیم. آخر کمیسیون مخبر
دارد نمیشود دارد.
هیئت رئیسه دارد هیئت رئیسه این
کمیسیون کی منی شده است ما نباید یک
سابقه هائی در مجلس قرار بدهیم که به از
این محل ایراد باشد.
بشما انبیاء و مرسلین قسم که بنده
مواقفم
اما خوبست که ما یک قدم هائی
برداریم که نظامنامه و سابق مجلس
م محفوظ باشد و نظر بفروروزی که دارد ممکن
است بنده تقاضا کنم فردا که روز چهارشنبه
است مجلس تشکیل شود بگذارید این
رایزنی بکمیسیون خارج مراجعه شود و
و آن کمیسیون هم رایزنی خود را بدهد و
از یک روز عقب افتادن هم هیچ طوری نمی
شود و گمان می کنم روح مجلس هم بنا
این عرضی بنده که یک عرض اساسی موافق
باشد و حفظ نظامنامه و سابق مجلس را
از نمایندگان محترم تقاضا می کنم این
استداهای اول بنده.
اما مسئله دوم که می خواهم عرضی
کنم آن مسئله است که هنوز تکلیفش
معین نشده و تا مجلس رأی ندهد بنده
نمی توانم آنرا قبول کنم و این مسئله
را با آقای تدین رئیس کمیسیون با سایر اعضاء
کمیسیون یا آقای مخبر که مادام الحوت هستند
جواب خواهند داد.
برای تذکر و اطلاع خاطر نمایندگان
محترم عرض میکنم که مجلس چهارم در اول
سرطان افتتاح و در اول میزان رسمیت پیدا
کرد و کمیسیون های خود را تشکیل
داد.
اول کمیسیونی که تشکیل شد
کمیسیون بودجه بود و تمام نمایندگان
می دانند که بعد از آن قنرت مادامی
کمیسیون بودجه نمی توانست در عرض
شش ماه بودجه را از حیث هوائی و معارج
تنظیم کند
این بود که برخلاف دوره سوم در دوره
چهارم آمدند برای دادند که این کمیسیون
سابق در بودجه چندی هم نگاه کند
لیکن معارج سال آتی اش نسبت
بآن کمیسیون بودجه بود که تشکیل شده
بنده خودم عضو کمیسیون بودجه بودم

مجلس توهین می کنید
(آقای آقا میرزا شهاب مازو ۱۸
نظامنامه را شرح ذیل فرمائید نمودند)
ماده هیجده می یک کمیسیونی موسوم
بکمیسیون بودجه مرکب از هیجده نفر در
اول هر دوره اجلاسیه سالیانه از شصت
معین می شود
مطلب ذیل راجع باین کمیسیون
است.
(۱) تمام مطالب راجعه ببودجه سال
بعد.
(۲) تمام لایحه یا طرح قانونی که
بر حسب تغییر دخل و خرج سال بعد است.
رئیس سزائی که در مجلس چهارم
وارد شد چیز تازه نبود در مجلس گفته
که باید مطابق نظامنامه عمل شود
دومرتبه در مجلس چهارم رأی داده
شده است و گفته شده است که باید مطابق
صریح نظامنامه عمل شود
حالا اگر می خواهید تردید کنید یک
روزی ممکن است در این مسئله حرف
زنید
ولی در ضمن مذاکره این رایزنی
شود این مطالب را گفت.
(آقای دامغانی)
(اجازه)
آقا سید یعقوب عرض من تمام نشده
مطلب دیگری هم دارم
رئیس - (خطاب با آقای دامغانی) آقا
تأمل بفرمائید ایشان مطالب خودشان را
بگویند.
آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب - آقای عماد السلطنه
بدون اینکه حق داشته باشند نسبت به قانونی
پس دادند مقام ریاست خودشان حفظ
می کنند شاه هیچ حق ندارد بمن بگویند
خلاف قانون می کنی آقای عماد السلطنه
شما بچه حق این حرف را می زنید برای
چیه؟
بنده و کپل هستیم با آقای رئیس
چرا حقوق مرا بفظنی کنید؟
شما اینجا نشستید باید بنظر عدالت
حرف بزنید نظامنامه جواب مرا می دهد
حقایق جواب بنده را می دهد و البته من
موافقم با این لایحه - (خنده نمایندگان)
چرا این حمله می کنید؟ بچه مناسبت بمن
می گویند.
خلاف قانون کرده؟ حالا بصراف این
حرف که بنده از میدان در نمی روم - این
اولاً تا بنای همین کمیسیون محترم بودجه -
همین مخبر محترم همین آقای ناصر الاسلام.
همین شاهزاده سلیمان میرزا.
همین آقای تدین و بالاخره تمام اعضاء
کمیسیون بنده بودم آقای شیروانی هم
بودند لایحه وزارت نویسنده پیش نهاد
کرد نسبت به تخصیص جنگل در کمیسیون

مجلس توهین می کنید
(آقای آقا میرزا شهاب مازو ۱۸
نظامنامه را شرح ذیل فرمائید نمودند)
ماده هیجده می یک کمیسیونی موسوم
بکمیسیون بودجه مرکب از هیجده نفر در
اول هر دوره اجلاسیه سالیانه از شصت
معین می شود
مطلب ذیل راجع باین کمیسیون
است.
(۱) تمام مطالب راجعه ببودجه سال
بعد.
(۲) تمام لایحه یا طرح قانونی که
بر حسب تغییر دخل و خرج سال بعد است.
رئیس سزائی که در مجلس چهارم
وارد شد چیز تازه نبود در مجلس گفته
که باید مطابق نظامنامه عمل شود
دومرتبه در مجلس چهارم رأی داده
شده است و گفته شده است که باید مطابق
صریح نظامنامه عمل شود
حالا اگر می خواهید تردید کنید یک
روزی ممکن است در این مسئله حرف
زنید
ولی در ضمن مذاکره این رایزنی
شود این مطالب را گفت.
(آقای دامغانی)
(اجازه)
آقا سید یعقوب عرض من تمام نشده
مطلب دیگری هم دارم
رئیس - (خطاب با آقای دامغانی) آقا
تأمل بفرمائید ایشان مطالب خودشان را
بگویند.
آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب - آقای عماد السلطنه
بدون اینکه حق داشته باشند نسبت به قانونی
پس دادند مقام ریاست خودشان حفظ
می کنند شاه هیچ حق ندارد بمن بگویند
خلاف قانون می کنی آقای عماد السلطنه
شما بچه حق این حرف را می زنید برای
چیه؟
بنده و کپل هستیم با آقای رئیس
چرا حقوق مرا بفظنی کنید؟
شما اینجا نشستید باید بنظر عدالت
حرف بزنید نظامنامه جواب مرا می دهد
حقایق جواب بنده را می دهد و البته من
موافقم با این لایحه - (خنده نمایندگان)
چرا این حمله می کنید؟ بچه مناسبت بمن
می گویند.
خلاف قانون کرده؟ حالا بصراف این
حرف که بنده از میدان در نمی روم - این
اولاً تا بنای همین کمیسیون محترم بودجه -
همین مخبر محترم همین آقای ناصر الاسلام.
همین شاهزاده سلیمان میرزا.
همین آقای تدین و بالاخره تمام اعضاء
کمیسیون بنده بودم آقای شیروانی هم
بودند لایحه وزارت نویسنده پیش نهاد
کرد نسبت به تخصیص جنگل در کمیسیون

مجلس توهین می کنید
(آقای آقا میرزا شهاب مازو ۱۸
نظامنامه را شرح ذیل فرمائید نمودند)
ماده هیجده می یک کمیسیونی موسوم
بکمیسیون بودجه مرکب از هیجده نفر در
اول هر دوره اجلاسیه سالیانه از شصت
معین می شود
مطلب ذیل راجع باین کمیسیون
است.
(۱) تمام مطالب راجعه ببودجه سال
بعد.
(۲) تمام لایحه یا طرح قانونی که
بر حسب تغییر دخل و خرج سال بعد است.
رئیس سزائی که در مجلس چهارم
وارد شد چیز تازه نبود در مجلس گفته
که باید مطابق نظامنامه عمل شود
دومرتبه در مجلس چهارم رأی داده
شده است و گفته شده است که باید مطابق
صریح نظامنامه عمل شود
حالا اگر می خواهید تردید کنید یک
روزی ممکن است در این مسئله حرف
زنید
ولی در ضمن مذاکره این رایزنی
شود این مطالب را گفت.
(آقای دامغانی)
(اجازه)
آقا سید یعقوب عرض من تمام نشده
مطلب دیگری هم دارم
رئیس - (خطاب با آقای دامغانی) آقا
تأمل بفرمائید ایشان مطالب خودشان را
بگویند.
آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب - آقای عماد السلطنه
بدون اینکه حق داشته باشند نسبت به قانونی
پس دادند مقام ریاست خودشان حفظ
می کنند شاه هیچ حق ندارد بمن بگویند
خلاف قانون می کنی آقای عماد السلطنه
شما بچه حق این حرف را می زنید برای
چیه؟
بنده و کپل هستیم با آقای رئیس
چرا حقوق مرا بفظنی کنید؟
شما اینجا نشستید باید بنظر عدالت
حرف بزنید نظامنامه جواب مرا می دهد
حقایق جواب بنده را می دهد و البته من
موافقم با این لایحه - (خنده نمایندگان)
چرا این حمله می کنید؟ بچه مناسبت بمن
می گویند.
خلاف قانون کرده؟ حالا بصراف این
حرف که بنده از میدان در نمی روم - این
اولاً تا بنای همین کمیسیون محترم بودجه -
همین مخبر محترم همین آقای ناصر الاسلام.
همین شاهزاده سلیمان میرزا.
همین آقای تدین و بالاخره تمام اعضاء
کمیسیون بنده بودم آقای شیروانی هم
بودند لایحه وزارت نویسنده پیش نهاد
کرد نسبت به تخصیص جنگل در کمیسیون

مجلس توهین می کنید
(آقای آقا میرزا شهاب مازو ۱۸
نظامنامه را شرح ذیل فرمائید نمودند)
ماده هیجده می یک کمیسیونی موسوم
بکمیسیون بودجه مرکب از هیجده نفر در
اول هر دوره اجلاسیه سالیانه از شصت
معین می شود
مطلب ذیل راجع باین کمیسیون
است.
(۱) تمام مطالب راجعه ببودجه سال
بعد.
(۲) تمام لایحه یا طرح قانونی که
بر حسب تغییر دخل و خرج سال بعد است.
رئیس سزائی که در مجلس چهارم
وارد شد چیز تازه نبود در مجلس گفته
که باید مطابق نظامنامه عمل شود
دومرتبه در مجلس چهارم رأی داده
شده است و گفته شده است که باید مطابق
صریح نظامنامه عمل شود
حالا اگر می خواهید تردید کنید یک
روزی ممکن است در این مسئله حرف
زنید
ولی در ضمن مذاکره این رایزنی
شود این مطالب را گفت.
(آقای دامغانی)
(اجازه)
آقا سید یعقوب عرض من تمام نشده
مطلب دیگری هم دارم
رئیس - (خطاب با آقای دامغانی) آقا
تأمل بفرمائید ایشان مطالب خودشان را
بگویند.
آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب - آقای عماد السلطنه
بدون اینکه حق داشته باشند نسبت به قانونی
پس دادند مقام ریاست خودشان حفظ
می کنند شاه هیچ حق ندارد بمن بگویند
خلاف قانون می کنی آقای عماد السلطنه
شما بچه حق این حرف را می زنید برای
چیه؟
بنده و کپل هستیم با آقای رئیس
چرا حقوق مرا بفظنی کنید؟
شما اینجا نشستید باید بنظر عدالت
حرف بزنید نظامنامه جواب مرا می دهد
حقایق جواب بنده را می دهد و البته من
موافقم با این لایحه - (خنده نمایندگان)
چرا این حمله می کنید؟ بچه مناسبت بمن
می گویند.
خلاف قانون کرده؟ حالا بصراف این
حرف که بنده از میدان در نمی روم - این
اولاً تا بنای همین کمیسیون محترم بودجه -
همین مخبر محترم همین آقای ناصر الاسلام.
همین شاهزاده سلیمان میرزا.
همین آقای تدین و بالاخره تمام اعضاء
کمیسیون بنده بودم آقای شیروانی هم
بودند لایحه وزارت نویسنده پیش نهاد
کرد نسبت به تخصیص جنگل در کمیسیون

مجلس توهین می کنید
(آقای آقا میرزا شهاب مازو ۱۸
نظامنامه را شرح ذیل فرمائید نمودند)
ماده هیجده می یک کمیسیونی موسوم
بکمیسیون بودجه مرکب از هیجده نفر در
اول هر دوره اجلاسیه سالیانه از شصت
معین می شود
مطلب ذیل راجع باین کمیسیون
است.
(۱) تمام مطالب راجعه ببودجه سال
بعد.
(۲) تمام لایحه یا طرح قانونی که
بر حسب تغییر دخل و خرج سال بعد است.
رئیس سزائی که در مجلس چهارم
وارد شد چیز تازه نبود در مجلس گفته
که باید مطابق نظامنامه عمل شود
دومرتبه در مجلس چهارم رأی داده
شده است و گفته شده است که باید مطابق
صریح نظامنامه عمل شود
حالا اگر می خواهید تردید کنید یک
روزی ممکن است در این مسئله حرف
زنید
ولی در ضمن مذاکره این رایزنی
شود این مطالب را گفت.
(آقای دامغانی)
(اجازه)
آقا سید یعقوب عرض من تمام نشده
مطلب دیگری هم دارم
رئیس - (خطاب با آقای دامغانی) آقا
تأمل بفرمائید ایشان مطالب خودشان را
بگویند.
آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب - آقای عماد السلطنه
بدون اینکه حق داشته باشند نسبت به قانونی
پس دادند مقام ریاست خودشان حفظ
می کنند شاه هیچ حق ندارد بمن بگویند
خلاف قانون می کنی آقای عماد السلطنه
شما بچه حق این حرف را می زنید برای
چیه؟
بنده و کپل هستیم با آقای رئیس
چرا حقوق مرا بفظنی کنید؟
شما اینجا نشستید باید بنظر عدالت
حرف بزنید نظامنامه جواب مرا می دهد
حقایق جواب بنده را می دهد و البته من
موافقم با این لایحه - (خنده نمایندگان)
چرا این حمله می کنید؟ بچه مناسبت بمن
می گویند.
خلاف قانون کرده؟ حالا بصراف این
حرف که بنده از میدان در نمی روم - این
اولاً تا بنای همین کمیسیون محترم بودجه -
همین مخبر محترم همین آقای ناصر الاسلام.
همین شاهزاده سلیمان میرزا.
همین آقای تدین و بالاخره تمام اعضاء
کمیسیون بنده بودم آقای شیروانی هم
بودند لایحه وزارت نویسنده پیش نهاد
کرد نسبت به تخصیص جنگل در کمیسیون

مجلس توهین می کنید
(آقای آقا میرزا شهاب مازو ۱۸
نظامنامه را شرح ذیل فرمائید نمودند)
ماده هیجده می یک کمیسیونی موسوم
بکمیسیون بودجه مرکب از هیجده نفر در
اول هر دوره اجلاسیه سالیانه از شصت
معین می شود
مطلب ذیل راجع باین کمیسیون
است.
(۱) تمام مطالب راجعه ببودجه سال
بعد.
(۲) تمام لایحه یا طرح قانونی که
بر حسب تغییر دخل و خرج سال بعد است.
رئیس سزائی که در مجلس چهارم
وارد شد چیز تازه نبود در مجلس گفته
که باید مطابق نظامنامه عمل شود
دومرتبه در مجلس چهارم رأی داده
شده است و گفته شده است که باید مطابق
صریح نظامنامه عمل شود
حالا اگر می خواهید تردید کنید یک
روزی ممکن است در این مسئله حرف
زنید
ولی در ضمن مذاکره این رایزنی
شود این مطالب را گفت.
(آقای دامغانی)
(اجازه)
آقا سید یعقوب عرض من تمام نشده
مطلب دیگری هم دارم
رئیس - (خطاب با آقای دامغانی) آقا
تأمل بفرمائید ایشان مطالب خودشان را
بگویند.
آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب - آقای عماد السلطنه
بدون اینکه حق داشته باشند نسبت به قانونی
پس دادند مقام ریاست خودشان حفظ
می کنند شاه هیچ حق ندارد بمن بگویند
خلاف قانون می کنی آقای عماد السلطنه
شما بچه حق این حرف را می زنید برای
چیه؟
بنده و کپل هستیم با آقای رئیس
چرا حقوق مرا بفظنی کنید؟
شما اینجا نشستید باید بنظر عدالت
حرف بزنید نظامنامه جواب مرا می دهد
حقایق جواب بنده را می دهد و البته من
موافقم با این لایحه - (خنده نمایندگان)
چرا این حمله می کنید؟ بچه مناسبت بمن
می گویند.
خلاف قانون کرده؟ حالا بصراف این
حرف که بنده از میدان در نمی روم - این
اولاً تا بنای همین کمیسیون محترم بودجه -
همین مخبر محترم همین آقای ناصر الاسلام.
همین شاهزاده سلیمان میرزا.
همین آقای تدین و بالاخره تمام اعضاء
کمیسیون بنده بودم آقای شیروانی هم
بودند لایحه وزارت نویسنده پیش نهاد
کرد نسبت به تخصیص جنگل در کمیسیون

مجلس توهین می کنید
(آقای آقا میرزا شهاب مازو ۱۸
نظامنامه را شرح ذیل فرمائید نمودند)
ماده هیجده می یک کمیسیونی موسوم
بکمیسیون بودجه مرکب از هیجده نفر در
اول هر دوره اجلاسیه سالیانه از شصت
معین می شود
مطلب ذیل راجع باین کمیسیون
است.
(۱) تمام مطالب راجعه ببودجه سال
بعد.
(۲) تمام لایحه یا طرح قانونی که
بر حسب تغییر دخل و خرج سال بعد است.
رئیس سزائی که در مجلس چهارم
وارد شد چیز تازه نبود در مجلس گفته
که باید مطابق نظامنامه عمل شود
دومرتبه در مجلس چهارم رأی داده
شده است و گفته شده است که باید مطابق
صریح نظامنامه عمل شود
حالا اگر می خواهید تردید کنید یک
روزی ممکن است در این مسئله حرف
زنید
ولی در ضمن مذاکره این رایزنی
شود این مطالب را گفت.
(آقای دامغانی)
(اجازه)
آقا سید یعقوب عرض من تمام نشده
مطلب دیگری هم دارم
رئیس - (خطاب با آقای دامغانی) آقا
تأمل بفرمائید ایشان مطالب خودشان را
بگویند.
آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب - آقای عماد السلطنه
بدون اینکه حق داشته باشند نسبت به قانونی
پس دادند مقام ریاست خودشان حفظ
می کنند شاه هیچ حق ندارد بمن بگویند
خلاف قانون می کنی آقای عماد السلطنه
شما بچه حق این حرف را می زنید برای
چیه؟
بنده و کپل هستیم با آقای رئیس
چرا حقوق مرا بفظنی کنید؟
شما اینجا نشستید باید بنظر عدالت
حرف بزنید نظامنامه جواب مرا می دهد
حقایق جواب بنده را می دهد و البته من
موافقم با این لایحه - (خنده نمایندگان)
چرا این حمله می کنید؟ بچه مناسبت بمن
می گویند.
خلاف قانون کرده؟ حالا بصراف این
حرف که بنده از میدان در نمی روم - این
اولاً تا بنای همین کمیسیون محترم بودجه -
همین مخبر محترم همین آقای ناصر الاسلام.
همین شاهزاده سلیمان میرزا.
همین آقای تدین و بالاخره تمام اعضاء
کمیسیون بنده بودم آقای شیروانی هم
بودند لایحه وزارت نویسنده پیش نهاد
کرد نسبت به تخصیص جنگل در کمیسیون

مجلس توهین می کنید
(آقای آقا میرزا شهاب مازو ۱۸
نظامنامه را شرح ذیل فرمائید نمودند)
ماده هیجده می یک کمیسیونی موسوم
بکمیسیون بودجه مرکب از هیجده نفر در
اول هر دوره اجلاسیه سالیانه از شصت
معین می شود
مطلب ذیل راجع باین کمیسیون
است.
(۱) تمام مطالب راجعه ببودجه سال
بعد.
(۲) تمام لایحه یا طرح قانونی که
بر حسب تغییر دخل و خرج سال بعد است.
رئیس سزائی که در مجلس چهارم
وارد شد چیز تازه نبود در مجلس گفته
که باید مطابق نظامنامه عمل شود
دومرتبه در مجلس چهارم رأی داده
شده است و گفته شده است که باید مطابق
صریح نظامنامه عمل شود
حالا اگر می خواهید تردید کنید یک
روزی ممکن است در این مسئله حرف
زنید
ولی در ضمن مذاکره این رایزنی
شود این مطالب را گفت.
(آقای دامغانی)
(اجازه)
آقا سید یعقوب عرض من تمام نشده
مطلب دیگری هم دارم
رئیس - (خطاب با آقای دامغانی) آقا
تأمل بفرمائید ایشان مطالب خودشان را
بگویند.
آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب - آقای عماد السلطنه
بدون اینکه حق داشته باشند نسبت به قانونی
پس دادند مقام ریاست خودشان حفظ
می کنند شاه هیچ حق ندارد بمن بگویند
خلاف قانون می کنی آقای عماد السلطنه
شما بچه حق این حرف را می زنید برای
چیه؟
بنده و کپل هستیم با آقای رئیس
چرا حقوق مرا بفظنی کنید؟
شما اینجا نشستید باید بنظر عدالت
حرف بزنید نظامنامه جواب مرا می دهد
حقایق جواب بنده را می دهد و البته من
موافقم با این لایحه - (خنده نمایندگان)
چرا این حمله می کنید؟ بچه مناسبت بمن
می گویند.
خلاف قانون کرده؟ حالا بصراف این
حرف که بنده از میدان در نمی روم - این
اولاً تا بنای همین کمیسیون محترم بودجه -
همین مخبر محترم همین آقای ناصر الاسلام.
همین شاهزاده سلیمان میرزا.
همین آقای تدین و بالاخره تمام اعضاء
کمیسیون بنده بودم آقای شیروانی هم
بودند لایحه وزارت نویسنده پیش نهاد
کرد نسبت به تخصیص جنگل در کمیسیون

فوائد عامه قبول شد بعد در کمیسیون بودجه رد گردید بعنوان این لفظ (آبسیون) که نمی دانم چه چیز است گوی می تواند کمیسیون بودجه بدون تعیین اسم رای بدهد

بنده عرض می کنم مطابق این سابقه ممکن است رئیس کل ماله اینها را بنویسد و مطابق همان ترتیبی که در کمیسیون بودجه عمل گردید اسم او معین باشد چنانچه لایحه کمیسیون فواید عامه آمد و قبول نشد.

بنده عرض می کنم باین لایحه دولت موافق اما این لایحه باید برود بکمیسیون خارجه در آنجا هیئت رئیسه معین شود اسمی را هم رئیس کل ماله معین کند و فردا هم جلسه فوق العاده تشکیل شود و خانه پیدا کند این دعوا ندارد.

رئیس- آقای عماد السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه - اولاً بنده همیشه بر- عکس آقای آقا سید یعقوب هم خودم را صرف می کنم که احترام اشخاص را نگاه دارم و هیچکس هم اجازه نمی دهم که بی احترامی بن بکند برای اینکه من احترام هر کس را بقدر مقهور خود حفظ می کنم

ولی آقای آقا سید یعقوب بیکتوری از حدود خودشان تجاوز می کنند گاهی با اسم کمیسیون دوازده نفری حمله می کنند داخلی اجازه داده است مطالبی که مربوط رسیده کی کنند این گناهی است برای کمیسیون بودجه ؟

با کمان می کشید اعضا سابق خیلی شایق و مایل بوده اند که باین خدمت خود ادامه دهند خیر از خدمت و صدمه و مورد حمله مثل شما واقع شدن چیز دیگری دارد ؟

آقا سید یعقوب مثل شما عماد السلطنه و اما اینکه گفتیم اظهارات شما قانونی نیست باز هم می گویم و تکرار می کنم تو بهیچ وجه نیست اما راجع بسیار مسائل قسمت های دیگر نظامنامه جواب شایا می دهد و چون استخدام مستشاران امریکائی در جمع و خرج سال جاری تفاوت می کند از وظیفه کمیسیون سابق است این اعتراض آخری هم که کردید اگر ماده دوازده نظامنامه را خوانده بودید این اعتراض را نمی کردید ماده دوازده را بخوانید تا بعد آنقدر این حرفهای بی مغزویی مایه ران فرمائید

آقا سید یعقوب فرمایشات شما بی مغز است

رئیس- آقای دامغانی (اجازه)

شریعتدار دامغانی - اعتراضات آقای آقا سید یعقوب بیکتومت راجع به نظامنامه بود که البته بعد از اینکه خوانده

شده قانع شدند ولی اساساً بنده دراصل قضیه معتقدم که وجود این آقایان امریکائی در این مملکت باعث یک اصلاحاتی است برای ماله ایران چنانچه از مقایسه مالا با پنج شش سال قبل می شود که چه تفاوتی وجود اینها برای مملکت داشته است وجه اصلاحاتی شده و اگر درست بسابق مطالعه کنیم می بینیم که چقدر حیف و میل هائی که سابقاً در ماله ایران می شده است

پس از اینکه این آقایان آمده اند و زمام امور ماله را در دست گرفته اند از آن حیف و میل ها جلوگیری شده همچنین اصلاحاتی که در تشکیلات ماله کرده اند

بالاخره می شود گفت که فوه مجریه قانون استخدام همین آقایان امریکائی هستند و اگر اینها نبودند شاید قانون استخدام بموقع اجراء گذاشته نمی شد

در این قسمت تصور می کنم مسلم باشد که این آقایان امریکائی تا بیکتومتی باید بررأس ماله ایران باشند برای اینکه ماله ایران کاملاً اصلاح شود و چرخش راه بیفتد و بعد از آن خود ایرانی ها بتوانند اداره کنند و باین مسئله مسلم است که پس از آنکه اینها کثرتشان تمام شد و رفتند عده که باقی خواهند بود کافی نیست

برای اداره کردن ماله کل مملکت برای اینکه رئیس کل ماله و دو سه نفر دیگر که در مرکز هستند نمی توانند کاملاً از عهده انجام امورات ماله و ولایات و ایالات برآیند البته بکس دیگری هم لازم هستند که با این آقایان معاونت کنند

برای اینکه ماله سایر ولایات را هم مثل مرکز اداره کنند و بنده تصور می کنم که اگر آقایان وقت کنند و ببینند که وضعیت ماله این مملکت نسبت به پنج سال قبل چه اندازه اصلاحات شده تصدیق خواهند کرد که اینها با عهده سه چهار نفر نمی توانند اداره کنند و محتاج با استخدام یک اشخاص دیگری هم خواهیم بود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است (بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس- رأی می گیریم برای دخول در شور مواد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد - ماده اول (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده اول- مجلس شورای ملی وزارت ماله اجازه می دهد که بر طبق پیشنهاد رئیس کل ماله ایران از اتباع ممالک متحده امریکائی اشخاصی که دارای معلومات مقتضی باشند برای مدت هائی که از سه الی پنج سال

امتداد داشته باشد بجهت خدمت در ادارات ماله بسمت معاونت رئیس کل ماله بموجب کثرتتات بشرح ذیل استخدام نمایند و ابتدای آن سه هفته قبل از ورود بایران باشد

۱- برای ریاست اداره کل محاسبات بجای مستر گور یک نفر با حقوق ده هزار دلار

۲- برای معاونت مخصوص رئیس کل ماله یک نفر با حقوق هشت هزار دلار

۳- برای خدمات دیگر هشت نفر هر یک حقوق هفت هزار و پانصد دلار

۴- برای خدمت تندنویسی (ماشینت) بجای فلان کن یک نفر با حقوق سه هزار دلار

رئیس- آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - در این جا نوشته شده است بسمت معاونت رئیس کل ماله و سه نفر دیگر هم عرض خواهم کرد

نظری بنده این است که تمام این ها لاف در آن قانونی که از مجلس گذشت نسبت باختیارات عرض می کنم که بیک تجدید نظری بشود و حالا این جا تجدید نظر را هم عرض خواهم کرد که اینها مشمول خود وزارت ماله باشند نه اینکه بجهان عبارت (در هدایت قانونی وزارت ماله) قناعت شود و این کلمه بآن معنی طویل و دور دراز تعمیم شود که بالاخره استقلال از برای وزیر در امورات نداشته باشد و تا اینجا می گوید

برای خدمات دیگر هشت نفر با حقوق هفت هزار و پانصد دلار

بنده می خواهم عرض کنم در ماده چهارم معین کرده است خدمت تندنویسی و در این جا بنده تحقیق کردم که در ماله کسانی که با ما مشورت می نویسند هستند خیلی هم دارند

حالا این باید یک تحقیق دیگری داشته باشد نمی دانم اما این خدماتی که معین نیست بنده می خواهم از آقای وزیر ماله سؤال کنم که برای این خدمات دیگر ممکن هست در این جا اگر چه بنده می نویسد برای روانه کردن در ایالات و ولایات بنده عرض می کنم با ما ویرنی که در ایالات و ولایات داریم محل اطمینان ما هستند و خیلی هم با آنها توجه داریم و کسانی نیستند که در واقع بخواهیم برای آنها رئیس قرار بدهیم

این هیئت محترم امریکائی ها برای اداره کردن مرکز و دخل و خرج مرکز است و در ولایات فایده ندارد اگر ممکن است آقای وزیر ماله بفرمایند که خدمات دیگر چه چیز است

اگر برای ولایات است که بنده مخالف هستم بملت اینها که ما در وزارت

مالیه اشخاص لایق برای ریاست ماله ایالات و ولایات داریم و اگر هم برای کار های دیگر است که توضیح بدهم بدانیم برای چیست ؟

وزیر ماله - نسبت بفرمایش اولتان که فرمودید این اشخاص باید مستقیماً مشمول وزیر ماله باشند نه مشمول رئیس کل ماله

اولاً خاطر نشان را متذکر می کنم که این حق بموجب کثرتتاتی که در مجلس تصویب شده است بدکتر میلسیو داده شده است

بعضی از نمایندگان - مائمی شتوریم وزیر ماله - عرض می کنم این حق مشمولیتی که اعضاء ماله نسبت با فوق خود دارند در کثرتتات دکتر میلسیو داده شده است

بموجب قانون مصوبه مجلس شورای ملی و بلاواسطه اصولاً هم این مطلب صحیح است زیرا اگر رؤسای سایر ادارات مشمولیت نسبت بر رئیس کل ماله نداشته باشند رئیس ماله چه میتواند بکند؟

و با چه اختیاری می تواند امر ونهی کند؟ و اما این که میفرمایند این اشخاص را برای چه استخدام می کنیم همانطور که خودشان فرمودند در اینجا مجاز کرده است

راست است که ما اشخاصی در ایالات داریم که محل اطمینان هستند ولی این دلیل نمی شود

بر این که دولت و وزارت ماله احساس حاجت نکند که یک مستخدمین امریکائی داشته باشیم که در صورت لزوم بتوانیم آنها را برای ریاست ماله ایالات و ولایات مأمور کنیم این احساس را کرده ایم و باین جهت است که پیش نهاد می کنیم و این عده را که ملاحظه می فرمائید هائی که تازه نیستند حالا در ایالات و ولایات مأمورین امریکائی داریم و بعضی از اینها هم وقتی که کثرتتاتشان مقتضی شد میروند البته باید بجای آنها یک اشخاصی را معین کنیم و فقط سه نفر هستند که بر این عده موجوده امروز اضافه می کنیم

رئیس- آقای تدین (اجازه)

تدین موافق - رئیس- آقای سهام السلطان

سهام السلطان - موافقم

رئیس- آقای دست غیب - دست غیب - موافقم

رئیس- آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده نسبت بقسمت چهارم این ماده مخالفم برای این که در این جا می نویسد

برای ماشین یک نفر با سه هزار دلار در صورتی که بنده معتقدم که برای تحریر

امورات با ماشین عده زیادی که کثرتتات می کنند برای انجام این کار و بالاخره باین حقوق ممکن است ده نفر را معین کرد

بنده می شنوم که گفته می شود برای نوشتن باطلات و رمز است

این مسئله اولاً در این قانون نیست و چندان ضرورتی هم ندارد که یک نفر باینها در این کار مکرر باشد بخواهیم یک کلاس درین باب ترتیب بدهیم

وزیر ماله - همانطور که خود آقای شریعت زاده فرمودند این ماشین است در این جا آن ماشین هائی که ما در اینجا داریم مقصود استتگراف است یعنی اشخاصی که می توانند تند نویسی کنند بزبان انگلیسی و فرانسه و اشخاصی هستند که همانطور که گویند می گویند می نویسند بدون معطلی و این نوع ماشینت در میان ایرانی ها نیست

وقتی که این لایحه پیش نهاد می شد خودمان در نظر داشتیم که اگر بتوانیم از این شخص صرف نظر کنیم و خود رئیس ماله هم تصوری کرد که اگر عده اینها بیشتر باشد بهتر است وقتی که یک نفر باشد فقط تنها خود رئیس کل ماله می تواند از او استفاده کند

در صورتی که رؤسای مهم وزارت ماله همه محتاج هستند و این طور که متذکر شد و رئیس کل ماله توضیح دادند حقیقتاً وجود یک نفر تند نویس نصف کار را از او کم می کند و خیلی اسباب سرعت جریان کار است

ولی ممدک با ائمه این که این شخص باید این جا و در ظرف چند ماه شاید بتوانیم اشخاصی از ایرانی ها را زیر دست او تربیت کنیم و با حقوق کمتر از آنها استفاده بکنیم همین که فقر قناعت کردیم و امیدواریم که بتوانیم زیر دست او اشخاص دیگری هم تربیت بکنیم و اساساً این مسئله تند نویسی یک فنی است که خیلی مفید است و بکار می خورد و از وجود ایرانی هائی هم که بعد تربیت می شوند شاید بتوانیم یک تغییر می هم در وضع تند نویسی خط ایرانی بدهیم و دولت هم بعد از این که ضرورت این مسئله را احساس کرد این پیشنهاد را کرد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیش نهاد ها قرائت می شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در ماده اول قسمت چهارم عبارت تندنویسی ماشینت نوشته شود

ماشینت نویس (استینو گرافیت)

رئیس- پیش نهاد آقای شیروانی هم همین بود (خطاب به آقای قائم مقام)

پیش نهاد می کنم بجای استینو گراف

بفرمائید قائم مقام - در این جا دو لفظ نوشته شده است که با هم دیگر قدری متناقض است اگر مقصود از این مستخدم کسی است که با ماشین می نویسد باید نوشت و اکتیلو گراف

اگر مقصود کسی است که تند نویسی می کند او را باید نوشت استتگراف و ماشینت کسی را می گویند که ماشین را اداره می کنند و این جا مناسبت ندارد

وزیر ماله - بنده اشکالی نمی بینم که اگر آقایان اشکالی دارند رفع شود زیرا مقصود استتگراف است

رئیس- آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده حالا قطع نظر از این که کلمه ماشینت مقصود را می فهماند یا نه

ولی برای این که فارسی بشود خوب است این طور نوشته شود (تند نویسی بوسیله ماشین) و آن مقصود را هم تأمین می کند ولی اگر مقصود این است که با دست نوشته بشود آن چیز دیگری است

وزیر ماله - مقصود استتگراف است یعنی کسی که با دست تند نویسی می کند با ماشین تند نویسی نمی کند ولی هر تند نویسی با ماشین هم چیزی می نویسند

این جا البته در لفظ مسامحه شده بواسطه این که ما اصطلاحات خاصی نداشتیم مقصود استینو گراف است یعنی همان کسی که تند می نویسد با آن طرزى که در فنک معمول است

حالا اگر آقایان می خواهند تند نویسی بنویسند ما هم موافقم

رئیس - رأی می گیریم پیش نهاد آقای قائم مقام کسانی که موافقت قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس تصویب شد

آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - ماشینت تصور می کنم آن مقصود را نرساند و تند نویسی در زبان ما مقصود را می رساند لهذا بنده پیش نهاد کردم که تند نویسی نوشته شود در پرانتز هم لفظ استینو گراف اضافه شود اگر دولت قبول کند

وزیر ماله - عرض می کنم ما قبول می کنیم در شور دوم اصلاح می شود

بعضی از نمایندگان - یک شور بیشتر ندارد

رئیس پیشنهاد دیگر (پیش نهاد آقای میرزا آقاخان عصر انقلاب

بشرح ذیل قرائت شد)

پیش نهاد می کنم بجای استینو گراف

تند نویسی نوشته شود پیش نهاد آقای ارباب کیخسرو بنده پیش نهاد می کنم کلمه ماشینت حذف شود و حفظ همان عبارت تند نویسی کفایت است

رئیس - پیشنهاد زیادی رسیده است باید ازهم تفکیک شوند اگر تصویب می فرمائید بماند برای جلسه آتی

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس- آقای نظام التولیه (اجازه)

نظام التولیه - نظر باینکه بنده یک نفر از معتقدین الفاء الفاء الفاء بودم برای استحضار خاطر آقایان خود را معرفی می کنم؛ اسم فامیلی بنده میرزائی واسم شخص بنده هم عبدالملکی است

رئیس- آقای روحی (اجازه)

روحی - بنده نسبت بکمیسیون بودجه خواستم عرض کنم در جلسه آتی تکلیفش معلوم شود و این یک کار کوچکی نیست شاید بعضی از این پیشنهاد ها هم بآن کمیسیون برود تکلیف آن کمیسیون چه می شود؟ آیا اختیار خواهد داشت رسیدگی کند یا خیر؟ لهذا بنده پیشنهاد کردم که برای جلسه آتی تکلیفش معلوم شود

رئیس- این یک چیزی است که مطابق نظامنامه است اگر می خواهید تغییر بدهید پیش نهاد کنید

میرود بکمیسیون مبتکرات هر روز نمی شود هر چیزی را تردید کرد و جز دستور قرارداد آقای انشار

رئیس- اصلاح چه شود آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا میرزا رضا خان افشار - بنده می خواستم پیشنهاد کنم لایحه خرید دو دستگاه لکوموتیو برای خط آهن آذربایجان در درجه دوم جزو دستور شود

رئیس- جلسه آتی روز پنجشنبه چهار قبل از ظهر دستور هم خبر کمیسیون راجع بامریکائی ها (خطاب به آقای افشار) نسبت بآن مطلبی که فرمودید مراجعه شده است بکمیسیون فوائد عامه باید کمیسیون جدید تشکیل شود و یک نظری در این باب بکنند و راپورت بدهد

مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد

رئیس مجلس شورای ملی حسین بیرنیل

منشی - م شهاب

منشی - دکتر احتشام طباطبائی

جاسه صد و شصت و یکم صورت مشروح مجلس

یوم پنج شنبه هفدهم اردیبهشت ۱۳۰۴ مطابق سیزدهم شوال ۱۳۴۳

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای آقا میرزا حسین خان پیرنیا تشکیل

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای آقا میرزا حسین خان پیرنیا تشکیل

گردد (صورت مجلس یوم سه شنبه هفدهم اردیبهشت را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس- آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - بنده در دستور عرض دارم

رئیس- آقای آقا میرزا پدانش خان (اجازه)

میرزا پدانش خان - قبل از دستور عرض دارم

رئیس- آقای دکتر حسین خان بهرامی (اجازه)

دکتر حسین خان - عرضی ندارم

رئیس- آقای هراتی (اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

رئیس- آقای تدین (اجازه)

تدین - در باب پیشنهاد آقای تقی زاده راجع بلایحه الفاء الفاء بنده مخالف بودم و آقای وزیر ماله هم اظهار مخالفت کردند در صورت جلسه اسمی برده نشده فقط نوشته شده است از طرف آقای تقی زاده پیش نهادی شد و ورد شد

بنده بقیه بنده باید قید شود

رئیس- اصلاح چه شود آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - راجع راپورت کمیسیون خارجه در جلسه قبل بنده عرضی کردم آنرا در صورت مجلس نوشته اند خوب است نوشته شود

رئیس - چون صحت نداشت نوشته نشد

اگر می بایستی آن طور که گفتید بنویسند آن وقت تکلیبی هم که شده بود بایستی نوشته شود

صورت مجلس دیگر ایرادی ندارد؟

(اظهاری نشد)

رئیس- شاهزاده محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - چندی است راپورتی از کمیسیون بودجه تقدیم مجلس شده چون این یک راپورتی است که متناقض آنرا متوجه دولت است و راجع به خبری و عدد لو کوموتیو است

مدتی است این راپورت مانده است بنده تقاضا می کنم پس از مطرح شدن لایحه استخدام مستخدمین امریکائی در درجه دوم این

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای آقا میرزا حسین خان پیرنیا تشکیل

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای آقا میرزا حسین خان پیرنیا تشکیل

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای آقا میرزا حسین خان پیرنیا تشکیل

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای آقا میرزا حسین خان پیرنیا تشکیل

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای آقا میرزا حسین خان پیرنیا تشکیل

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای آقا میرزا حسین خان پیرنیا تشکیل

لايه مطرح شود
رئيس - مراجعه شده بود بكمسيون بودجه و كمسيون ديگري كه موقمش متقضى شده است و بايد كمسيون جديد در آن نظر كند اگر تصويب كرد عين آنرا اولاد ايرت ديگري پيشنهاد كند.
آقاى ميرزايدالله خان (اجازه)
آقا ميرزايدالله خان - خد خوبى مى دانم كه عموم آقاىيان نسايدگان جهت كمالى داشتند كه در دوره پنجم خدمتى به اين مملكت و ملت كرده باشند.
ولى متأسفانه دوره حاضر نزديك است تمام شود و مقصودشان بانجام نرسد - بنده در قسمت خود خيلى متأسفم
چنانچه چندين طرح از طرف آقاىيان نسايدگان ب مقام معترم مجلس تقديم شده است كه تماماً عام المنفعه بوده است از جمله پيشنهاد آقاى داود -
پيشنهاد آقاى دولت آبادى و پيشنهاد آقاى الموتى و سردار مقيم كه واقعاً امروز اهالى قزوين ازى آبى نزيديك است كوج كند.
هيمنطور پيشنهاد آقاى دامغانى و سايرين و ابداً معلوم نشده است كه اين پيشنهادها چه شده است و علت تاخير آنها چه بوده است و علاوه بر اين پيشنهادها يك پيشنهادم بنده در يك سال قبل تقديم كردم نى دانم در كدام چاله افتاده در حومه طهران در هر سال قريب چهار هزار نفر در اثر مالاريا تلف مى شوند و گمان نى كنى با اين پيش نهاد بنده نوع بشر مخالف به بيند و تصديق كند كه سالى سه چهار هزار نفر از اين مرض تلف مى شوند.
بنده حالاً راجع بآن قضايائى مى خواهم عرض بكنم ولى بعضى از پيشنهادها به مجلس مى آيد و برقى از مجلس مى گذرد و تصويب مى شود.
بنده خواستم از مقام رياست تقاضا كنم كه مقرر فرمائيد كمسيون فوائد هاه در پيشنهاد بنده يك دقت كاملى نمود و در رايورت بدهند و هيمنطور خواستم بمسوم نسايدگان محترم تذكر بدهم كه هر دوره پنجم بآخر رسيده و جيزى باقى نمانده است و در اين خصوص دقتى فرمائيد
رئيس - آقاى عراقى (اجازه)
حاج آقا اسماعيل عراقى در موقعى كه بودجه ۱۳۰۳ به مجلس آمده بود از آقاىيان نسايدگان ولايات يك پيشنهادى تقديم كردند كه يك وجهى اختصاص داده شود بضميمه ولايات و در آن موقع هم بنده يادم هست كه با يك نفر از اعضاء دولت صحبت مى كردم ايشان ميگفتند اسماى شايد يك قدرى اشكال داشته باشولى در بودجه سه آيه ممكن است براى صميمه

ولايات يك معلى معين كرد كه تا اندازه صميمه ولايات هم منظم شود.
اين است كه خواستم تذكر بدهم كمسيون معترم بودجه در موقعى كه بودجه رامى آورند اگر چنين پيش بينى شده است كه خوب واگر پيش بينى نشده است راجع بصميمه ولايات يك دقتى فرمائيد كه آنها هم كه ماليات مى دهند لااقل يك قدرى از عييت صميمه و سلامتى خودشان استفاده كنند.
رئيس - آقاى تدوين (اجازه)
تدوين - عرضى ندارم دستور
رئيس - آقاى آقا سيد يعقوب (اجازه)
آقا سيد يعقوب - بنده هم عرضى ندارم.
رئيس - آقاى سهراب زاده (اجازه)
سهراب زاده - عرضى ندارم
رئيس - دستور امروز اولاد ايرت شعبة اول است راجع بنمايد گنى آقاى شوشترى بعد خبر كمسيون بودجه راجع به مستخدمين امريكائى و در ضمن هم انتخاب كسرى اعضاء كمسيونها انتخابى كه نسبت بكمسيونها هم مى شود در مسموم است مگر نسبت بكمسيون معارف كه دفعه دوم خواهد بود.
كسرى كمسيونها هم از قرارى است كه عرض مى كنم كمسيون قوانين ماليه پنج نفر خارجه دو نفر داخله سه نفر - قوانين عامه دو نفر - عدليه هفت نفر -
معارف هم يك نفر آقاىيان نظر تشريف ببرند بيرون آقاىيان هم وقتى مى خواهند راي بدهند دو نفر تشريف ببرند بيرون شاهزاده معده هاشم ميرزا پيشنهاد كرده اند اعتبارنامه آقاى شوشترى از دستور امروز خارج شود.
آقاى معده هاشم ميرزا (اجازه)
محمد هاشم ميرزا - حالا در خارج با آقاى دولت آبادى مذاكره كردم ايشان نظريائى داشتند كه بايد در دوسه كاملاً دقت فرمائيد و چون هنوز كاملاً مطالعه فرموده اند اين است كه بنده تقاضا كردم اعتبارنامه ايشان از دستور خارج شود - حالا بسته است به راي آقاىيان.
رئيس - آقاىيان كه اين تقاضا تصويب مى كنند قيام فرمائيد (اغلب قيام نمودند)
رئيس - تصويب شده - غير كمسيون بودجه راجع به مستخدمين امريكائى در ماده اولش مذاكرات كافي شد حالا بايد پيشنهادها قرائت شود و راي بگيريم - پيش نهاد آقاى شيروانى (باينطور خوانده شد)

بنده پيشنهاد ميكنم در ماده اول بعد جمله (معلومات مقتضى) اضافه شود و تخصص فنى
رئيس - آقاى شيروانى (اجازه)
شيروانى - گمان ميكنم توضيح مفصلى لازم نداشته باشد براى اينكه استخدام مستخدمين خارجه لازم اش همان تخصص فنى است و اگر غير از اين باشد ما خردمان هم شاغش زيادى داريم مستخدمين خارجه لازم شان داشتن تخصص فنى است و گمان ميكنم آقاى مغير هم قبول ميكنند.
رئيس - راي مى گيريم بقبال توجه بودن اين پيشنهاد آقاىيان كه قابل توجه مى دانند قيام فرمائيد (اغلب برخاستند)
رئيس - قابل توجه شده - پيشنهاد آقاى شيخ جلال (باينطور خوانده شد)
بعد از كليه هشت هزار دلار بر قسمت دوم رايورت كمسيون اضافه شود مشروط بر اينكه رئيس اداره و معاون از مدارس عاليه دولت امريكايى براى تربيت مأمورين ماليه تاسيس شده تصديق درجه اول را داشته لااقل ده سال در ادارات ماليه امريكا مستخدم بوده و بر تبه مديرى نائل شده باشد.
رئيس - آقاى آقا شيخ جلال (اجازه)
آقا شيخ جلال - بنده اين پيشنهادى كه كردم تصور ميكنم نظائرش در قوانين ادوار گذشته راجع به مستخدمين خارجه بود.
اگر مجلس اجازه بدهد كه بنده مقصود خود را كاملاً بيان كنم كه آقاىيان درست ملتقت شوند گمان ميكنم هيچ اشكالى نداشته باشد.
(مگر اينكه اشكال ديگري داشته باشد)
انسان دوستى ملت امريكا و قدر دانى ملت ايران موجب شد در موقعيكه زمام امور به دست ملت ايران افتاد براى اصلاح امور اقتصادى دست خود را به سمت ملت امريكادراز كند.
با اينكه روابط زياد مالي و تجارتنى با ما نداشته اند از آن طرف دنيا قبول كردند كه باختيار نسايدگان ايران يك هيأتى براى اصلاح ماليه ايران بايران بفرستد.
در سنه ۱۳۲۸ يك هيئتى را نسايدگان دولت ايران ب رياست مستر شوستر براى ايران استخدام نمود و تقريباً دو بهترين اوقات ايران در آن موقعيكه ملت ايران قيام آزاديخواهى كرد و دوره استبداد را بر طرف نمود و زمام امور را در دست گرفت آن هيئت بايران آمدند و با آن ذوق و شوقيكه ملت ايران براى ورود آنها داشت

بالاخره آن ترتيبى كه حقيقتاً اسباب تأسف است فراهم شد و موفق باصلاح امور نشدند در انقضاه جنگ عمومى دنيا در موقعى كه افق سياست دنيا براى ملل روشن شد كه هر كس ميتوانست از براى اصلاح امور مالي و سعادت اقتصادى خود قدمى بردارد بجاي هراقدامى دولت ايران فقط فنايت كرد ب اينكه يك هيأتى از امريكا بياورد و با آن اشكالاتيكه شايد آقاىيان در نظر داشته باشند اين هيئت را بايران آورد و تقريباً چهار سال ماليه مملكت و بلكه تمام امورات مالي و اقتصادى در تحت اختيار هيأت امزامى امريكا بود.
درجه موقعى ؟
در موقعيكه دولت ايران يقيناً قدرتش از ادوار گذشته زيادتر بود مخصوصاً در سه سال آخر كه دولت ايران نفوذ كاملى را دارا بود و مخصوصاً مساعدهاتى كه از طرف نظامى ها براى بيشرفت امور ماليه با مأمورين امريكائى ميگردند نظاير شرايط خيلى كم است و تقريباً در مدت چهار سال تمام قواى مادي و معنوى دولت ايران صرف تقويت و تشويق هيأت اعزامى شد كه آنها بتوانند اصلاحات مؤثرى در ماليه ايران بكنند و ما را از فقر و بختى نجات دهند.
واين چهار سال از متأسف ترين اوقات يك سال زمانى بود كه اقتدارات كامله در دست آزاديخواهان و فاتحين انقلاب بود.
سه سال ديگر بود كه اصول ملوك الطوائفى را خانه داده و نفوذ مركزى را در تمام اطراف مملكت بسط و توسعه داده.
با اينحال آيا بايد تصديق كرد كه ما موفق به نيل انتصارات خودمان شديم يانه ؟
آيا هيأت اعزامى توانستند بوجهه هاى خود دهان وفا كنند و آن نظريائى كه واقعاً از روى انسان دوستى داشتند انجام گرفت يا خير ؟
چون جواب اين اظهارات قطعاً منفى است بنده ميخواهم عرض كنم ملت تمام بدبختى ما اين بود كه در آن موقع دولت ايران فقط در شخص رئيس هيئت اعزامى يك دقت كاملى كرد كه تخصص كاملى داشته باشد و نسبت به ساير اجزاء و اعضاء يك اطلاعات كاملى را شرط قرار نداد.
باين جهت بنده پيشنهاد كردم كه در رئيس و معاون رئيس كل ماليه شرط شود كه لااقل از مدارس عالي امريكا اعم از اينكه مخصوص ماليه باشد يا نسايدگان داراى تصديق نامه درجه اول باشند.
چرا ؟
براى اين كه اگر كسى حقيقتاً صاحب اين درجه است از معلومات

باشد معتقد خواهد شد كه مسئله احكام و تدبير ربطى بتمهيدات مالي ندارد.
بنده يك كافى ديدم كه رئيس ماليه نوشته است بوزارت عدليه كه وزارت ماليه احكام محاكم عدليه را بر مستخدمين شناسد زيرا كه موافق كثرات بايد تمهيدات مالي با اجازه من باشد.
در صورتى كه كسيكه موفق به تحصيل اطلاعات و اصول قوانين دنيا شده است تصديق خواهد كرد كه مسئله تمهيد مالي مربوط به احكام محاكم عدليه نيست و همه آقاىيان نسايدگان تصديق مى فرمائيد كه مجرد اينكه رئيس متخصص باشد كافي نيست چرا ؟ براى اينكه اين مراسم در يك موقعى نوشته شده كه متخصص ترين اشخاص حقوقى كه آقاى ذكاه المللك باشد در رأس ماليه بوده اند.
واقماً اگر براى يك هيئتى متخصص رئيس تنها كافي بود اين كافتد نوشته نوبى شد.
لفظ تخصص هم يك امر اضافى است و معلوم نيست كه مقدار تخصص چه اندازه است بنده حالا اندازه راى تخصص قائل شده و پيشنهاد كردم كه از مدارس عالي امريكائى اعم از اينكه آن مدرسه مخصوص امور مالي باشد يا نباشد داراى تصديق درجه اول باشند براى اينكه اطلاعات حقوقى و قانونى را داشته باشند كه اين قبيل كافتد ها نوشته نشود و اضافه كردم علاوه بر اينكه صاحب تصديق نامه باشد ده سال هم در ادارات ماليه مستخدم باشد.
بندهيى است كه ما اين آقاىيان را دعوت كرده ايم و آقاىيان هم تشريف آورده اند براى اينكه يك اساسى و نقشه طرح كنند و كمك نمايند به ماليه و يك لوايح قانونى به مجلس تقديم نمايند و در مدت اين چهار سال هنوز دولت ما موفق نشده است كه در اثر مشاوره با آقاىيان يك قانون تشكيلاتى ب مجلس پيشنهاد كند و در اين مدت سه سال هنوز نتوانسته ايم تصديق بدهيم كه آيا اين قانون تشكيلاتى كه از مجلس گذشته اشكالات دارد يانه ؟ يا امروزه مبنائى تشكيل وزارت ماليه بر چه چيز است.
اينست كه بنده پيشنهاد كرده ام علاوه بر دارا بودن تصديق نامه درجه اول از مدارس عالي امريكا ده سال در ادارات ماليه امريكا مستخدم باشد علاوه بر آن مستخدمين هم داشته باشد كه حقيقتاً بتوانند معاون و دكتور ميسيو شود و در رأس هيئت اعزامى انجام وظيفه كند.
وزير ماليه - اشاره كه آقاى آقا شيخ جلال با مر عدليه فرمودند اينجا بنده نى توانم تفصيلاً وارد شوم كه چه نقشه واز چه بابت بوده است.
ولى هيمن قدر عرض ميكنم بواسطه مشكلاتى بوده است كه در امر عدليه بوده

است.
در عدليه مهاكمه بين اشخاص و دولت در بيش است كه محظورات زياد دارد و تا بچال مطالعات زيادى كرده ام كه چه قسم اين مشكلات را حل كنم و شايد هم هتريب راه حلى پيدا و بيجاس پيشنهاد شود.
اينست كه اجمالاً عرض ميكنم بنده يابكى از اعضاء هيئت اعزامى يابكى از اعضاء ماليه يا غير نسايدگان احكام عدليه چه حالى دارد و تكليف مردم چيست؟
اينكه مى فرمائيد قانونى براى تشكيلات ماليه پيشنهاد نشده است اولاً يادآورى ميكنم و خواهش ميكنم از آقاى آقا شيخ جلال كه براى مبالغه يك حدى قرار بدهند.
اولاً آقاىيان امريكائى ها تا امروز دو سال ونيم بيشتر نيست كه بايران آمده اند و در خدمت دولت هستند و چهار سال نيست.
تانياً تصديق مي فرمائيد كه قانون تشكيلات ماليه وقتى كه قانون شد يعنى از مجلس گذشت لايتغير است منتهى اگر بعد در ضمن عمل يك تواقف پيدا كرد و كار مشكل شد دوباره بايد يك لايحه از طرف دولت ب مجلس تقديم شود و اصلاح و القاء آن واقفاً كند.
چنانچه يك قانون تشكيلاتى چند سال قبل از مجلس تصويب شد و بعد يك وزير ماليه مجبور شد كه آن قانون را بياورد ب مجلس و القاء آن واقفاً كند.
هيمن سبب شد كه تا كتون قانون تشكيلاتى نداريم.
آقاىيان امريكائى ها هم كه به ايران آمدند در ظرف اين دو سال ونيم بجاي اينكه قانون تشكيلاتى بنويسند اين ترتيب را ترجيح دادند كه تشكيلات ماليه بحال سابق باقى باشد تا در ضمن تجربه معايب و نواقصى را بفهمند و در نظر بگيرند بعد كه فهميدند و معلوم شد چه قسم تشكيلاتى براى اين مملكت مناسب است آن وقت آنرا قانون كرده و به مجلس شورائى پيشنهاد كنند تا ديگر هر روز محتاج نشويم دخل و تصرف در آن بنمايم.
وضئناً تصديق مى فرمائيد شخص هر قدر كه متخصص باشد بخصوص يك نفر امريكائى در بدو امر كه باين مملكت وارد مى شود اطلاع از اوضاع ماليه اين مملكت ندارد.
زيرا اوضاع ماليه امريكا غير از ايران است و هيچ مربوط بامور و اوضاع ماليه اين مملكت نيست.
يك نفر خارجه هر قدر هم متخصص باشد باز وقتيكه آمد بايران بايد در اوضاع ما مطالعه كند تا اطلاعات اساسى بدست آورد و به مرور نظريات و اطلاعات خود را تكميل كند.

چنانچه آقاىيان نسايدگان البته مستحضرد مى دانند كه اطلاعات و عمليات امروزه امريكائى ها در باب امور ايران ربطى به سال قبلشان ندارد و طرف مقايسه بسا دو سال بيش نيست البته تدريجاً و به مرور دست خواهد شد.
نكته ديگريكه خاطر آقاىيان را توجه ميكنم اين است كه اين مستخدمين جديدى را كه ميخواهم استخدام كنيم به يك كيفيتى انتخاب ميشوند كه ربطى به مستخدمينى كه دوسال و نيم قبل استخدام شده اند ندارد.
زيرا مستخدمين قلمى را فقط وزير مختارى كه ما در امريكا داشتيم استخدام كرد و او چون مدتى بود از ايران خارج شده بود درست نظريات ما را در استخدام آنها نى دانست.
فقط مكلف بود كه يك مستخدمينى را استخدام و روانه ايران نمايد و چون كاملاً به مقتضيات و احتياجات نظريات ما آشنا نبود.
از اين جهت نى دانست چه بكنند ولى امروزه يك رئيس كل ماليه اينها را استخدام ميكند كه در ايران بوده و اطلاعات كافي از اوضاع مملكت ما پيدا كرده و باين شخص خودش مربوط ب امريكا و باين مستخدمين را كثرات ميكند و اينكه ما عجله داريم كه اين لايحه زودتر از مجلس شورائى ملي بگذرد براى اين است كه رئيس كل ماليه عازم امريكا است و در مدت اين مرخصى كه سه چهار ماه خواهد بود و مأمور است يك كارهاى را انجام دهد در ضمن اين چند نفر را هم استخدام خواهد نمود.
و بس از تصويب اين قانون دكتور ميسيو با امريكا و با نظريائى كه در باب اوضاع ايران پيدا كرده اين اشخاص را استخدام خواهد كرد و مخصوصاً نسبت باين شخص كه موضوع پيشنهاد آقاى آقا شيخ جلال است آقاىيان بايد تصديق فرمائيد كه دكتور ميسيو اين شخص را براى معاونت خودش ميخواهد و از اين جهت كمال سعى و كوشش را خواهد داشت كه اين شخص يك كسى باشد كه واقفاً بتواند بارى از دوش او بردارد و با معاونت كند.
بس ما نبايد از حالا يك تصديقى براى اين شخص قائل شويم كه شايد هيچ صلاح اين مملكت نيست.
علاوه بر اين خاطر آقاىيان را متوجه ميكنم وقتيكه ما اين شرط را قيد كرديم آنوقت لازم اش اين است كه آن شرايطى را هم كه ما بايد در مقابل آنها تمهيد كنيم متكىن بشود.

و بايد بوزارت ماليه و دكتور ميسيو اختيار بدهيم كه چنين شخصى را بهر قيمت كه هست كثرات كند و باين مقتضى صرفه مانخواهد بود.
از اين جهت گمان ميكنم بهيچ وجه محتاج به چنين شرطى نيست و با اطلاعاتيكه دكتور ميسيو از اوضاع مملكت و مالي ما پيدا كرده و با تجربه اى كه در اين مسعت حاصل كرده بديهيى است خود او كسى را در نظر خواهد گرفت كه مقصود ما را تمامين كند.
و اينكه مى فرمائيد از فلان مدرسه بايد بيرون آمده باشد اصلاً معلوم نيست كسيكه اين معلومات را دارد بتواند كاريكه ما در نظر داريم انجام دهد.
و هيمنطور بالعكس معلوم نيست كسى كه از فلان مدرسه عالى بيرون نيايمه باشد نى تواند اين خدمت را انجام دهد.
بس نظر بديلايل مذكوره بهتر اين است كه با اين لايحه موافقت فرمائيد و هيمنطور كه نوشته شده راي بدهيد و البته ضمناً خود دكتور ميسيو سعى خواهد كرد كه اينكسيكه انتخاب مى شود شخص با اطلاع و بصيرتى باشد.
رئيس - آقاى سر كشيگرزاده (اجازه)
سر كشيگرزاده - ماده هفتاد و دو مى گويد هر اصلاحى كه پيشنهاد مى شود بايد دلايل آن بطور مختصر ذكر شود و اگر بنا شود از براى هر اصلاحى يك ساعت صحبت شود امريش نيمه و د.
رئيس - راي مى گيريم بقبال توجه بودن اين پيشنهاد ... (خطاب بآقاى آقا شيخ جلال)
مقصود چه بود ؟
آقا شيخ جلال - در قسمت دوم پيشنهاد بنده چون بعضى آقاىيان مى گویند كسى كه ده سال خدمت كرده باشد بايران نى آيد.
لذا بنده قناعت به همان قسمت اول ميكنم كه قيد شود لااقل تصديق درجه اول از مدرسه عالي امريكاداشته باشد.
رئيس - پيشنهاد كنيده تارائى بگيريم.
پيشنهاد آقاى افشار (شرح ذيل قرائت شد)
بنده پيشنهاد ميكنم ماده اول بطريق ذيل اصلاح شود.
ماده اول - مجلس شورائى ملي به وزارت ماليه اجازه مى دهد كه بر طبق پيشنهاد رئيس كل ماليه ايران از اتباع امريكا و الاصل ايالات متحده امريكا اشخاصى كه داراى علم و عمل تخصصى در فن ماليه باشند با مشوليت رئيس كل ماليه الخ
رئيس - آقاى افشار (اجازه)

افشار - چون ماده اول فقط نظرش با آوردن متخصص در امر ماله است از امریکا و این عبارت شامل تمام دول امریکا و جزیره فیلیپین هم میشود

بعلاوه ممکن است يك اشخاص دیگری تبعیت دولت امریکا را قبول کرده باشند از اینجهت بنده پیشنهاد کردم که متخصصینی که استخدام میشوند باید امریکایی الاصل باشند

رئیس - رای گرفته می شود به این پیشنهاد

آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(مدفعلی قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد

(رئیس نهاد دیگری از طرف آقایان ملائی و افشار بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول فقره ۴ اینطور نوشته شود

برای خدمت تند نویس اسطیوگراف و ماشین نویس اکتیوگراف بجای مستر فلانکس یک نفر با حقوق سه هزار دلار انتخاب شود

رئیس - آقای افشار (اجازه)

افشار - هم چو توضیح داده شد که ماشینست تعبیر بجزای دیگر هم می شود از این جهت بنده تصریح کردم تا در آینه اسباب اشکال نشده و بجز دیگری اطلاع نشود

رئیس - رای می گیریم

آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب (بعضی از ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول سطر چهارم بعد از کلمه رئیس کل ماله بین الهالین نوشته شود: تبعه ممالک متحده امریکا

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده می خواهم آقای وزیر ماله یا معاون ایشان یا اعضای معترم کسیون این مسئله را توضیح بدهند

چون دکتر میلیسیو بر حسب کتباتی که با ما دارد تا دو سال دیگر بیشتر نیست فرض بنده اینستکه طوری نشود که يك وقتی رئیس ماله ما کسی غیر از امریکایی باشد

عقیده بنده این است که رئیس کل ماله ما و معاون او حتماً باید از تبعه ممالک متحده امریکا باشند

اگر این مقصود تأیید شده است که بنده عرضی ندارم و الا باید این مسئله

مهرز باشد و بنده در مواد بعد هم که نگاه کردم يك ماده که این مقصود را تأیید کند نیست

از این جهت پیشنهاد کردم که نوشته شود تبعه ممالک متحده امریکا

وزیر ماله - در خصوص خود رئیس کل ماله که دکتر میلیسیو باشد مطلب گذشته و مقصود حاصل است

اما نسبت به سایر مستخدمین که موضوع این لایحه است

اولاً در خود لایحه قید شده است و ثانیاً در کسیون بودجه هم این مطلب مذاکره شد و عرض کردم که به دکتر میلیسیو این تذکره را داده ام و او هم تمهید کرده است که کسی را که انتخاب میکند امریکایی باشد و مقصود حاصل است

رئیس - رای می گیریم به پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب

آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد

(پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب در کسیون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم نسبت به معاون و معاسب کل قید شود که از مدارس ماله امریکا دارای تصدیق درجه اول باشند

رئیس - آقای آقاسید یعقوب پیشنهادی کرده بودند بعد مسترد داشتند و این پیش نهاد را فرستادند

حالا باید رای گرفته شود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

آقای آقاسید یعقوب قرائت می شود (بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم عوض کلمه دلار نوشته شود تومان

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - علت اینکه بنده رئیس کل ماله هم در ایران بر نشان معین کرده اند تقود ایران واحدش قران و امدهاش تومان است و ما هم به پول ایران مستخدم میاوریم و آن اختلافی که نسبت به دلار در ماده یازدهم و دوازدهم هست باید از بین برود از این جهت بنده این پیشنهاد کردم که عوض کلمه دلار تومان نوشته شود

مخیر - این مطلب مرضی الطرفین است و آنها حاضر برای اینکه عوض هشت هزار دلار هشت هزار تومان بگیرند نیستند و برای رقم اشکال در ماده نوشته شده که قیمت دلار اضافه بر قیمت ازده قران و کمتر از يك تومان نباشد

باینطور که وقت قیمت دلار دوازده

قران یا سیزده قران شد آنها همان یازده قران را بگیرند و هر وقت هم تنزل کرد و هشت قران یا نه قران شد يك تومان را بگیرند و بین يك تومان و یازده قران اگر باشد بشرح

عادل روز دریافت کنند

وزیر ماله باید توضیحاً عرض کنم اینکه آقای آقاسید یعقوب می فرمایند اگر با پول ایران باشد یعنی ندارد بلی اگر ممکن بود خیلی خوب بود

ولی این اشخاص که استخدام میشوند امریکایی هستند و از پول ما اطلاع ندارند از این جهت پولی را که میگیرند باید بدهند که به پول خودشان چه قدر می شود به علاوه ما نخواستیم مطلقاً دلار باشد به ملاحظه اینکه اگر ترفی در قیمت دلار روی دهد مخالف صرفه ما خواهد بود آنها هم نخواستند تومان باشد برای اینکه ممکن است در پول ایران تنزل حاصل شود و مخالف منافع آنها باشد

همان طور که در سابق گرفتار شدیم بنا بر این فرغ زیاد بر اصل نباید باشد یعنی اشخاص را که ما استخدام می کنیم باید مدت خدمت شان بامدت خدمت رئیس ماله یکی باشد و پس از انقضای مدت کتبات دکتر میلیسیو اگر فرار شد کتبات او تجدید شود که این دوازده نفر را هم در مرتبه استخدام خواهیم کرد

نه این که ما این دوازده نفر را حالا برای مدت پنج سال استخدام کنیم و حال آنکه دو سال دیگر با انقضای کتبات خود دکتر میلیسیو که رئیس کل ماله است

بیشتر باقی نمانده و معلوم نیست که بعد از این مدت رئیس کل ماله همین است یا يك اشخاص دیگری خواهند بود که چنان مملکت مضر باشد

وزیر ماله اولاً آقایان بخاطر بیاورند که این مسئله هیچ محل مقایسه با قانون بیست و سوم جو زانیت

قانون بیست و سوم جو زانیت قانونی بود که از مجلس گذشته بود راجع بجزایه داری کل نه راجع به شستر و آن وقت هم که مجلس شورای ملی آن قانون را وضع کرد

نظر بامتهادی بود که به شستر شستر داشت

و هیچ تصور نمی کرد که شستر شستر و هیئت امریکایی با آن ترتیبات ناگوار ممکن است از ایران بیرون بروند

در هر صورت آن قانون خزانه داری بود نه قانون شخص و وقتی هم که شستر شستر رفت قایم مقام او هم دارای همان این مملکت استخدام شدند همان حقوق و قانونی که از برای شستر شستر معین شده بود دو باره آن اشخاص هم معین شدند

حالا هم امریای ها از رئیس خزانه داری کل کنل و دکتر میلیسیو

کمال تشکر دارم و این اشخاص مستخدم خدمت گذاری هستند

ولی باید ملاحظه بجز دیگری را هم کرد و آن

این است که این لایحه از سه سال تا پنج سال بدولت حق می دهد که دوازده نفر امریکایی را مستخدم بکنند

در صورتیکه از صدر تا ذیل این قانون عبارت (رئیس کل ماله) را دارد

و حال آنکه معلوم نیست در تمام این مدت این مدت این اختیار و اقتدار نسبت به این دوازده نفر مستخدمین امریکایی برای اوست؟

یا این که پس از انقضای دوره کتبات دکتر میلیسیو اشخاص دیگری روی کار خواهند آمد؟

و این حقوقی را دریافت خواهند کرد و همین معامله که با دکتر هست با آنها هم خواهد شد

همان طور که در سابق گرفتار شدیم بنا بر این فرغ زیاد بر اصل نباید باشد یعنی اشخاص را که ما استخدام می کنیم باید مدت خدمت شان بامدت خدمت رئیس ماله یکی باشد و پس از انقضای مدت کتبات دکتر میلیسیو اگر فرار شد کتبات او تجدید شود که این دوازده نفر را هم در مرتبه استخدام خواهیم کرد

نه این که ما این دوازده نفر را حالا برای مدت پنج سال استخدام کنیم و حال آنکه دو سال دیگر با انقضای کتبات خود دکتر میلیسیو که رئیس کل ماله است

بیشتر باقی نمانده و معلوم نیست که بعد از این مدت رئیس کل ماله همین است یا يك اشخاص دیگری خواهند بود که چنان مملکت مضر باشد

وزیر ماله اولاً آقایان بخاطر بیاورند که این مسئله هیچ محل مقایسه با قانون بیست و سوم جو زانیت

قانون بیست و سوم جو زانیت قانونی بود که از مجلس گذشته بود راجع بجزایه داری کل نه راجع به شستر و آن وقت هم که مجلس شورای ملی آن قانون را وضع کرد

نظر بامتهادی بود که به شستر شستر داشت

و هیچ تصور نمی کرد که شستر شستر و هیئت امریکایی با آن ترتیبات ناگوار ممکن است از ایران بیرون بروند

در هر صورت آن قانون خزانه داری بود نه قانون شخص و وقتی هم که شستر شستر رفت قایم مقام او هم دارای همان این مملکت استخدام شدند همان حقوق و قانونی که از برای شستر شستر معین شده بود دو باره آن اشخاص هم معین شدند

حالا هم امریای ها از رئیس خزانه داری کل کنل و دکتر میلیسیو

نیست و امیدواریم بعد ما هم نباشد و ثانیاً با اختیار اینکه بدکتر میلیسیو داده شده است بشخص او داده شده است و بموجب کتبات او تصریح شده است که این امتیازات مخصوص این آدم مخصوص است و اگر او نباشد مجلس شورای ملی و دولت می تواند این اختیارات را بدیگری بدهد یا نهد

و صورتی کنیم مدت بقایه میسیون آمریکایی در ایران که بموجب کتبات دو سال و نیم دیگر باقی مانده بیش از این ها باشد و گمان نمی کنم دوره استخدام آنها بهین مدت ختم شود

و همچو تصور می کنیم گیس از انقضای دوره کتبات ما از خدمات آنها را می باشیم و تصدیق هم می کنیم که هنوز احتیاجات ما از وجود آنها بر طرف نشده و باز وجود آنها را لازم داشته باشیم

در هر صورت از مدت کتبات دکتر میلیسیو فقط دو سال و نیم دیگر باقی است و تا این قانون از مجلس تصویب شود و دکتر به امریکا برود

و مستخدمین جدید را استخدام کند مدتی طول خواهد کشید و سه چهار ماه افلا وقت لازم خواهد داشت

و در این صورت دو سال دیگر بیشتر باقی نخواهد بود و نمی شود

ما این اشخاص را فقط برای دو سال استخدام کنیم خود آنها هم حاضر و راضی نخواهند بود که خودشان زحمت بدهند و از امریکا بایران بیایند

فقط برای مدت دو سال از این جهت همچو تصور می کنیم که این چیزی را که آقای طهرانی پیش نهاد کرده اند نه محل حاجت است و نه عقیده بلکه اسباب ضرر هم خواهد بود

رئیس - رای گرفته می شود

آقایانی که کیش نهاد آقای طهرانی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای

بنده پیشنهاد میکنم که بجای مستر کر از قسمت اول ماده دست غیب

بنده پیشنهاد میکنم آخر فقره سوم از ماده اول نوشته شود بافید تخصص فنی

جمعی از نمایندگان - این پیشنهاد روده است

رئیس - پیشنهاد دیگری است قرائت می شود

(باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که پس از مقضی و تخصص فنی آشنائی بزبان فرانسه هم علاوه شود

مهدی زاهدی

دست غیب - پیشنهاد بنده

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر

شدد شد

دست غیب - صحیح است

رئیس - آقای میرزا مهدی خان زاهدی

(اجازه)

زاهدی - در صورتیکه مستخدمین امریکائی آشنائی بزبان فرانسه داشته باشند بهتر میشوند اطلاع از امور پیدا کرده و ما زیاد تر میتوانیم از آنها استفاده کنیم

و چون اکثر مأمورین وزارت ماله زبان فرانسه میدانند از این جهت کارها برای آنها خیلی سهل شده و وقت هم کمتر تلف شده

وزیر ماله - این نکته را هم ما در نظر داشته ایم و دکتر میلیسیو را هم متذکر نموده ایم که اگر مستخدمین را از میان کسانی انتخاب کند که زبان فرانسه را بلدانند خیلی بهتر است و خود او هم این مسئله را ملتفت شده ولی شرط کردن این نکته حالا لزومی ندارد

برای اینکه شاید موفق نشد زباندز امریکا زبان فرانسه این قدرها رایج نیست و در آنجا فرانسه دان خیلی کم است برای اینکه امریکاییها يك مدتی هستند که زبان انگلیسی خودشان صرف میزنند و محتاج نیستند زبان فرانسه را بیاموزند از این جهت اگر بشود حالا این شرط را قید کنیم ممکن است دچار مضیقه شویم ولی چنانچه عرض کردم خود دکتر میلیسیو متوجه این نکته شده و حتی الامکان رعایت این مسئله را خواهد کرد

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(مردی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای شریعت زاده

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم - جمله بجای مستر کر از قسمت اول ماده حذف شود

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - در قسمت اول ماده می نویسد برای ریاست محاسبات بجای مستر کر باید یک نفر استخدام شود بنده پیشنهاد کردم که بجای مستر کر حذف شود زیرا این کس که انتخاب می شود رئیس محاسبات خواهد بود

دیگر احتیاجی ندارد که بجای مستر کر نوشته شود

وزیر ماله - از طرف دولت اشکالی نیست ممکن است حذف شود مگر کسیون هم می پذیرد

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر

(بیطور قرائت شد)

پیشنهاد منبایم که در قسمت اول ماده اول و قسمت اول ماده دوم نوشته شود و متخصص

رئیس - آقای دکتر آقابان (اجازه)

دکتر آقابان - بنده لازم میدانم توضیح مفصلی عرض کنم صحبت سر آمدن اتباع خارجه نیست بلکه سر آوردن متخصص است و این متخصصینی که می آیند باید عمل کرده داشته باشند

آقایانی که از تحصیلات امریکائی ها اطلاع دارند می دانند که تصدیق نامه و معلومات تنها کافی نیست و وقتی که بنده يك نفری را می بیاوریم

علاوه بر تصدیق نامه و معلومات علمی ملامم باید متخصص باشد تا بتوانیم در آن کاری که او را با آن کار می گماریم کاملاً مربوط باشد ملاحظه فرمایید در قسمت چهارم این ماده می نویسد

یک نفر تند نویس بجای مستر فلانکس ولی مشروط بر اینکه وقتی تند نویس آمد در مملکت بیچاره مافقط تند نویس باشد نه اینکه سمت امانت ماله کرمانشاه یا فلان جا برقرار شود و بدیهی است يك نفر ایرانی که مدتی در وزارتخانه کار کرده باشد

و او این که از اوضاع امانت ماله بی اطلاع باشد باز لایق تر از يك نفر تند نویس بلژیکی یا چینی است که بدون سابقه و تخصص فرضاً با امانت ماله کرمان یا یزد برود

رئیس - پیشنهادی که آقای شیروانی کردند و رای در آن گرفتند و قبول شد این پیش نهاد هم در ضمن آن قبول شده است

(پیشنهاد آقای شیروانی بشرح ذیل قرائت شد)

بنده تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم

تبصره - رئیس کل ماله مکلف است که یکی از دوازده نفر متخصص فوق را از متخصصین نطق استخدام نماید و چنان چه برای این کار اعتبار زیادتری لازم شود بوسیله وزیر ماله به مجلس شورای ملی پیش نهاد کند

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی بنده این جاشرفیاب خدمت آقایان شرم که يك قدری بیشتر در این باب توضیح بدهم شاید قابل توجه شود چون می بینم اساساً يك صورتی بخودش گرفته که بعضی از پیش نهادهای خوب را هم رد می کنند

باید اول فهمید يك مملکتی مثل ایران مستشار برای چه استخدام می کند بعد استخدام کند در ممالکی که يك قدری از تمدن دور تر از ما هستند یا شبیه بیست سال سی سال پیش ما بوده اند

در آن جا ها استخدام مستخدمین خارجی ما از لحاظ انحطاط مدنی آن جامعه است یا از نقطه نظر چهل صوملی است که کاملاً بوضعیات جاهل باشند یا از این نقطه نظر است که تشکیلات مملکتی طوری بطرز قدیم تدوین شده است که باید او را بکنلی برگرداند

و يك تشکیلات متناسب با عصر حاضر بدهند يك قسمت دیگر هم داشته است که که شاید در قدیم هم در ایران معمول بوده که حکومت مرکزی این اندازه هائی نتوانسته است قدرت خودش را اعمال کند و بدست يك نفر خارجه بهتر می توانسته است اقتدارات را تر کن بدهد

بنده عقیده ام این است که این چهار اصل هیچ کدام در مملکت ما ایجاد مستخدمین خارجی را نمی کند

اولاً تشکیلات ماله این قدرها خراب نیست ممکن است خراب باشد ولی اصلاح خرابی را اگر کسی هم خواهد

در صورتی که بخواهیم می شود اصلاح کرد که این که در بعضی ادارات کرده اند

پس تشکیلات ما این قدرها ناقص نیست که مستخدم خارجی بخواهد

گرمک ما وقتی مستخدم آوردیم طرز دیگری بود پس از آن من مستخدمین گرمک یا هدیه ماله یا طرز دیگری پیدا کرد و دیگر مستخدمین خارجی نمی آوریم که تشکیلات را درست کند و ناقص را خودمان باید درست کنیم

این قدرها هم جامعه ما دیگر در حاده انحطاط نیست که بخواهند خارجی ها بیایند ما را بوضعیت دنیا آشنا کنند

ما اگر بخواهیم این قدرها می توانیم بوضعیت دنیا آشنا شویم

پس عقیده بنده فقط دو نقطه نظر است

ایران ایجاد می کند

اول تبدیل بودجه و تهیه يك پروژه های جدید یا مالیاتی بطرز امروز دنیا و آنگاه مالیات های عجیب و غریبی که از قدیم با رتنگاه داشته ایم - این یکی از جهات لزوم استخدام خارجی است (بنده که این طور تصور می کنم)

دوم از دیاد مایهات از منابع ثروت ما و اصلاحات اقتصادی و جلب سرمایه های خارجی

این دو اصل است که به عقیده بنده ما را وادار می کند که از خارجه مستشار بیاوریم و الا ما بقی را آنچه که سابق بوده و ایجاد می کرد امروز نداریم و امروز غالباً وزراء و رؤسای ادارات ما و معانسان ادر خارجه تحصیل کرده اند و اگر بخواهند کار بکنند هم لایق هستند و هم اگر اختیارات به آنها داده شود می توانند کار کنند چنانچه

گرفته اند و میکنند ما فقط می خواهیم ترتیب بودجه ملکی را بطریق سایر ممالک متدنه اروپا درست کنیم و مالیات هائی را که امروز در این جا هست برداریم و یک مالیات هائی بشکل سایر جا های دنیا بجای آنها بگذاریم و در ضمن هم جلب سرمایه های خارجی را بکنیم که به وسیله سرمایه آنها منابع ثروت خودمان را بکار بیندازیم.

یکی از مهمترین مسائلی که امروز در ایران باید مورد توجه دولت و مجلس شورای ملی و عامه مردم واقع شود موضوع نفت است مسئله نفت تمام دنیا را جاب کرده و اتفاقاً یکی از ممالک نفت خیز دنیا مملکت ماست بنده میخواهم به پیش در مملکت ما آن اقدامی که از طرف خود ما راجع به نفت شده چه بوده؟

جز اینکه يك امتیازی که از دوره های پیش داده شده است رفته اند سهم خودشان فرصاً بدون اینکه يك دینار حیف و میل شده باشد گرفته اند؟

دیگر چکار کرده اند آن عمل نفتی که در این مملکت شده چه بوده است من گمان نمی کنم يك تمدنی در این کار بوده است که توجهی به نفت نشده بلکه تصور می کنم يك قدری غفلت شده است.

ما برای معارف مدارس زنانه برای عدلیه برای مایه مستخدم خارجی می آوریم بنده هم لازم میدانم و طرفدار اینهم هستم که برای تمام ادارات باید مستشار خارجی می آوریم.

برای اینکه از معلومات آنها استفاده کنیم.

ولی موضوع نفت در ایران يك موضوعی هست که امروز چه از نقطه نظر آنچه در جریان است و چه از نقطه نظر اهمیت موضوع و چه آن قسمتی که الان در دست عمل است و در اطراف صحبت می شود.

باید بیشتر مطلع نظر مجلس شورای ملی واقع شود و بایستی يك قدری بیشتر اطلاعات داشته باشیم تا بتوانیم در اطراف آن کار کنیم.

البته در مملکت مایه مدارس هائی نبوده است که متخصصین نفت تربیت شوند و متأسفانه اشخاصی هم که در خارج گرفته اند و تحصیل کرده اند این يك قسمت در نظر نبوده و در آنجا در يك معادنی کار نگردانند و در يك مدرسه این فن را عملاً تحصیل نموده اند که بتوانیم از آنها استفاده کنیم.

بنابراین بنده معتقدم حالا که رئیس کل مایه میروند با آمریکا و دوستانه مستخدم آمریکا هم متخصص نفتی می آورند در ضمن یکی از آنها را که ممکن است

در یکی از نقاط مملکت ما که مرکز نفت است مأموریت مالی پیدا کند این تخصص را داشته باشد استخدام کنند گمان می کنم داشتن این تخصص گناهی هم نداشته باشد و اگر در پیشنهاد بنده ملاحظه فرمائید در آن جا تذکر داده شده که ممکن است يك خرج بیشتری اینکار پیدا کند ولی حالا نمی دانیم چقدر است.

رئیس کل مایه میروند با آمریکا و در آن جا مطالعات و تحقیقات می کنند و می بینند يك نفر متخصص نفت چقدر زیادتر از این مبلغ که پیش بینی شده باید باو داده شود آنوقت بتوسط وزیر مایه و دولت تلگرافاً اطلاع میدهند که بکنقر از اینجا که مجلس شورای ملی تصویب کرده است که متخصص نفت باشد در سال این مبلغ حقوق می گیرد.

در آن صورت بنده عقیده ام اینست که در آن موقع مجلس شورای ملی هم با آن نظریاتی که مخصوصاً امروز راجع با مرغت است تصویب می کند.

وزیر مایه - این مسئله که آقای شیروانی پیشنهاد کردند ممکن است صحیح باشد و لازم هم داشته باشیم باینکه يك نفر متخصص نفت بیاوریم ولی توجه میدهم آقایان را که این لایحه را مابرای احتیاجات مایه پیشنهاد کرده ایم و همان طوری که خود آقای شیروانی متوجه بودند البته متخصصین نفت باین مبلغ ها نخواهند آمد و مبلغ زیادتری لازم دارد.

ممکن است آقایان باین لایحه رای بدهند بعد در موقعی که دولت احساس این احتیاج را بکند ممکن است بتوسط وزارت فوائد عامه به مجلس شورای ملی پیشنهاد بکند و البته مجلس شورای ملی هم تصویب خواهد کرد.

شیروانی - بنده پیشنهاد راجعاً مسترد می کنم چون میل ندارم رد شود **رئیس** - پیشنهاد دیگری هست اگر اجازه می فرمائید بماند برای بعد از تنفس.

جمعی از نمایندگان - صحیح است (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از يك ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - از آقایان فقط هفتاد و دو نفر در انتخابات شرکت کرده اند برای اینکه نتیجه از انتخابات گرفته شود لازم است هفت نفر دیگر رای بدهند.

تصانیف می کنم اشخاصی که رای نداده اند تشریف ببرند رای بدهند.

تقاضائی شده است که تلگراف شاهزاده سالار الدوله در مجلس علنی قرائت شود ولی مطابق نظامنامه باید هر ایش بکسیون هرائش برود و از آن جا بیاید به مجلس ارسال میشود بکسیون اگر لازم شد روز

شبه قرائت میشود.

جمعی از نمایندگان - صحیح است (مجدداً ماده اول ویرت کسیون بودجه راجع به مستخدمین امریکائی مطرح و پیش نهادی از طرف آقای حاج میرزا عبدالوهاب)

(مضمون آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم حداقل دلار هشت قران و حداکثر يك تومان معین شود **عبدالوهاب**

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب چون امروز دلار قیمتش هشت قران است و اگر بنا باشد حداقلش يك تومان باشد بنده نمی دانم این دو قران چرا اضافه شده و ازری همین حساب ده هزار دلار دوازده هزار سیزده هزار دلار می شود امروزه که قیمتش هشت قران است.

اگر هم ترفی کند يك تومان می شود علاوه این هارا برای مملکت ما استخدام می کنند و باید با پول ما استخدام شوند و پیش نهاد کردند.

اگر بنا باشد پول ما را تشخیص ندهند چطور می توانند مایه مملکت ما را مرتب بکنند باید مقیاس يك تومان باشد که حدش معلوم باشد.

که در سال کم و زیاد بودجه مملکتی معلوم باشد که ده هزار تومان مثلا یکی و چقدر دیگری داده می شود بنابراین بنده با آن حداقلی که این جا ذکر شده مخالفم برای این که اگر حد اقل بود همان یازده قران را خواهند گرفت اگر زیاد تر شد نزد پیش نهاد می کنند که این ها بجهال اینکه دلار یازده قران بوده قبول کرده اند و حالا دلار شده است سیزده قران با فلان قدر کس بودجه پیدای گشته برای کس بودجه آنها پیشنهاد می آورند به مجلس و می گویند فلان قدر بایه اضافه شود و از این جهت بنده این پیش نهاد رد کردم.

مخیر - اولاً بنده این را برای اصلاح خاطر آقا عرض کنم که موضوع این پیش نهاد در این ماده نیست برای اینکه يك ماده مخصوصی داد که ما بایست دلار را در آن جا معین کرده ایم و خواهد آمد و این پیش نهاد جایش در آنجا است و آن ماده رد است.

تا بیا برای اطلاعات هر کسی می بینم که قیمت دلار هیچ وقت هشت قران نبوده و است و در آن موقعی که مستشاران امریکائی کثرت داشتند و به ایران آمدند در آن موقع یازده قران او هفت شاهی بود.

بعلاوه همان طوری که آقای وزیر

مالیه فرمودند وقتی که در آنجا استفاده می شوند باید بدانند با چه حقوقی مستخدم می شوند آنها آشنائی با پول ما ندارند و نمی توانند باینکه چیز موهمی مستخدم شوند باینکه این جا.

(پیش نهاد آقای دکتر آقایان بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم همان طوری که نسبت به مستخدمین بلژیکی عمل می شود مستخدمین امریکائی نیز به آن ترتیب انتخاب بشوند.

یعنی توسط وزارت مایه امریکا وزیر مختار دولت علیه و رئیس کل مایه دکتر آقایان

دکتر آقایان - اهمیت انتخاب مستشارانی که ما ب مملکتان دعوت می کنیم به هیچ يك از آقایان نمایندگان پوشیده نیست.

آقای وزیر مایه در ضمن صحبتشان فرمودند که رئیس مایه اگر در انتخابات گذشته بعضی انتخابات صحیح نشده دایش عدم تجربه ایشان بوده راجع بکارهای مملکتی.

ولی حالا که دو سال و نیم است در مملکت ترف فرموده اند قطعاً يك اطلاعاتی پیدا کرده اند و انتخابات بهتری می کنند.

قطعی است که مملکت بتخصص د کتر میلیسو اطمینان داشته است و اگر نداشت دولت ابلاغ نمی کرد که ایشان دو سال قسمت اخیر کثرت ایشان را می توانند باقی باشند بنابراین این اطمینان جای خودش هست.

ولی دولت يك لایحه دیگری برای مستخدمین بلژیکی پیش نهاد کرده و با اینکه رئیس کل گوید که باینکه داریم طرف اعتماد دولت و ملت هم هست و بیست سال هم خدمت کرده باوصف این در آن پیش نهاد قید کرده است.

براینکه توافق نظر وزیر مختار دولت علیه و دوبرو کسل و وزارت مایه بلژیک و پیش نهاد میلیسو شرط است برای انتخاب يك نفر مأمور آنها هم در چه کاری؟

در گمرکات آقایان کلا می دانند که کار گمرک مثل يك ماشینی است و از عهد این کار بر آمدن سهل تر است.

تا اداره کردن يك شعبه از مایه پس اگر برای انتخاب يك نفر مأمور گمرکات دولت تمام این تصمیمات را در نظر می گیرند.

هیچ دلیل ندارد که برای انتخاب مأمورینی که در به شان عالی تر است همین همان ترتیب را در نظر بگیرد.

آنچه گذشته گذشته و در انتخابات

اعضای جدید مستخدمینی که دعوت می کنیم در مملکت خودمان بایستی تمام این دقت ها بشود.

رئیس - آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجهی دانستند فرمائید (عده کمی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد

پیش نهاد آقای روحی (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیش نهاد می کنم که بجای (ماشینست) تند نویس نوشته شود.

رئیس - (خطاب با آقای روحی) فرمائید روحی در جلسه قبل در موضوع ماشینست صحبت شد که این انت کافی نیست برای آن مقصودی که در نظر دارنده و در ضمن يك لغات دیگری از قبیل استنوگرافی و غیره این جا اظهار شد.

تصور می کنم صلاحیت داشته باشد که مجلس شورای ملی اجازه بدهد که اساساً در قانونی لغات خارجی ذکر شود باینخصوص این لغت که دلالت بر مقصود نمی کنند.

بدو هم که در خارجه این اسم را ماشینست گذاشته سوائی بمقصود نبود.

ولی مردم برور عادت کردند و این جا هم بعقیده بنده هر چه بنویسیم برور البته مردم عادت می کنند و بهتر این است در مقابل ماشینست (تند نویس) بنویسند که مردم بلغات خارجه عادت نکنند.

و بنده مخالف هر گونه لغات خارجی هستم بالاخص در قوانین و از آقایان هم خواهش می کنم مخالفت نفرمائید که نوشته شود (تند نویس)

مخیر این نظیر همان پیش نهاد آقای اربابست

ماشینست را حذف می کنیم همان تند نویس کافی است رئیس کسیون قبول می کنند.

مخیر ماشینست را حذف می کنیم (پیشنهاد آقای شیروانی بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در لغت چهارم ماده اول اضافه شود: شتنگرانیست

شیروانی - بنده پس می گیرم پیشنهاد آقای حائری زاده بشرح ذیل قرائت شد

بنده پیش نهاد می کنم فقره چهار از ماده اول ببارت ذیل اصلاح شود

۴- برای خدمت تند نویس يك نفر هزار دو بیست دلار.

حائری زاده

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - در استخدام ده کثرت میلیسو موقعی که از مجلس گذشته و اختیاراتی

برایشان در نظر گرفته شد يك چند نفر را اختیار ایشان گذاشتند که انتخاب کنند یکی عالم احصائیه بود و يك نفر منشی که فرانسه بداند و يك نفر هم معرر که حالا اسمش را تند نویس گذارده اند و گویا آقای فلانکس رئیس مایه یزد شده

باید دید که مابرای چه امریکائی ها را استخدام کرده ایم اگر يك کسی که هیچ اطلاعات نداشته باشد برای يك کاری می خواستیم خودمان فراوان داشتیم پس برای این بود که کار را باهالش بسیارند که با اطلاعات و معلوماتیکه دارد وضعیت خراب مایه ما را اصلاح بکنند.

يك نفر آدم همین که امریکائی شد اصلاح نمی کند.

يك نفر که در فن تند نویسی اطلاع داشته باشد گمان نمی کنم در فن مایه هم تخصص داشته باشد و ما تصور می کردیم که امریکائی ها هم مثل بعضی از ایرانی ها هزار پیشه باشند یعنی هم از مایه اطلاع داشته باشند و هم از تند نویسی.

چندی قبل يك مسئله محل ابتلاء شده بود و شکایات زیادی اصناف یزد می رسید مبنی بر اینکه مالیاتهای اضافی از شأن می خواهند که سابقاً معمول نبوده.

مراجعه وزارت مایه شد معلوم شد که آقا رفته اند آنجا و میزی کرده اند و مالیاتها را اصلاح کرده اند.

مثلاً ماشین جوراب بافی که بوقه برق حرکت می کنند آنجا وارد کرده اند نشان روی آن مالیات گذاشته اند و این ماشین پان کوچککی در سال هشتاد تومان باید مالیات بدهد

در صورتی که ما داریم کمر کشش را هم از بین می بریم و ایشان رفته اند مالیات ما را اصلاح کرده اند

مثلاً لبو فروش که شلغم و چغندر را لبومی کند و می فروشد ایشان رفته اند روی اینها يك مالیاتی گذاشته اند و همین طور برای همانه بیچ رفته اند يك مالیاتی معین کرده اند.

خیلی این طور چیزها دارد و صورت این مالیاتها را امضاء کرده و فرستاده اینجا.

بنده فکر کردم دبعم باید حقیقه به مستخدمین امریکائی نه کرداد که اشخاص را متناسب با کاری که می دهند انتخاب کنند و بدیقتاً آقای ذکا المملک وزیر مایه و آقای معاونشان هم در وزارت خانه خودشان زبان بسته و يك کنجی نشسته اند ولی در مجلس برای جواب دادن باها زبانشان دراز است و يك سوالهایی که می شود يك جوابهایی می دهند که هیچ مطابق سوال نیست و خیلی هم چندی هستند ولی در وزارت مایه بقدر يك فقرات هم نمی توانند دخالت در کار بکنند.

در صورتی که رئیس مایه باید در تحت نظر وزیر مایه کار کند و آقای وزیر مایه باید ایشان را راهنمایی کند و به شان حالی کنند که تند نویس برای مأمور مایه خوب نیست.

نه اینکه ساکت و صامت بنشینند و راجع بلژیکی که به مجلس فرستاده می شود یا فکر مترجم کار کنند و البته اگر يك نفر تند نویس خواسته باشند ماهی صد دلار کفایت می کند.

ولی اگر يك آدم هزار پیشه می خواهند آنرا هم اقلایک آدم با اطلاعاتی را انتخاب کنند که اگر تند نویس را رئیس مایه کردند دیگر برای لبو فروش مالیات وضع نکنند از این جهت

ممکن است بنده پیش نهادم را مسترد نماید.

ولی اساس نظرم این بود که نقطه نظر تخصص محفوظ باشد.

معاون وزارت مایه - پیشنهاد آقای حائری زاده تغییری که در این فقره از ماده می داد فقط تقلیل مبلغ بود و چیز دیگری نبود و گمان می کنم که برای دلائل و وجوب قبیل این مبلغ ذکر فضایی یزد و اینکه يك نفری را که برای سستی می آورند برای سمت دیگر لازم نبود و در هر صورت ممکن است مأمورین يك وزارت خانه یا يك اداره در موقعی لازم شود که در يك کار دیگری موقتاً برقرار شوند چنانکه فلانکس را بعنوان امین مایه به یزد فرستاده و مدتی هم در آنجا مانده است و مسئله اینکه مالیاتی به ماشین جوراب بافی تحمیل کرده اند ما همچو اطلاعاتی هم چومیلنی باین اسم در وزارت مایه نداریم.

حائری زاده - صورتش اینجا موجود است.

معاون وزارت مایه - همین طور فرصاً اگر مالیاتی برای همانه بیچ ها مقرر شده است.

این يك چیزی نبوده است که بکار گرفته باشد یا يك تعدیل جدیدی باشد.

اینها يك مالیاتهایی است که خاطر معترض آقا هم البته متوجه هست که از سابق معمول بود است و در جزو جمع ما بوده است چنانچه برای کلا دو زهم يك مالیاتی مقرر شده است و از این مالیاتها در سابق بوده است و ممکن است ایشان در آنجا بر حسب ضرورت تعدیلی کرده باشند و در هر صورت بطور کلی تفصیل مأموریت فلانکس به یزد چنانچه عرض کردم بر حسب ضرورت تفصیلاتی بوده است که خواسته اند بکنند امریکائی نسبت باعمال سلف خودش بکنند.

اما راجع باینکه فرمود در وزارت مایه اولیای امور یا اعضای وزارت مایه نسبت مطالبی که می گذرد ساکت و صامت هستند.

بنده گمان می کنم همیشه در مقابل کار درست و حرف حساب باید ساکت بود و این جاهم که جواب می دهند برای توضیح است

برای اینکه اذهان معترم آقایان تا باینکه گان از قضایا مسبوق شود و اگر يك حرفی هم اتفاق افتاده که بکنند از مدار خودش خارج بوده البته بطریق اولی باید جواب هر ضرر کرد و در هر صورت اینها هیچ کدام مداخله نمی کنند در مقادیر حقوقی که برای بکنند نویس در ماده ذکر شده است و این مبلغ هم اقل بلقی است که بکنند نوی که دارای معلوماتی است از امریکا بشود برای خدمت با بران آورد.

هزار و پانصد یا هزار و شصت دلار حقوقی نیست که برای بکنند ایرانی که بخواهد در امریکا که می خواهد با بران بیاید و زندگی کند و البته بکنند امریکائی حساب عایدات و کار خودش را در محل خودش می کند و در صورتی که فی الجمله صرفه داشته باشد يك مسافت زیادی را می پیماید و در يك مملکت خارجی می رود خدمت می کند.

بنا بر این بنده تصور می کنم پیش نهاد آقای حائری زاده از نقطه نظر صرفه جویی و تقلیل در خارجه خیلی مستحسن است ولی در موارد خودش و باین مورد بخصوص ربطی ندارد.

حائری زاده - مقصود بنده تذکر بود استرداد می کنم.

(پیش نهاد می کنم در هر يك از قسمتهای چهار گانه ماده اول قبل از کلمه (با حقوق) کلمه سالیانه نوشته شود.

رئیس - آقای آخر (اجازه)

آخره چون معلوم نیست که این حقوق برای سالیانه است یا ماهانه (و البته بدیهی است سالیانه است)

ولی چون کلمه سالیانه نه در اول ماده و نه در آخر ماده هیچ کدام نوشته نشده اند بنده پیشنهاد می کنم کلمه سالیانه اضافه شود که معلوم باشد.

مخیر - قبول می کنم (پیش نهاد آقای شیخ العرافین زاده اینطور خوانده شد)

بنده پیش نهاد می کنم که جمله بجای متر گزاقست اول و جمله بجای یلانکن از قسمت چهارم حذف شود.

رئیس - قسمت اول که تصویب شد.

مخیر - قسمت دوم را هم قبول می کنم **رئیس** - يك پیشنهاد دیگر مانده است.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده تبصره ذیل را پیش نهاد می کنم

تیسره - لاقبل چهار نفر از مستخدمین مذکور فوق باید علیاً و هملاً متخصمین بوده و در کثرت آنها قید شود که مکلف هستند موافق تعلیمات دولت ایران در علوم مالی و تدریس و موجبات تهیه مستخدمین متخصمین ایرانی را فراهم نمایند.

شریعت زاده - داور رشتما - جهان شاهی - رضا دامغانی - حسین - رئیس - آقای شریعت زاده - (اجازه)

شریعت زاده - آقایان خوب میدانند که در فرار داور قدر اقدامات اساسی باشد مصلحت بهتر تأمین می شود و تردیدی نیست که آمدن مستشار و متخصمین خارجی و اشتغال آنها بکار در صورتی که منشأ خدمات دیگری متشابه متخصمین ایرانی نباشد به محض اینکه آنها رفتند حفظ وضعیاتی که آمدن آنها را ایجاد کرده است مشکل است بنا بر این بنده بعضی از رقبا اینطور بنظر آوردم که در ضمن یک تیسره خاطر نشان شود که این مستخدمین باید علم و مهارت متخصمین باشند که در ضمن تعلیمات دولت در علوم مالی تدریس کنند تا در نتیجه این عمل آن اصل اساسی که باید در نظر باشد تأمین شود یعنی بتدریج تهیه متخصمین از خود ایرانی نماید و تصدیق خواهند فرمود که در نتیجه آوردن مستشار و اشتغال آنها بکار تدریس متقدم شد که باید همیشه یک هدف کافی مستخدمین متخصمین بیابیم و به عقیده بنده اگر این اصل رعایت نشود هر قدر هم که در ایران مستشارها کار کنند بالاخره در نتیجه عدم تعلیمات نظم و استحکام اساسی ادارات را نمی شود حفظ کرد مگر اینکه عده متخصمین ایرانی در رأس ادارات واقع شوند و وسیله رسیدن باین مقصود هم تدریس علوم مالی به توسط متخصمین است و ممکن است این چهار نفر متخصمین را که استخدام می کنیم اگر دارای تحصیلات علمی هم باشند یک موقع از اوقات خودشان را در مدرسه که باید در آنجا مشغول تدریس باشند و البته این ترتیب موافق مصلحت مملکت هم است.

مخبر - با تصدیق تمام اظهارات آقای شریعت زاده که محل تصدیق همه هم است لازم است برای استحضار خاطر نشان عرض بکنم که اگر مقصود متخصمین فنی باشد که در ماده اول قید شده است ولی اگر مقصود حضرتعالی از متخصمین نمره اول آمریکائیها است که آنها باسالی هشت هزار و دوهزار دلار ممکن نیست بایران بیاورند زیرا آنها باسالی هشت هزار و هفتاد هزار دلار حقوق در همان مملکت خودشان خدمت میکنند و باین مبلغها نمی شود آنها را استخدام کرد حالا اگر در آنجا بودیم مملکت یک گشایشی

ببدا کرد و عایدات در مملکت زیاد شد که توانستیم از آن قبیل متخصمین بیابیم البته مایه سعادت است ولی امروز با این ضعف بودجه گمان نمی کنم بتوانیم این نوع متخصمین را استخدام نماییم.

رئیس - رأی گرفته می شود باین توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

عده قلیلی قیام نمودند رئیس قابل توجه نشد.

چون یک فقره پیشنهادی که اینجاشده بود قابل توجه شده است و پیش نهاد می رود بکمیسیون نمی توانیم به ماده رأی بگیرییم می ماند برای روز شنبه بقیه مذاکرات در این لایحه هم می ماند برای روز شنبه نوزدهم اردی بهشت چهار قبل از ظهر.

آقای داور - اجازه

داوره بعد از تمین دستور عرضی دارم.

رئیس - دستور معین شده است.

داور - فقط بطور تذکر می خواستم عرض کنم در چندی قبل طرحی پیشنهاد شده بود که من جمله بنده هم آن را اضاء کرده بودم راجع بکسر پنج هزار تومان از شهریه ها که از آن محل یک مسائل خوب مفیدی را به موقع اجرا گذاریم و کمیسیون بودجه هم یک عهده را برای رسیدگی باین کار معین کرد که می خواستم تذکر بدهم بکمیسیون بودجه که راجع باین طرح چه تصمیمی اتخاذ نمودند؟

مخبر - این طرح قبل از هید نوروز یک کمیسیون آمد و به ملاحظه اینکه ممکن نبود تمام اقلام مسترریها و شهریه ها در خود کمیسیون مطرح شود.

لذا یک کمیسیون سه نفری مرکب از آقایان سلیمان میرزا و حاج مشیر اعظم و آقا میرزا شهاب الدین معین شدند که باین تحصیلات علمی هم باشند یک موقع از اوقات خودشان را در مدرسه که باید در آنجا مشغول تدریس باشند و البته این ترتیب موافق مصلحت مملکت هم است.

مخبر - با تصدیق تمام اظهارات آقای شریعت زاده که محل تصدیق همه هم است لازم است برای استحضار خاطر نشان عرض بکنم که اگر مقصود متخصمین فنی باشد که در ماده اول قید شده است ولی اگر مقصود حضرتعالی از متخصمین نمره اول آمریکائیها است که آنها باسالی هشت هزار و دوهزار دلار ممکن نیست بایران بیاورند زیرا آنها باسالی هشت هزار و هفتاد هزار دلار حقوق در همان مملکت خودشان خدمت میکنند و باین مبلغها نمی شود آنها را استخدام کرد حالا اگر در آنجا بودیم مملکت یک گشایشی

می کنم.

حاج میرزا عبدالوهاب - عرض می کنم در هشت هفتاد قبل یک اداره در همدان تأسیس شده از هر مالکاری دوهزار به عنوان دلالتی اخذ می کند بنده خواستم به بینم این مالیات از مالیاتهای استکه در مجلس سابقه داشته و جزو مالیاتهای که در دوره اول تصویب کرده اند بوده یا نبود؟

اگر نبوده که مطابق قانون اساسی حق تأسیس مالیات را غیر از مجلس کسی ندارد و اگر بوده بنده حاضر ثابت کنم که چنین چیزی نبوده و حالا اگر اسنادی دارند که سابقه این مالیات را ثابت می کند بنده عرضی ندارم و بلازم مالیاتی که متجاوز از سی هزار تومان است چند نفری آمدند و از دولت مقاطعه کرده اند بسالی هشتاد هزار تومان این بود که خواستم به بینم آیا وزارت مالیه تحقیقاتی در این مسئله کرده اند و حاضرند جواب بدهند یا خیر؟

و عین همین مسئله را هم در یادداشت تذکر داده بودم.

وزیر مالیه - این مسئله به پا خود آقای چهارم در مجلس شورای ملی مکرر مذاکره شده که مالیاتهای که امروزه در این مملکت می گیریم تمامی مالیاتهای نیست که به تصویب مجلس رسیده باشد و اغلب مالیاتهای استکه از قدیم بوده و ما هم یک مالیاتهای قانونی که بتواند عایدات آنها قائم مقام عوائد امروزی شود نداریم که بتوانیم اینها را ملتی کنیم و اگر ملتی کنیم عایدات دولت ازین میرود و از عهده متخارج بر نمی آید و در نتیجه کسر بودجه مزایاد تر می شود و ضمناً هم در ضمن بودجه هایی که در سنوات متعدده در مجلس شورای ملی آمده است.

این مالیاتها بطور کلی تصویب شده است و مالیات دلالتی هم یک چیز تازه نیست.

این مالیات سالهای متدادی گرفته می شده است و بعد از این هم تا وقتی که مجلس شورای ملی نتواند نکرده است این مالیاتها گرفته می شود مگر اینکه بواسطه اوضاع جدید که پیش نهاد شده است و مطرح هم شده این مالیاتهای بی قاعده را که خود بنده هم تصدیق می کنم که احجاف و تعدی به مردم می شود لغو نمایند و اما در خصوص کیفیت اخذ آن گمان میکنم وزارت مالیه بکلی امتحان داده باشد که هر امری که موجب از زیاد عایدات دولت باشد در کمال خوبی می پذیرد و در آن هیچ مسامحه و بی قیدی هم نمی شود و اگر و افاضاً پیشنهادهای صحیحی باشد که وزارت مالیه بتواند بهتر عایدات را جمع کند و عایدات دولت هم زیادتر بشود.

پیشن با کمال دقت در تحت مطالعه آورده و اجرام خواهد کرد.

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده تکذیب نمی کنم فرمایشات آقای وزیر مالیه را ولی صورت مالیات هایی که در دوره اول آورده اند و مجلس تصویب کرده است در دفتر مجلس موجود است به آن ها مراجعه شود اگر در همدان مالیاتی به اسم دلالتی مکاری بود بنده هم تصدیق دارم و البته صحیح هم هست.

ولی عرض میکنم این مالیات را سه سال قبل یک نفر آمده آنجا و اجازه کرد و مردم هم داده و فریادشان بلند شد و متروک شد باز هشت ماه قبل آمده اند و شروع به اخذ این مالیات کرده اند گفتند کسور خلاف قانون بودنش است که باید مالیات را مطابق قانون اساسی مجلس تصویب کند کلام در سر الفناش نیست.

اصلاً نباید گرفته شود تا چه رسد به اینکه الفناش نباشد.

وزیر مالیه - بنده عرض کرد مالیاتهای که سابق بوده مادام که مجلس آنها را الفناش نکرد مایه گیریم و حالا اگر خواسته اند در همدان یک مالیاتی را بگیرند و بواسطه موافقی یک مدتی نتوانسته اند و بعد دوباره اقدام از برای گرفتن آن کرده اند این دلیل نمی شود که نباید گرفت.

عرض کردم بجز تازه نیست و از قدیم مرسوم بوده است.

رئیس - بودجه مجلس شورای ملی هم برای سال جاری رسیده است ارسال می شود به کمیسیون محاسبات مجلس.

(جمعی از نمایندگان - صحیح است)

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا منشی - م - شهاب منشی دکتر احتشام طباطبائی

جلسه ۱۶۳

صورت مشروح مجلس یوم شنبه نوزدهم اردی بهشت ۱۳۰۴ مطابق پانزدهم شوال ۱۳۴۴ (مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای آقا میرزا حسینخان پیرنیا تشکیل گردید)

صورت مجلس یوم پنجشنبه هفدهم اردی بهشت را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند

رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

آقا سید محمد علی شوشتری - عرض بنده تقریباً نعره احترام است و نمیخواهم خود را تعریف بدهم با آقایان به جهت اینکه غالب آقایان نمایندگان معترم بنده را می شناسند.

انتخاب بنده از استرآباد یک امر غیر متبرک و یک تقصیر مشکلی بود بنده ناچارم برای اطلاع آقایان نمایندگان معترم هر ایضی عرض کنم:

مادر بنده صبیحه مرحوم حاج سید حسن معروف استرآبادی است که کتابهای معروف ایشان در این کتابخانه مجلس (که مرحوم حاج میرزا حسینخان سه سال در اینجا کتابخانه داشت) بوده و یک قسمتش را در

موقع بیمار درمان بردند و اغلب آقایان حاج میرزا سید حسن معروف استرآبادی را می شناسند که جزو عیال طراز اول و سرحاج سید نصرالله مجاهد معروف استرآبادی بوده که با سید محمد مجاهد مرحوم نرانی قضا باشان معلوم بوده اند بنده پس از آنکه به خیال رسیدم و چون نظر گرفت که بعضی زندگان بنده را که در خارج داشتند بنده هم و بیایم از افکار بکار نمایندگان استفاضه ببرم و به منظور آنکه یک چیز هائی بنظر می رسد برای اصلاح ملک و ملت بانها هم خودم عرض بدارم این بود که باین خیال حرکت کردم و رفتم و ششماه و یازده روز در مجلس خودم بودم در مجلسی که متجاوز از شصدهفتصد نفر بستگان و خویشان من که سعادت رضوی و مفیدی و حسینی هستند و اغلب آقایان نمایندگان میدانند و اگر آقایان استرآبادی که در طهران هستند تحقیق فرمایند.

پس از آن رفتم در تمام دهات و قصبای ولوکلک صحبت کردم و باین نتیجه موفق شدم که به سمت نمایندگی بیایم و بدوستی و مؤدت آقایان افتخار کنم برای یک پیش آمد هائی که نمیخواهم عرض کنم چه بوده است تقریباً در اواخر حوت سنه ماضیه بنده بمحبت شدم تلگراف هم آمد ولی در نتیجه بعضی چیزها طول کشید و حالا هم که بمجلس شورای ملی قریب شش ماه است آمده ام مظلوم و همه آقایان تصدیق میکنند که زندگانی بی تکلیفی بدست.

بنده که کلام مطیع و متقاد قانون هستم لهذا امروز از آقایان تقاضا میکنم یک رأی ببنده بدهند تقاضا میکنم قبل از همه چیل در دستور امروز در درجه اول اعتبار نامه بنده را قرار بدهند و آقای معترض آقای دول - آبادی فرمایشاتشان را بفرمایند.

بنده خود هم اطلاعاتی دارم عرض میکنم و دفاع میکنم آنوقت کاملاً مطیع و متقادم یا آقایان بنده را معترزم می کنند بهضویت مجلس شورای ملی یا با امیدواری برای آقایان از این مجلس میروم.

رئیس - آقای میرزائی (اجازه)

آقا سید عبدالعلی میرزائی - عرض بنده هم میخواستم پیشنهاد کنم اعتبار نامه آقای شوشتری در درجه اول دستور قرار داده شود.

رئیس - اگر پیشنهادی دارید بنویسید رأی می گیریم.

آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - ازوم نوسمه معارف و عمومی شدن آن در تمام نقاط این مملکت تقریباً بدیهی است و محتاج بتوضیح نیست.

نشر علوم دیانتی و اجتماعی اول درجه سرمایه زندگانی هر ملتی است.

حاج میرزا محمد رضا - عرضی ندارم.

رئیس - آقای میرزائی (اجازه)

میرزائی - در دستور عرض دارم.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده عرضی ندارم.

رئیس - آقای اشگر (اجازه)

اشگر - در صورت مجلس عرض ندارم دارم.

رئیس - بفرمایند.

اشگر - راجع به پیشنهاد بنده در صورت مجلس نوشته شده است که بنده پیشنهاد کردم بعد از کلمه حقوق فقط سالیانه اضافه شود در صورتیکه پیشنهاد بنده این بود که قبل از کلمه با حقوق لفظ سالیانه علاوه شود.

استدعا میکنم اصلاح شود.

رئیس - اصلاح می شود.

دیگر ایرادی نیست؟

حاج میرزا عبدالوهاب - چرا بنده عرض داشتم.

حاج میرزا عبدالوهاب - در این جا هیئتقدر نوشته اند که آقای وزیر مالیه در مجلس اظهار کردند این مالیات سابقه دارد ولی آن دفاهی که بنده کردم بنده عرض کردم این مالیات سابقه ندارد و مالیات جدیدی است و در صورت مجلس نوشته شده و بنده این قید را لازم میدانم.

رئیس - اصلاح می شود.

آقای ضیاءالواعظین (اجازه)

ضیاءالواعظین - در دستور عرض داشتم.

رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

آقا سید محمد علی شوشتری - عرض بنده تقریباً نعره احترام است و نمیخواهم خود را تعریف بدهم با آقایان به جهت اینکه غالب آقایان نمایندگان معترم بنده را می شناسند.

انتخاب بنده از استرآباد یک امر غیر متبرک و یک تقصیر مشکلی بود بنده ناچارم برای اطلاع آقایان نمایندگان معترم هر ایضی عرض کنم:

مادر بنده صبیحه مرحوم حاج سید حسن معروف استرآبادی است که کتابهای معروف ایشان در این کتابخانه مجلس (که مرحوم حاج میرزا حسینخان سه سال در اینجا کتابخانه داشت) بوده و یک قسمتش را در

فلا مقصود بنده شرح معاصران و ازوم نشر و عمومی شدن معارف نیست زیرا همه آقایان نمایندگان با این عقیده بنده موافقت و محتاج به بیان و توضیحات مفصلی نیست.

لیکن هیئتقدر میخواستم عرض کنم موقعیکه مالیات و دخانیات در مجلس آمد تصویب آن مالیات و تمهیل آن مالیات سنگین بیشتر باید واری این بود که همه جا بقدر کفایت خودش معارفش اداره شده باشد و افکار بنده معارف نفوس در ایالات و ولایات دارای دو کلاس ابتدائی باشد که سواد خواندن و نوشتن را پیدا کنند زیرا درجه عمومی شدن و لزومش در همه افراد مملکت بوده است.

باز هم چون آقایان همه عقیده بنده را تصدیق میکنند محتاج بتوضیح نمیدانم و متأسفانه معارف ما در ولایات خیلی ناقص است بطوریکه در ولایات هر ده هزار نفوس دارای دو کلاس ابتدائی نیستند.

بعضی از بلوکلک هست که ده هزار پنج هزار جمعیت دارد و یک نفر سواد دارد در بین آنها نیست که هیئتقدر بتواند یک کاعذی را بخواند یا بنویسد از این نقطه نظر بنده خواستم تذکر بدهم که وزارت مالیه مخصوصاً آقایان آمریکائی ما در نظر داشته باشند که بر بودجه امساله معارف یک مبلغی بیفزایند بطوریکه افلا یک شکل ناقصی بودجه معارف ایالات و ولایات اضافه شده باشد و باین وضع فعلی نمایند و در مقابل این مالیاتهای سنگین و اوابیعی که می آید افلا آنقدر بپردازم اجر داده شود که منافع این مالیاتها که مجلس قبول میکنند مردم میدهند بطور مستقیم در شکل روحی خودشان برگردانند.

رئیس - آقای ضیاءالواعظین (اجازه)

ضیاءالواعظین - فعلاً عرضی ندارم.

رئیس - پیشنهاد شده است اعتبار نامه آقای شوشتری در درجه اول جزو دستور امر در شود آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

آقای دولت آبادی مخالف بودند.

دولت آبادی - بنده از خداوند توفیق می طلبم.

جمعی از نمایندگان - بنده تر بفرمایند.

دولت آبادی - بنده از خداوند توفیق می طلبم.

مطلبیم از تمام همی و هوهای معارف نفسانی خودم که هیچ انسانی غیر از مقام خداوند توفیق میطلبم در این چند دقیقه که برای خدمت ملک و مملکت و روح آزادی و مشروطیت و حکومت ملی آمده ام اینجا

چند کلمه عرض کنم خودم را از هوا و هوس خالی کنم.

امیدوارم بتوانم مشمول این توفیق الهی بشوم و عرایض خودم را فقط فقط برای خدا بگویم.

آقایان محترم: تصدیق دارم که در دوره های اخیر مجلس شورای ملی اندکی پایه امور از محورهای طبیعی خودش خارج شده.

نمیخواهم این کلمه را که عرض کردم تعقیب کنم و دامنه اش را بکشم چون مخالف ندارم که مجبور شوم ثابت کنم.

در استرآباد دو انجمن نظارت ملی تأسیس شد یکی در تاریخ رمضان المبارک ۱۳۴۱ و دیگری بعد از ۹ ماه در جمادی الثانیه ۱۳۴۲ در انجمن نظار اول یک شخص بزرگوازی که شاید کسانی که او را هم ندیده اند حلقه یار داشته باشند عضویت داشت و خدا را شهادت میطلبم که الان روح یرفتوح او را در فضای این مرکز ازاده ملی می بینم که پرواز میکند.

آقا سید یعقوب گو کجاست؟ (خنده نمایندگان)

دولت آبادی - مرحوم حاج شیخ محمد حسین استرآبادی و رحمت الله علیه یکی از اولیای یکی از اشخاص بزرگ و یکی از علمای معترم یکی از آزادخواهان حقیقی بود در آن وقتی که انجمن نظار اول در استرآباد انتخاب شد.

شیخ هم در آن انجمن بود یک قضیه در استرآباد اتفاق افتاد که شیخ از انجمن بیرون رفت.

نمی دانم چه شده شرحی به بنده نوشتند این را عرض می کنم برای اینکه بدانید سابقه بنده در این قضیه از کجا است شرحی به بنده نوشتند و وقایع و حقایق امر و آنجا را نظریه سابقه که در مسافرت و مهاجرت با هم داشتیم و در طهران هم مراد به داشتیم به بنده نوشتند.

بنده هم بمواقع و جاهای لازم اصلاح انجمن نظار اول بعد از چندی به این مقدمه گذشت منحل شفاهی شد و شفاهاً گفتند انجمن منحل است.

۹ ماه انجمن منحل و لا تکلیف بود.

بعد از نه ماه در جمادی الثانیه ۱۳۴۲ (یعنی در صورت مجلس این طور نوشته) انجمن دیگر دائر شد.

سه نفر از اعضاء انجمن اول بودند چهار نفرشان بودند.

سه نفر دیگر با آنها ضمیمه شد مسئله بر مرکز رجوع شد و اختلاف نظر حاصل شده مان اختلافاتی که در غالب ولایات بوده است و هست بنده چندان اهمیت نمی دهم بواسطه اینکه از یکدسته که یکی انتخاب شده دسته دیگر دانتم می شود این بدیهی

چند کلمه عرض کنم خودم را از هوا و هوس خالی کنم.

امیدوارم بتوانم مشمول این توفیق الهی بشوم و عرایض خودم را فقط فقط برای خدا بگویم.

آقایان محترم: تصدیق دارم که در دوره های اخیر مجلس شورای ملی اندکی پایه امور از محورهای طبیعی خودش خارج شده.

نمیخواهم این کلمه را که عرض کردم تعقیب کنم و دامنه اش را بکشم چون مخالف ندارم که مجبور شوم ثابت کنم.

در استرآباد دو انجمن نظارت ملی تأسیس شد یکی در تاریخ رمضان المبارک ۱۳۴۱ و دیگری بعد از ۹ ماه در جمادی الثانیه ۱۳۴۲ در انجمن نظار اول یک شخص بزرگوازی که شاید کسانی که او را هم ندیده اند حلقه یار داشته باشند عضویت داشت و خدا را شهادت میطلبم که الان روح یرفتوح او را در فضای این مرکز ازاده ملی می بینم که پرواز میکند.

آقا سید یعقوب گو کجاست؟ (خنده نمایندگان)

دولت آبادی - مرحوم حاج شیخ محمد حسین استرآبادی و رحمت الله علیه یکی از اولیای یکی از اشخاص بزرگ و یکی از علمای معترم یکی از آزادخواهان حقیقی بود در آن وقتی که انجمن نظار اول در استرآباد انتخاب شد.

شیخ هم در آن انجمن بود یک قضیه در استرآباد اتفاق افتاد که شیخ از انجمن بیرون رفت.

نمی دانم چه شده شرحی به بنده نوشتند این را عرض می کنم برای اینکه بدانید سابقه بنده در این قضیه از کجا است شرحی به بنده نوشتند و وقایع و حقایق امر و آنجا را نظریه سابقه که در مسافرت و مهاجرت با هم داشتیم و در طهران هم مراد به داشتیم به بنده نوشتند.

بنده هم بمواقع و جاهای لازم اصلاح انجمن نظار اول بعد از چندی به این مقدمه گذشت منحل شفاهی شد و شفاهاً گفتند انجمن منحل است.

۹ ماه انجمن منحل و لا تکلیف بود.

بعد از نه ماه در جمادی الثانیه ۱۳۴۲ (یعنی در صورت مجلس این طور نوشته) انجمن دیگر دائر شد.

سه نفر از اعضاء انجمن اول بودند چهار نفرشان بودند.

سه نفر دیگر با آنها ضمیمه شد مسئله بر مرکز رجوع شد و اختلاف نظر حاصل شده مان اختلافاتی که در غالب ولایات بوده است و هست بنده چندان اهمیت نمی دهم بواسطه اینکه از یکدسته که یکی انتخاب شده دسته دیگر دانتم می شود این بدیهی